

هیأت / ۳

- صلوات / وصف پرهیزکاران ■ ۴
- هیأت / سخنی باذاکرین اهل بیت (ع) ■ ۵
- نزار القطری و پیوندهای روحی ملت های خاورمیانه ■ ۸
- تکیه / حیات اجتماعی امام رضا ■ ۱۰
- آداب / مراقبات ماه ذی القعدة الحرام ■ ۱۲

هنر و ادبیات آیینی / ۱۳

- بحر طویل / مظلومیت انگار تکراریست ■ ۱۴
- به آیین ترین مرثیه (بخش دوم) ■ ۱۵
- پربشانی شیرین (گفت و گو با مهدوی موبد) ■ ۱۷
- پروژه تاریخی سریال مختار نامه ■ ۲۲
- ضرورت ایجاد مدرسه مدح و مرثیه (بخش پایانی) ■ ۲۵

تاریخ و اندیشه / ۲۷

- درآمدی بر مبنای و منابع عاشورا پژوهی (بخش دوم) ■ ۲۸
- عاشورا در کتب تاریخی اهل سنت (بخش اول) ■ ۳۲
- مداحی به مثابه کارشناسی عاشورا (گفت و گو با محمدرضا سنگری) ■ ۳۴
- نگاهی به نقش ارتباطات سنتی در دنیای مدرن امروز ■ ۳۸
- شمر شناسی ■ ۴۲

جامعه / ۴۳

- آگه پول هم بدی آقا بیشتر نظر می کنه ■ ۴۴
- باید حوزه های علمیه خواهران را تقویت کرد (گفت و گو با سهیلا قربانی) ■ ۴۹
- ضرورت های توسعه گردشگری مذهبی در ایران ■ ۵۳

خبر و گزارش / ۵۷

- اخبار کوتاه ■ ۵۸
- گزارش تصویری از سقاخانه های شهر تهران ■ ۶۲



صاحب امتیاز: محمدرضا زائری
مدیر مسئول: مرتضی وافی
همکاران این شماره: میثم غضنفری، حسین سخنور، امیر عیسی ملکی، علی حقیقت، علیرضا پورامید، مجید سلیمان، داوود بهلولی، سعید غضنفری، جلال بیطرفان، سید حجت سجادی زاده، جواد جواهری، الهام حسینی، هانیه خاکپور، محسن واحدی، جواد محمدی، محمد علی بیطرفان، فرامرز رحمانی، محمد جواد اسماعیلی نژاد، یدالله جباری، فاطمه ایدوست، سلیمان جهان دیده، برهان محمودی ویراستاری و تصحیح: برهان محمودی، محسن احمدنیا طراح نامواره: حمید عجمی صفحه آرایی: علی اکبر محمد خانی، مهیار سپهری طرح جلد: سید محمد علی سید ابراهیمی عکس: پیام اکبری

مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید. خیمه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. برگشت دادن مطالب ارسالی امکان پذیر نیست. بهتر است برای مکاتبات از پست الکترونیکی استفاده کنید.

چاپ: سهیند گرافیک / ۳۰۰۰۰ هزار نسخه

با همکاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه
با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی



دفتر ماهنامه خیمه: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به تقاطع استاد نجات اللهی، ساختمان شماره ۲۱۳، طبقه چهارم، واحد ۹

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰-۰۲۱ تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳

آدرس الکترونیک: www.kheimh.com پست الکترونیک: info@kheimh.com



مناسک آیینی، زمان و زمینه سازی اجتماع

مرتضی وافی

پرجوش و خروش محرم و عاشورا، شرح و بسط مطلب می ماند برای بعد... ■

۱- در سر مقاله شماره ۴۳ ماهنامه خیمه به این مطلب اشاره ای رفت.

۲- گرچه در ظاهر برخی اعمال دینی را کم اهمیت جلوه می دهند، مانند اذان و اقامه برای آماده سازی نمازگزار، در حالیکه «اسرار الصلوة» این گونه رفتارها را مهم و پررنگ می داند.

۳- هنر سخنرانی / استیفی ای لوکاس / انتشارات رشد
۴- شیخ صدوق در کتاب «خصال»، در تفسیر حدیث نبوی «لا تعادوا الايام فتعاديكم» (روزها را دشمن ندارید که آنها شما را دشمن خواهند داشت) نقل کرده است که امام علی النقی (ع) فرموده اند: روزها ما هستیم... یک شنبه امیر المومنین است... و جمعه فرزند فرزند است. که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

۵- و در ادامه روایت آمده است که شنبه با نام رسول (ص) خداست. یک شنبه با نام علی و فاطمه (ع)، دوشنبه با نام حسین (ع)، سه شنبه با نام حضرت سجاد، امام باقر و امام صادق (ع)، چهارشنبه با نام حضرت موسی بن جعفر، امام رضا، امام جواد و امام هادی (ع)، پنجشنبه با نام امام حسن عسگری (ع) و جمعه با نام حضرت مهدی (عج) است.
۶- علامه مجلسی / بحار الانوار / ج ۷۱ / ص ۲۲۱ - محجۃ البیضاء / ج ۵ / ص ۵

مولوی با اشاره به این حدیث در دفتر نخست مثنوی معنوی (تصحیح نیکلسون، ابیات ۱۹۵۱-۵۵)، ابیات زیر را سروده است:

گفت پیغمبر که نفحات های حق
اندرین ایام می آرد سبق
گوش هوش دارید این اوقات را
دررباید این چنین نفحات را
نفحه ای آمد شما را دید و رفت
هر که را می خواست جان بخشید و رفت
نفحه ای دیگر رسید آگاه باش
تا از این هم وانمانی خواجه تاش
جان آتش یافت زان آتش کشی
جان مرده یافت از وی جنبشی
۷- در دعای کمیل و دعای فرج این گونه آمده است.

۸- ابن قولویه / کامل الزیارات / الباب السبعون ثواب زیارة الحسين علیه السلام يوم عرفه / حدیث سوم: و عنهم، عن سعد، عن الهیثم بن ابی مسروق النهدي، عن علي بن اسباط عن بعض اصحابنا عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان الله تبارک و تعالی ینبذ بالنظر الی زوار قبر الحسين علیه السلام عشية عرفه، قال: قلت: قبل نظرهم لاهل الموقف؟ قال: نعم، قلت: کیف ذلک؟ قال: لا ی فی اولئک اولاد زنا، و لیسن فی هؤلاء اولاد زنا.

الساعة» و یا «الساعة الساعه الساعة». ۷
به هر حال آنچه از مانند این گونه تعبیر دینی برمی آید، اهمیت زمان، ظرف رفتاری و موقعیت های مناسبتی ست. چیزی که واژه «الساعة» رانه به معنای «حال» و نه به منظور «لحظه» بلکه به مفهوم ایجاد یک ظرفیت عمیق و وسیع - گرچه در بخشی از زمان به ظاهر کم و کوتاه و بسیار محدود - برای یک رفتار مقبول دینی باز آفرینی می کند. رفتاری که نیازمند یک زمینه رشد و گذر جامعه و فرد از آن ظرف زمانی به عنوان پیش نیاز برای حضور در آن موقعیت خاص دیگر می باشد.

شاید این مختصر را بتوان سرآغاز یک گونه نواندیشی در اصل «مناسبت ها» و «مناسک آیینی» دانست. با این نگاه می توان انتظار داشت تمامی نهادها و متولیان فرهنگی، صاحبان پایگاه های دینی و مبلغان مذهبی که در ماه محرم و صفر خود را در بهار فعالیت دینی و پاسداشت مجالس عزاداری و توسل می بینند، چند گام جلوتر فضا سازی اجتماعی را با درک «روز عرفه» آغاز نمایند. روزی که زیارت امام حسین (ع) با «مناجات» گره خورده است. چه آن که ما معتقدیم این موقعیت - که در متون دینی توجه خدا را به زائران کوی حسین (ع) قبل از زائران خانه اش در بردارد - حکایت نوعی «بازخوانی تفکر و عقیده» و لزوم آماده سازی برای درک عاشوراست.

و حرف آخر آنکه ترویج و گسترش «دعای عرفه»، توجه دادن به فضای «مناجات»، و آشناسازی جامعه با مفاهیم والای آن به یقین شروعی ست برای استعدادیابی در جریان

یکی از مؤلفه هایی که می بایست در رفتارشناسی «مناسک آیینی» مورد دقت قرار گیرد، «ظرفیت و فضا سازی اجتماعی» است. پدیده ای که در مفاهیم دینی گاه با لفظ «مناسبت» و گاه با تعبیر «ایام» و یا «الساعة» و یا «نفحات» یاد می شود. ۱
آنچه مسلم است تأثیر زمینه ها و بسترهای زمانی به جهت ایجاد آمادگی روحی، برقراری یک نوع تمرکز در رفتار و فکر قبل از بروز و ظهور یک رفتار در قالب مناسک و آیین ها آن هم در ظرف زمانی خاص خود است، تأثیری که گاه مقدمه را از ذی المقدمه «اصل رفتار» مهم تر می نماید. ۲
گرچه در علم ارتباطات در «عوامل تأثیر بر مخاطب» به واژه ای با نام «موقعیت» برمی خوریم ۳ اما شاید اشاره به برخی موارد آمده در متون دینی اهمیت این عامل را در تحکیم و تعمیق یک رفتار در زمان خودش نمایان تر می سازد:

■ از امام (ع) سؤال شد که معنای این جمله چیست؟ «لا تعادوا الايام فتعاديكم» «با روزها دشمنی نکنید که به مقابله بر خواهند خواست و امام (ع) پاسخ دادند: منظور از روزها ما مییم و بعد نام روزها و خودشان را یک به یک شمر دند. ۵

■ و در حدیث آمده است: که همانا در «روزهای» زندگی تان «نفحاتی» است. آگاه باشید! و خود را بر سر راه آن نسیم های رحمت قرار دهید. ۶

■ و در ادعیه که از معتبرترین متون دینی اند آمده است که «فی هذه الليلة و فی هذه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَّمَكَ اللَّهُ
الْحِكْمَةَ يَا أَبَا

هَيَات





وصف پرهیزکاران



نشانه‌های پرهیزکاران

در نگاه امیرالمؤمنین، پرهیزکار در دینداری نیرومند، نرم خو و دوراندیش، دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب دانش، در توانگری میانه رو، در عبادت فروتن، در تهیدستی آراسته، در سختی‌ها بردبار و در جستجوی کسب حلال است. او در راه هدایت، شادمان و پرهیزکننده از طمع ورزی است. آرزویش نزدیک، لغزش‌هایش اندک، قلبش فروتن، نفسش قانع، خوراکش کم، کارش آسان، دینش حفظ شده، شهوتش در حرام مرده و خشمش فروخورده است. مردم به خیرش امیدوار و از آزارش در امانند. ستمکار خود را عفو می‌کند.

در سختی‌ها آرام و در ناگواریها بردبار و در خوشی‌ها سپاسگزار است. مردم را با لقب‌های زشت نمی‌خواند، همسایگان را آزار نمی‌رساند. اگر خاموش است سکوت او اندوهگینش نمی‌کند و اگر بخندد آواز خنده او بلند نمی‌شود. دوری او، از تکبر و خودپسندی و نزدیکی او، از روی حيله و نیرنگ نیست. ■

خواستهایشان اندک و نفسشان عقیف و دامنشان پاک است.

شب پرهیزکاران

پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء به جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند و در قرآن داری درد خود را می‌یابند. قامت را به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده و از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می‌طلبند.

روز پرهیزکاران

پرهیزکاران در روز، دانشمندی بردبار و نیکوکارانی باتقوا هستند. نفس خود را متهم می‌کنند و از کردار خود ترسناکند. هرگاه یکی از آنها را بستانند، از آنچه در تعریف او گفته شد در هراس افتاده، می‌گویند: "من خود را از دیگران بهتر می‌شناسم و خدای من، مرا بهتر از من می‌شناسد، بار خدایا، مرا بر آنچه می‌گویند محاکمه نفرما و بهتر از آن قرارم ده که می‌گویند و آن گناهانم را که نمی‌دانند بیامرزد."

گفته‌اند یکی از یاران حضرت علی علیه السلام به نام هم‌بن شریح از مولا تقاضا کرد: "یا امیرالمؤمنین پرهیزکاران را چنان برایم وصف کن که گویا آنان را با چشم می‌نگرم." امام ابتدا به جمله‌ای بسنده فرمود که: "ای هم‌بن از خدا بترس و نیکوکار باش که خداوند با پرهیزکاران است." اما هم‌بن راضی نشده، اصرار ورزید. پس حضرت شروع به توصیف پرهیزکاران نمود. هم‌بن پس از شنیدن سخنان امام در توصیف پارسایان بیهوش گشت و در آن بیهوشی جان داد. گزیده‌ای از این خطبه، در ادامه می‌آید:

سیمای پرهیزکاران

در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنها میانه و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است. چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده می‌پوشانند و گوشه‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند و در روزگار سختی و گشایش، حالشان یکسان است. دل‌های پرهیزکاران اندوهگین و مردم از آزارشان در امان، تن‌هایشان لاغر،

سخنن با ذاکرین اهل بیت (ع)

گفت و گو با

محسن طاهری، غلامرضا سازگار، حسین هوشیار، مهدی منصوری و حجت الاسلام عالی

نیست که مردم از وعظ دست کشیده باشند. نقش مداحان در ترویج عواطف دینی:

دو دسته اند: بعضی نقش مثبت دارند و بعضی منفی. مداحی که از جمیع جهات مداح باشد نقش او در جامعه هدایت به ولایت اهل بیت و عبادت است مثلاً گاهی بعضی مداحان اشعار ولایی که می خوانند، پند هم می خوانند. گاهی یک بیت کار یک منبر را می کند. زنی به نام سوده وقتی لشکر امیرالمؤمنین فرار می کردند بالای بلندی سه بیت شعر خواند و باعث شد لشکر برگردد.

رابطه مداح با سیاست:

وقتی کسی می خواهد کاندیدا شود باید از کانال شورای نگهبان بگذرد. پس وقتی مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت حق توهین به او را نداریم چه موافق او باشیم و چه نباشیم. اگر موافق بودیم مردم را تشویق کنیم به انتخابات اما حق نداریم دیگری را بگوییم؛ چون همه مورد احترامند. وقتی هم که کاندیدای مورد نظر من رأی نیارود، وظیفه دارم با او همکاری کنم. تمام ملت باید این گونه باشند. مداحان باید در سیاست نقش داشته باشند؛ اما نقش مثبت.

قرائت سطحی از حقایق ممنوع

حسین هوشیار

تعریف ذاکری:

همان طور که از لفظ پیدا است معنای ذاکر به یاد آورنده است. وقتی می گوییم ذاکر اهل بیت یعنی به یاد آورنده حقایق اهل بیت. این به یاد آوردن ممکن است در قالب رفتار و گفتار و نگاه هم باشد؛ یعنی روش و منش مداح، میتواند ذکر اهل بیت را تداعی کند. ذاکر کسی است که باید تمامی جهات رفتار و گفتارش یادآورنده اهل بیت باشد. کسی می تواند به یاد آورنده اهل بیت باشد که نسبت به آن حقیقتی که قرار است آن را

بگوییم تا غرق در اهل بیت باشیم.

ویژگی های یک ذاکر:

ویژگی یک ذاکر این است که وقتی او را می بینیم به یاد اهل بیت بیفتیم. اخلاق و مردم داری و عباداتش طوری باشد که انسان وقتی آنها را می بیند دلش نورانی شود. حتی یک مداح نباید فکر کند که فقط باید در منبر حرف خوب بزند. بلکه باید همیشه زبانش به خوبی ها مشغول باشد و هر کس یک مداح را دید بی اختیار یاد اهل بیت بیفتد. اگر بخواهیم از میان مداحان معاصر چنین کسانی را نام ببریم، امثال حاج حسین حسینی، حاج اکبر کاظمی و مرحوم علامه هستند. اینها حرکات و سکناتشان در مجالس معمولی هم این گونه بود و زمام مجلس را به دست می گرفتند و مطالبی از اهل بیت و خدا و قرآن می گفتند و می گویند. نمی گذارند یک لحظه از وقت جلسات به حرف های غیر اهل بیت بگذرد. در میان گذشتگان هم از کسانی مانند کمیت و فرزدق باید نام برد که در هر حالتی بودند دل شان با اهل بیت یکی بود و هر چه می گفتند به آن اعتقاد داشتند. الگوی ما مداحی است که به آن چه می گوید عقیده داشته باشد.

سبک های جدید مداحی:

شور به انحاء مختلف (تا آنجا که یادم هست) در گذشته هم بوده است. ما مخالف این شیوه های جدید نیستیم. عاشورا را باید با شور نگاه داشت؛ اما کدام شور؟ شوری که از شعور خالی نباشد و مطالب بی محتوا در آن گفته نشود. در حال حاضر بعضی شورها به ترانه و مطالب بی محتوا تبدیل می شود. والا من هم می آیم و با آنان شور می زنم. اصلاً شور باید باشد؛ چون جوانان آن را دوست دارند. اما باید بگوییم هر چه می خواهید شور بگیرید؛ ولی امام (ع) را ناظر ببینید. هر چه جذابیت دارد جمعیت را جذب می کند. آن هیأت هایی که من می روم همه واعظ دارند و این طور

همیشه مفاهیمی وجود دارند که معانی آن ها، نزد اذهان مختلف، متفاوت است. معمولاً غالب مفاهیم دینی و مذهبی از این ویژگی برخوردارند. از این رو ماهنامه خیمه مفاهیم رایجی همچون «ذاکری»، «ویژگی های ذاکر» و... را به اقتراح گذاشت و ذاکرین و مادحین، هر کدام پاسخ خود را ارائه دادند و تعریف و منظورشان را از آن مفاهیم مطرح کردند.

در کنار هم بودن مجموعه نظرات آن ها مخاطب را به تامل بیشتر وا می دارد.

شور بگیرد، اما امام را ناظر...

غلامرضا سازگار

تعریف ذاکری:

ذاکر به معنای یاد آورنده است و ذاکر به مداحی می گویند که یاد خدا و ذکر او را هم به یاد مردم آورد و هم خودش ذاکر باشد. یعنی فقط خودش ذاکر نباشد بلکه در خواندن، مردم را هم ذاکر قرار دهد؛ یعنی به یاد خدا و اهل بیت بیندازد. خواننده ای که تشریفاتی باشد و یا نقش ایفا کند کفایت نمی کند. هم خودش باید ذاکر باشد و به یاد خدا و اهل بیت باشد و هم دیگران را به ذکر دعوت کند.

اما اگر مقصود از ذاکری، ذکر اهل بیت باشد، یک معنای دیگر هم دارد. همه افراد باید ذاکر باشند و به یاد خدا، ولی "ذکر"ی که در مداحی هست، همان معنای اول را می دهد؛ منتهی فلسفه و ضرورتش این است که وقتی ما به یاد اولیای خدا باشیم خودمان هم خواهی نخواهی در مسیرشان قرار می گیریم و قدم بر می داریم. نتیجه اش این است که وقتی می خوانیم دل ها را به اهل بیت متصل می کند. چرا که اگر ذکرشان گفته نشود کم کم به فراموشی سپرده می شوند. ما نباید اهل بیت را فراموش کنیم و باید سیره شان را

به یاد مردم بیاورد شناخت لازم را به دست آورده باشد. میگویم شناخت لازم و نه کافی؛ چون هیچ وقت کافی نخواهد بود. حداقل ها را بداند و بعد بتواند بشناسد و به یاد بیاورد. برای این که بتوان از یک حقیقت والا دم زد، باید نسبت به آن یک شناخت اولیه داشت. اولین قدمی که به ذاکر کمک میکند تا به این شناخت دست پیدا کند، خلوص است. قدم دوم ممارست است و خستگی ناپذیری. باید مصداق این مصرع باشد که نابرده رنج گنج میسر نمی شود. معتقدم هر کس در این مسیر رنج بیشتر برد گنج بیشتری خواهد برد. این دو مورد فکر می کنم دو ویژگی بارز یک ذاکر موفق باشد. ذاکر فقط یک خواننده نیست، کسی است که به یاد می آورد. کسی است که در مجالس اهل بیت حضور می یابد و در راه اهل بیت قدم بر میدارد؛ هر اثری از او (در اشعارش، کتابها و...) ما را به یاد اهل بیت می اندازد. کسی که مقدمات ذکر اهل بیت را فراهم می کند، در هر قالبی که باشد، آن هم به نوعی ذاکر اهل بیت است.

سبک های جدید مداحی:

معنای تجدد و پیشرفت، فراموشی فطرت نیست. ما نمی توانیم حقیقت ها را دستخوش تغییر کنیم. با یک اتفاق نوآورانه موافقم و نه تنها ایرادی ندارد که لازم هم هست. حقیقت در این وادی باید هنر مندانه کار شود؛ اما چهار چوب کلی باید حفظ شود. و معتقدم امروزه نوآوری به شدت لازم است و اگر با زبانی نوآورانه از این حقیقت گفته شود، بسیار جای خوشوقتی است. اما در نوآوری نباید دنبال یک قرائت سطحی از این حقایق باشیم. به عبارت بهتر نباید به دلیل همه فهم کردن این حقایق ناب و جذاب تر کردن آنها برای جوانان، از این حقایق بزنیم و آن را پایین بیاوریم. آن ذری را که می فروشیم به خاطر این که قدرت خرید مشتری بالا رود، با یک شیء بی ارزش عوض نکنیم. همیشه معتقد بودم در بعضی نوآوری ها سطحی نگری شده و دلیل اصلی شان این بوده که جذب کنند. اتفاقی که در گذشته ها در مورد نوآوری رخ داد، این بود که به بهانه نوآوری قیمت این گوهر را می خواستند بشکنند. کسی که اهل بیت را آسان به دست آورد آسان هم از دست می دهد. گوهری که بهای بالایی به آن پرداخته نشود ارزشش دانسته نمی شود. به جای این که خودمان بالا رویم امام حسین (ع) را پایین می آوریم.

رابطه مداح با سیاست:

معتقدم منبر امام حسین (ع) محل تسویه

غلامرضا سازگار: وقتی کسی می خواهد کاندیدا شود باید از کانال شورای نگهبان بگذرد. پس وقتی مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت، مداحان حق توهین به او را ندارند چه موافق او باشند و چه نباشند. اگر موافق بودند مردم را تشویق کنند به انتخابات اما حق ندارند دیگری را بکوند؛ چون همه مورد احترامند.

حسابها نیست. همان طور که منبر، امانت است، گوش مستمع هم امانت است. باید امانتدار خوبی باشیم. امانتی که ممکن است فردا دست ما نباشد. معتقدم فریاد حق طلبی افتخار یک مداح است. همان طور که افتخار می کنیم منبر در زمان رژیم گذشته سیاسی بود، افتخار می کنیم که روح حماسه و ظلم ستیزی هم در آن بود.

لذت حقیقی به جای لذت مجازی

مهدی منصوری

تعریف ذاکری:

مداحی در لغت به معنی تمجید زیاد از فرد است. این به غیر از معصوم سزاوار هیچ کس دیگری نیست. مدح سزاوار اهل بیت است که نه تنها گناه نمی کنند که حتی فکر آن را هم نمی کنند؛ مدح آنان به هیچ وجه اشتباه نیست.

تشیع به روز است و کهنه شدنی نیست. اگر منقبت و خصوصیات اهل بیت را به مردم بگوییم هر روز جامعه رو به پیشرفت می رود و از حسیض ذلت به اوج عزت ارتقا پیدا می کند. اهل بیت به روز و پویا و بهترین است و با فطرت انسان سر و کار دارد. روز به روز بهتر است و تأثیر گذار تر.

مداح پل ارتباطی بین انسان ها و خداست از طریق اهل بیت. این بهترین راه است برای کسی که اهل بیت را الگو قرار می دهد.

یک الگو:

در اصفهان شخصی بود به نام مرشد زاده که دو سال قبل از انقلاب از دنیا رفت که نمونه یک مداح کامل بود و چنان به اوج رسیده بود که وقتی می خواند انگار خود را در کربلا می دید. تزکیه نفس پیدا کرده بود و همه تعلقات را از خود دور کرده بود و هیچ چیزی جز اهل بیت و خدا را نمی دید. وقتی مدح

می گفت گویی در محضر ائمه است. و روی مردم هم تأثیر می گذاشت. شهیدی بود به نام شهید تورجی که وقتی دهان باز می کرد و السلام علیک یا ابا عبدالله می گفت مردم شروع به گریه می کردند.

سبک های جدید مداحی:

اولین مسئله ای که باید رعایت کنیم این است که اصل مطلب را گم نکنیم؛ باید ببینیم به چه می خواهیم برسیم. منتهی تنوع هم در کار وجود دارد. در این دوره که دشمنان عقاید باطلشان را با انواع فیلمها، نمایش ها و سی دی ها به جوانان ما ارائه میکنند و آنها را می خواهند به انزوا بکشانند، آن وقت ما که فرهنگ مان به روز ترین و کامل ترین است، چرا نتوانیم تحول ایجاد کنیم؟ نه این که اقتباس کنیم از فرهنگ های غربی. خودمان از لحاظ فرهنگ و معارف در سطح بالایی هستیم. ما که همه چیز داریم و لذت هایی که داریم مجازی نیست و حقیقی است؛ این را می توانیم به بهترین و هنرمندانه ترین روش در راه ترویج اهل بیت به کار ببریم.

نقش مداح در ترویج عقاید و آداب و رسوم دینی:

بهترین چیزی که مداح باید داشته باشد جامعه شناسی و روان شناسی است. اگر مداح آفت ها و نقاط ضعف و قوت دشمن را بشناسد، می تواند راه خدا و مردم پسندانه را بنماید و بهترین الگو باشد برای تغییر بسیاری از روشها و سنت های غلط. در نامه ای امام علی به مالک اشتر آمده که نباید سنت شکنی کند؛ بلکه با استفاده از سنت های خوب و تلفیق آنها با روش های خوب امروزی، نوآوری کند. این اعتدال می تواند نقش مؤثری در تغییر سنت های غلط جامعه داشته باشد.

رابطه مداح با سیاست:

نباید مداح هیچ تحرکی نداشته باشد. اگر مداح سیاست را نداند و خوب را از بد تشخیص ندهد و نتواند برای آینده و کشورش سر نوشت تعیین کند، نمی شود. مداح باید مثل یک دایره المعارف باشد و با نقاط مثبت و منفی جامعه آشنا. مداح نباید خود را وابسته به یک جناح و خط کند. این خدا پسندانه نیست. باید بتواند جامعه را هدایت کند که در این مورد هم بالاخره باید بزرگ ترهای خود را الگو قرار دهد. اگر صدایش خوب است و یا شعر خوب می گوید دلیل بر این نیست که سیاستش هم خوب باشد. تخصص و تعهد باید در کنار هم قرار گیرند.

این که نهضت عاشورا به قول حضرت امام بعد سیاسی اش مهم است، شکی نیست. معیار دادن آن عیبی ندارد. اشعاری که ظلم‌ستیز باشد و حتی معیارهای اجتماعی را مطرح کند خوب است ولی وارد مصادیق شدن ضربه می‌زند.

■ ضرورت و فلسفه ذکر را قرآن بیان می‌کند محسن طاهری

همان‌گونه که از واژه‌ی مقدس ذاکر و مداح مشخص است، رسالت عزیزان ذاکر، ستایش اهل بیت عصمت و طهارت است. کسانی را می‌ستایند که ستایشگر آنان حضرت حق جل جلاله است. همانا مداح و ذاکران اگر جایگاه خود را بشناسند و قدردان باشند کاری خدایی می‌کنند. ضرورت و فلسفه‌ی ذکر را قرآن بیان می‌کند. در آیه‌ی کریمه‌ی "فذكر ان الذکر تنفع المؤمنین"، بر نافع بودن ذکر برای انسانها تأکید شده است. در جامعه کبیره هم "ذکر کم فی الذاکرین" را می‌خوانیم، پس در ضرورتش هیچ جای شک و شبهه نیست. فلسفه‌ی وجودی اذکار دیگری هم که به آنها توصیه شده، رشد دهندگی و هدایتگری است. برترین اذکار نیز ذکر ائمه هدی است.

به عقیده‌ی این کم‌ترین، مهم‌ترین ویژگی یک ذاکر خوب اخلاص، عبودیت، خداترسی، بهره‌وری از ایام‌الله، وارستگی و آراستگی ظاهر و باطن و در نهایت خوش خلقی و حسن سلوک با بندگان الهی به ویژه نسل جوان معتقد می‌باشد. میثم تمار الگوی حقیقی ذاکرین است که آن‌گونه امتحان خود را پس داد و یا حجر بن عدی که فدای ذکر ائمه گردید.

اگر گرایش‌های صحیح و خطوط بارز دینی، سیاسی و فکری که باعث تنویر افکار عمومی و روشنگری جامعه می‌شود گفته شود، مانعی ندارد.

اگر ذاکر و مداح خودش متصف به این صفات باشد و در بین مستمعین و مشارکت‌کنندگان امواج مثبت ایجاد کند، اثرات کافی را خواهد گذاشت. اگر هم از آن‌ها در موردی نظر خواهی شود، هم چون اقشار و دیگر آحاد جامعه باید به وظیفه‌ی شرعی و الهی و سیاسی خود عمل کنند.

جوانان و قشر جوان به مداحان از سر شور و ارادت به اهل بیت علاقه‌مندند. این بسیار ستودنی است البته تا زمانی که به بیراهه نروند، نمی‌تواند آسیب باشد. ■

گرایش‌های فکری برای ذاکران:

چهار چوب‌هایی هست که تغییر ناپذیر است. مثل اصول ارزشی دین ما که ظلم‌ستیزی و یا عشق به اهل بیت از جمله آنهاست. اگر این‌ها نباشد اصلاً فلسفه ذکر مصیبت و مداحی از میان می‌رود. از نظر شخصیتی هم هر کسی ممکن است یک بعد از ابعاد وجودی اش بالاتر باشد (مثل بعد عرفانی) که تا حدی قابل قبول است. اما فراتر از این‌ها همچون گرایش به انواع فرقه‌ها و نحله‌های فکری واقعاً پیامدهای غیر قابل کنترل خواهد داشت.

* نقش مداح در ترویج عقاید و آداب دینی:

طبیعتاً از این جهت که آیا او میتواند یا نه؟، بله او میتواند حتی عقاید انحرافی را ترویج دهد؛ چون او ابزار و توانش را دارد و هنرمند است. هنرمند ابزار نشر هم حقیقت و هم خرافه را



داراست و مثل شمشیر دو دم است. ولی این که تا چه حد مجاز است، شکی نیست که تنها در چهار چوب‌هایی که ترسیم شده و بر آن دلیل داریم، می‌تواند و بیشتر از آن را مجاز نیست. در بیان اشعار و پیام‌های دین باید حجت داشته باشد. لذا مداحان باید بصیرت دینی داشته باشند. یا خود دین‌شناس باشند یا متصل به دین‌شناس.

رابطه مداح با سیاست:

در این که مداح نباید از مسائل سیاسی دور باشد شک نیست. چون دیدگاه نابی که امام ارائه داد و ما آن را دیدگاه اهل بیت می‌دانیم باید چه در مداحی و چه در سخنرانی بیاید. منتهی گاهی افراط می‌شود. گاهی نظرات خاص اعمال می‌شود. گاهی روی مصادیق انگشت گذاشته می‌شود نه معیارها. این‌ها ناشی‌گری است. طبیعتاً مردم به مسائل سیاسی حساس هستند و می‌فهمند و عکس‌العمل نشان می‌دهند. زبانی است که منطق روی آن نیست، مسائل را احساسی بیان کردن، مداحی را تخریب می‌کند. والا در

□ وقتی هنر با پیام آمیخته شود، ماندگار می‌شود

حجت الاسلام عالی

تعریف ذاکری:

از لفظش پیداست که کسی است که ذکر اهل بیت را بگوید و مردم را به یاد اهل بیت بیندازد. مداح هم به همان معنای ذاکر است.

فلسفه وجودی ذاکر:

فلسفه آن به همان چیزی که در دین و مذهب ما تعبیه شده برمیگردد؛ چرا که خود اهل بیت ذاکری (یعنی یاد اهل بیت و مصائب اهل بیت) را به عنوان امری که نگه دارنده‌ی دین است، می‌دانند. چون هم بعد عاطفی انسان را تربیت می‌کند و رشد می‌دهد و هم آن خلای را در فردی که می‌خواهد دیندار باشد پر می‌کند. ضرورتش همان ضرورت پرورش دینی است. اگر قبول کنیم پرورش دینی ضرورت دارد، یک بعدش پرورش عاطفه است.

ویژگی‌ها و یک الگو:

اولین ویژگی یک ذاکر آن است که خودش سوخته باشد که لازمه آن اهل عمل بودن خود ذاکر است. به عبارت دیگر هم ظاهرش دینی باشد و هم باطن دینی و روابط دینی داشته باشد. تا کسی این‌گونه نباشد نمی‌تواند دلسوخته اهل بیت باشد. دوم این که در حد خودش بصیر باشد، تا بتواند اولویتهای دینی را تشخیص دهد. به حد خودش از دین و معارف دینی دارا باشد. زمان شناس بودن، بعد دیگر بصیرت و آگاهی دینی است؛ باید بتواند تشخیص دهد که چه چیزی در این زمان خلأ است تا از تخصص خودش در این زمینه استفاده کند.

همان کسانی که خود اهل بیت تحسین کرده‌اند، الگو هستند. مثل دعبل و یا سایر افرادی که شاعر بوده‌اند؛ امثال کمیت و کسانی که نزد اهل بیت روضه می‌خواندند و اهل بیت آن‌ها را تشویق می‌کردند. و نشان دهنده این است که آن‌ها در روضه به نوعی دین و پیامش را منتقل می‌کرده‌اند و آن پیام دینی را با هنرمندی می‌رسانده‌اند. به قول رهبری وقتی پیام با هنر آمیخته شود ماندگار می‌شود. وقتی دین با هنر آمیخته شود، برد دینی را هم طولاً و هم از جهت عمق گسترده می‌کند. کسانی که در زمان اهل بیت مدح می‌گفتند نمونه‌های دوری از همین‌ها هستند.

نزار القطری و پیوند های روح ملت های خاورمیانه

پیمان اسحاقی

۱۳۸۰) اشعار این عالم بزرگوار در حال حاضر از سوی تعزیه خوانان منطقه سبزووار مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین این نوحه در ایران سال ها حداقل در روستای میانخره از توابع خورموج استان بوشهر و تکیه باولگان خمینی شهر استان اصفهان خوانده می شده و می شود.

ویژگی خاص این نوحه، علاوه بر طرز اجرای کم سابقه آن، ابیات آن بود که از عباراتی گاه به زبان فارسی (۱)، گاه به زبان عربی (۲) و گاه مخلوطی از واژگان این دو زبان (۳) تشکیل شده بود. استقبال فراوان مخاطبان ایرانی و نظرات آنها درباره این نوحه نیز کاملاً قابل توجه است. این نظرات که حاوی ابراز احساسات و امتنان نسبت به این نوحه و خواننده آن می باشد، کمتر نسبت به خوانندگان و متولیان مراسم عزاداری ابراز شده است. (۴)

گرچه در مدتی که از نمایش این نوحه در ایران گذشته، نوعی ادبیات در بررسی این پدیده شکل یافته است (۵)؛ اما کمتر شاهد بررسی این امر با نگاه فرهنگی-جغرافیایی شیعه و از آن نقطه نظر هستیم که نحوی پیوستگی فرهنگی را در میان اقلیت های دینی خاورمیانه می جوید. گرچه بیگانه

سالگی به مدرسه رفت و در هشت سالگی حفظ قرآن را آغاز کرد و موفق به حفظ نیمی از قرآن شد. او تحصیلات خود را در قطر به پایان رسانید. او در هشت سالگی برای اولین بار با تنها دو بیتی که در یاد داشت، قرائت نوحه را آغاز کرد و در روز بعد قصیده معروف «خیرة الله من الخلق ابي» را خواند. او به زبان های عربی، فارسی، انگلیسی و اردو مسلط است. وی متاهل و دارای سه فرزند به نام های کوثر، حسین و علی است. نزار القطری سال ها در لندن زندگی کرده و هم اکنون در کویت اقامت دارد و به انجام فعالیت های فرهنگی مشغول است. متن فارسی و عربی نوحه ای که توسط نزار القطری قرائت شد، توسط یک عالم ایرانی سروده شده و پیش از این سال ها در ایران در مراسم گوناگون حسینی قرائت می شده است. شاعر این نوحه، مجتهد شهید شیخ محمد علی حسام الشریعه صدخروی (سبزواری) می باشد. وی در بیست سالگی به درجه اجتهاد رسید و در بیست و هشت سالگی توسط خوانین محلی به شهادت رسید و پیکرش با نهایت شقاوت قطعه قطعه و در قناتی از قنوات روستای مزینان ریخته شد. از او سه کتاب دیوان اشعار، میزان العقاید و مرآت التواریخ باقی مانده است. (عمادی پور،

عموماً گفته می شود که مردمان اقصی نقاط عالم کشور قطر را در سال های اخیر با معرفی گویندگان بخش های مختلف خبری شبکه ماهواره ای «الجزیره» که در ابتدای اجرا، خود را حاضر در قطر معرفی می کنند، می شناسند. این امر از این پس در کشور ما نسبت به قطر، در ارتباط با نام «نزار القطری» روی خواهد داد.

"قطری" در تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۸۶ در شهر کربلا/عراق نوحه پرشوری را به زبان عربی و فارسی اجرا کرد. این نوحه برای اولین بار از شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی ایران بعد از اخبار شبانگاهی ۲۴ دی ماه، پخش شد و به سرعت مورد توجه افشار مختلف مردم ایران قرار گرفت و بعد از آن بارها از سیما و نیز صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. استقبال از این نوحه تا به اندازه ای بود که صدای جمهوری اسلامی آن را در تارنمای اینترنتی خود قرار داد و بسیاری از تارنماهای فارسی آن را برای بازدید بینندگان بر صفحه اصلی خود قرار دادند. در بسیاری از شهر های ایران نیز برای تهیه این نوحه، بازار سیاه لوح فشرده به وجود آمد.

نزار فضل الله روانی، مشهور به نزار القطری، در ۵ ژوئن ۱۹۷۱ در قطر به دنیا آمد. او در هفت

زنی بود که تا حالا گوش کرده بودم»، «با این سینه زنی خیلی احساس آرامش کردم از شما متشکرم»، «ان شاء الله شعرای نوحه گو و نوحه خوانان حسینی ما هم از چنین مطالبی استفاده کرده و عزاداران عزیز را به مفاهیم بلند و معرفتی توجه دهند»، «من فکر می‌کنم آنگه همه اینقدر زیبا و با جملات معنی دار می‌خوانند مردم بیشتر از آن‌ها استقبال می‌کردند. واقعا عالی»، «حال عجیبی دست داد انشا الله استمرار پیدا کند تا مداحانمان یاد بگیرند»، «دومین عاشورا بود که ایران نیستم با شنیدن این نوحه عقده دلم باز شد اولین بار که از شبکه ۳ پخش شد بی اختیار تا دقایقی اشک میریختم از کودکی تا به حال نوحه ای به این باطنی و با احساسی نشنیده بودم اجرتان باسیدالشهدا»، «نمیدانم چه سری در این نوحه بسیار زیبا با این مفاهیم سوزناک و عمیق و با این اجرای عالی این مداح عرب نهفته است که از وقتی پخش شده هر بار که از سیمای جمهوری اسلامی شنیدم بی اختیار با صدای بلند از ابتدا تا انتهای مرثیه گریستم و گریستم و گریستم و به جرات می‌توانم بگویم هرگز هیچ نوحه ای در طول عمرم اینقدر مرا تحت تاثیر قرار نداده است خداوند به حق حسین (ع) به شاعر و مداحش اجر عنایت کند، واقعا بارک است... بر آنها و نیز شما که امکان ضبط آنرا برای مشتاقان فراهم کردید. خوبست بعضی شعرا و مداحان مانیز بجای مدایح سبک، افراطی، کفرآلود و آمیخته با موسیقی پاپ و اشعار سخیف از این مضامین زیبا می‌آموزند»، «سالهاست که در تهران از شنیدن یک نوحه جامع محروم بودیم و حاج نزار قطری بار دیگر ثابت کرد آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند»، «من به شخصه خودم از نوحه خیلی خوشم نیامد ولی از وقتی که این نوحه رو گوش کردم چنان تحت تاثیر قرار گرفتم که چند دقیقه مبهوت مونده بودم. واقعا مداح گل کاشنت با این نوحش... خیلی عالی بود»، «چهره ساده و نوحه پر سوز این مداح چنان تاثیری در من گذاشت که مدتها به گریه کردم اجر همتون با امام حسین، «ای کاش مداحان ما هم به جای هیجان بی جا و بی حدشان کمی از صلابت و اشعار حماسی و واقعیات موجود در آن حماسه استفاده می‌کردند، ای کاش می‌شد ایشان را در ایران دید، ما که دستمان کوتاه است»، «مداح های ما باید برن یاد بگیرن که از عزاداری فقط عریه کشی یاد بگیرن»، «بدون عریه کشی هم میشه مداحی کرد؛ نه؟ قابل توجه تمام نوحه خونهایی که الان خیلی مشهورن ولی حیف که به جای عزاداری دارن به جورایی با هم رقابت میکنن و تنها چیزی که من از دیدن مراسم نوحه خونی شون میتونم استنباط کنم اینه: به نمایش برای این که بگیرم عزاداریم. یعنی فقط ظاهر»، «کاش مداحانمان یاد بگیرند که میشود بسیار صادقانه و بی ریا هم اشکی گرفت...!»، «بخدا قسم وقتی برای اولین بار از شبکه ۳ شنیدم در همان ثانیه های هفتم هشتم این شعر برادر بزرگوار القطری ماندن تکه آهنی که به سرعت برقی، جذب آهنر با میشود مجذوب این شعر شدم و گریستم»

توجه به این مهم توسط دولت ها و سیاستمداران منطقه می تواند اسباب پی ریزی روابط فرهنگی دراز دامن و دراز مدت را فراهم آورد و غفلت یا تعافل از این امر تنها انکار حقیقتی است که تا به امروز به حیات خود ادامه داده است. ■

برخی بر این عقیده اند که «اقبال و محبوبیتی که نزار قطری پیدا کرده است سرشت مشترک روحی ملت های ایران و عراق را نشان می دهد که پیش از طراحی خاورمیانه توسط استعمار و پس از آن سلطه عرب گرایان افراطی بر عراق یک روح در دو بدن بودند و هنوز اگر افراط گرایان سیاسی بگذارند، همدلی از همزبانی بهتر است»

گرایی (Exotism) اجراهای مذهبی غیر ایرانی، که به عنوان نمونه نسبت به قولی های شبهه قاره هند تجربه شده بود، رواج مداحی های پاپ (۶) و نقد فراگیر آن در جامعه ایران، مضامین و اجرای حماسی، استفاده از قالب بحر طویل، درد دوری (Nostalgia) از اشکال سنتی سوگواری حسینی را می توان از مهم ترین دلایل اجتماعی استقبال از این اثر دانست (۷). اما از نقطه نظر اجتماعی این استقبال حداقل دارای دو دلالت مهم است. اول دگرگونی صورت و محتوای مراسم حسینی به نحوی که مورد اعتراض طیف وسیعی از مخاطبان و نیز دانشمندان دینی قرار گرفته و در عین حال نوعی حس حسرت زده (Nostalgic) نسبت مراسم دهه های پیش را باعث گردیده است (امری که ویژگی های شعر و اجرای نزار قطری کاملا آن را به یاد می آورد) و دوم عناصر مستعد در پیوستگی ملت های خاورمیانه خصوصا ملت های ایران و عراق. موضوع دوم محور اصلی اشاره این نوشتار است.

برخی بر این عقیده اند که «اقبال و محبوبیتی که نزار قطری... پیدا کرده است سرشت مشترک روحی ملت های ایران و عراق را نشان می دهد که پیش از طراحی خاورمیانه توسط استعمار و پس از آن سلطه عرب گرایان افراطی بر عراق یک روح در دو بدن بودند و هنوز اگر افراط گرایان سیاسی بگذارند، همدلی از همزبانی بهتر است» (حجت ۱۳۸۶: ۱۴). اهمیت باورها و مناسک شیعی در حتی روابط سیاسی روابط ایران و عراق تا به آن اندازه است که باز دید / زیارت عتبات مقدسه آنها همواره جزء برنامه های مسئولین ارشد دو کشور بوده است (۸). قاطبه ملت عراق، از ادیان و مذاهب گوناگون، دوستدار و محب یکی از دو ثقل باقی مانده از رسول خدا (ص) برای مسلمانان یعنی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) هستند؛ و این تنها تلاش برخی نخبگان با انگیزه های گوناگون است که سعی در القای نوعی شیعه ستیزی و ذاتی جلوه دادن آن در مناسبات فرهنگی خاورمیانه دارد. در خاورمیانه شواهد محکمی از ارتباط و پیوستگی شیعیان و اهل سنت در غیاب باز یگران و نخبگان بین المللی وجود دارد (۹). این پیوستگی بیش از همه خود را در مشارکت طیف وسیعی از اهل سنت در مراسم سوگواری حسینی نشان می دهد. به عنوان نمونه، برخی محققان این امر را به وضوح در پاکستان (عارفی ۱۳۸۵: ۹۷، ۱۰۳-۱۰۴) تشخیص داده اند.

پانوش ها:

(۱) عجا و اعجابات کفار که یک سر / چشم پوشیده ز حق نمک آل پیمبر / همه در ریختن خون من آن بی کس و یاور / شده آماده و بگرفته به کف نیزه و خنجر... چیست تقصیر من ای قوم که امروز جهانی / شده آماده به قتل هم با تیغ و سنانی؟ / در شما نیست ز اسلام نه نامی و نشانی...

(۲) انعم الله علينا بر رسول مدنی / هو جدی، و ابي و واسط الكون علی / خیر الله من الخلق ابي / بعد جدی، فانا ابن الخیر تین... فضله قد خلصت من ذهب / فانا الفضة و ابن الذهبین / ذهب من ذهب فی ذهب / و لجنین فی لجنین / انا مظلوم حسین / انا محروم حسین / لم ی قوم تر یذون بیبی و فساد؟ / لم تسعون بقتلی بلجاج و عناد؟ / لیس والله سوانا خلف بعد النبی / فرض الله علی طاعتنا کل عباد... من له جد کجدی فی الوری / او کشیخی؟ فانا ابن العلمین / فاطم الزهرا می، و ابي / قاصم الکفر بیدر و حنین / عبدالله غلاما یافعا / و فریش یعدون الوثنین / یعدون اللات و العزی معا / و علی کان صلی القبلتین / فابی شمس، امی قمر / فانا الکوکب و ابن القمرین... (۳) ای ز صولت لافتی الاعلی در شان تو / می برد شمر از سرم معجر، کفیک تصبحون؟ / آل بسوفیان به عزت، فی بیوت آمین آل ما دور از وطن، یالیت قومی یعلمون... زیر خنجر شه لب تشنه حسین گفت: تو ای شمر ستمکار / تو ای ملحد مکار / تو ای کافر غدار / اگر من نشناسی، بگویم بنشناسی: حسینم و ضیاء القمر نیم، قبیل الودج نیم / امام الحرمینم انا الفضة و ابن الذهبینم... منم آیه تقدیر (یا تطهیر) / منم نخله خوبان منم زاده زهر / منم عرش و منم فرش / منم کرسی و لوح و قلم و باعث ایجاد دو عالم /

(۴) این عبارات نمونه هایی از ابرزا احساسات دینی شنوندگان است که از یکی از پایگاههای اینترنتی جمع آوری گردیده است: «نوحه ای جانسوز، بی ریا، بدون ادوات، ساده»، «هر آنچه از دل بر آید لاجرم بر دل نشیند»، «تنها نوحه سربایی بود که من چندین بار دیدم و گر به کردم. واقع فوق العاده بود»، «هر مداحی که مستند و بر اساس مقلت های معتبر باشد جذاب و دلنشین و تاثیر گذار است از شما متشکریم»، «بهتر بین سینه

(۵) به عنوان نمونه نگاه کنید به «عربی به لهجه فارسی: چهره برتر نوحه سرایان شیعه در سال ۸۶ یک عرب فارسی زبان بود»، مصطفی حجت، شهر وند امروز، سال دوم، شماره ۳۵، شماره پیاپی ۶۶، یکشنبه ۷ بهمن ۱۳۸۶ و «نزار القطری مداحی که توانست چهره محرم امسال شود»، همشهری جوان (۶) عبارت «مداحی پاپ»، راز: «جبار رحمانی» وام گرفته ام. نگاه کنید به:

نگاهی به محدودیت های عزاداری، جبار رحمانی، قابل مشاهده در <http://www.fakouhi.com/node/۱۸۴۷>

(۷) این دلال همان گونه که اشاره شد، رویکردی اجتماعی به این مسئله دارد و نافی برخی خصائص مستور و ناشناخته سوگواری حسینی، به که دلائل دینی، عامل بقای چنین مجالس و مراسمی می باشد، نیست.

(۸) سفر عبدالرحمان عارف رئیس جمهوری عراق و همسر وی به ایران در سال ۱۳۴۵ ه. ق و زیارت اماکن مقدسه ایران از آن جمله است. (مرکز بررسی ۱۳۸۰، نیز سفرهای متعدد مسئولان ایرانی به عراق و زیارت عتبات مقدسه آن کشور (۹) گزارش مستندی از دخالت میلیون وهابی در بلاد اسلامی و تهدید و تکفیر مسلمانان در این مقاله ارائه شده است: Turner, Bertram, Global Players & Local Agency in Rural Morocco, ISIM Review ۱۹, ۲۰۰۷ Spring, ۱۲-۱۳. منبع:

تارنمای شیعه نیوز. <http://www.shia-news.com/ShowNews.asp?Code=۸۶۱۱۰۳۰۱>

حجت، مصطفی، ۱۳۸۶، «عربی به لهجه فارسی: چهره برتر نوحه سرایان شیعه در سال ۸۶ یک عرب فارسی زبان بود»، شهر وند امروز، سال دوم، شماره ۳۵، شماره پیاپی ۶۶، یکشنبه ۷ بهمن

عارفی، محمد اکرم، ۱۳۸۵، شیعیان پاکستان، باراهنمایی محمود تقی زاده داوری، قم، شیعه شناسی

عمادی پور، محمد، ۱۳۸۰، صدخو و خاستگاه فرهنگ، ۹، عابد مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، روابط ایران و عراق به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات



حیات اجتماعی امام رضا علیه السلام

اجرامی شد و گاه نیز بر الاغ خود می نشستم و از کوچه های مدینه می گذشتم، در حالی که در این شهر عزیز تر از من کسی نبود». در این جا بسنده است سخن ابن مونس - دشمن امام - را بیاوریم که به مأمون می گوید: ای امیر مؤمنان، این که اکنون در کنار توست بتی است که به جای خدا پرستش می شود. پس از آنکه امام مسئولیت امامت را به عهده گرفت همه توانایی خود را در آن دوره، در توسعه دادن پایگاههای مردمی خود صرف کرد اما رشد و گسترش آن پایگاهها و همدلی آنان با کار امام به این معنی نبود که او زمام کارها را به دست گرفته باشد. با وجود همه آن پیشرفت‌ها و افزایش پایگاه های مردمی، امام به خوبی می دانست و اوضاع و احوال

سنگین رسالت خویش را بر دوش کشد، بر تلاشهای خود بیفزاید، و فعالیت‌های خود را دوچندان کند، چه در این زمان زمینه آن فراهم گشت که شیعیان با او تماس گیرند و از رهنمودهای او بهره جویند، و همین امر در کنار بر خوردار بودن امام از ویژگیهای منحصر به فرد و رفتار آرمانی که در پیش گرفته بود سرانجام به تحکیم پایگاه و گسترش نفوذ امام در سرزمینهای مختلف حکومت اسلامی انجامید. او خود یک بار زمانی که در باره ولایتعهدی سخن می گوید، به مامون چنین اظهار می دارد: «این مساله که بدان وارد شده ام هیچ چیز بر آن نعمتی که داشته ام نیفزوده است. من پیش از این در مدینه بودم و از همان جا نامه ها و فرمانهایم در شرق و غرب

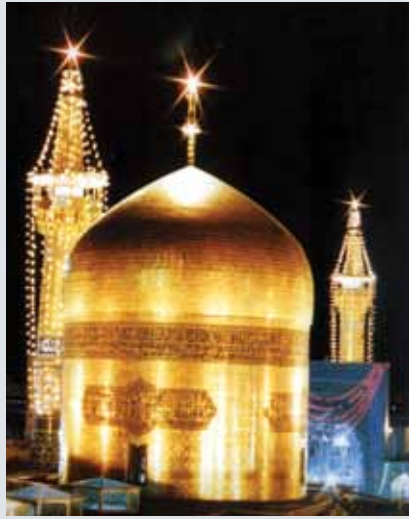
دوران حیات امام هشتم اوج گیری گرایش مردم به اهل بیت و دوران گسترش پایگاههای مردمی این خاندان است. چنان که می دانیم امام از پایگاه مردمی شایسته ای برخوردار بود و «در همان شهر که مأمون با زور حکومت می کرد او مورد قبول و مراد همه مردم بود و بر دلها حکم می راند... نشانه ها و شواهد تاریخی ثابت می کند که (در این دوران) پایگاه مردمی مکتب علی علیه السلام از جهت علمی و اجتماعی تا حدی بسیار رشد کرده و گسترش یافته و در آن مرحله بود که امام علیه السلام مسئولیت رهبری را به عهده گرفت». حقیقت آن است که در این دوران، بدی اوضاع میان امین و مأمون به امام کمک کرد تا بار

زندگی شیعیان رامی دید و از سوی دیگر می دانست که با حضور در پایگاه حکومتی شاید بتواند هر چند کم در کارهای مسلمین گشایشی انجام دهد به سوی طوس رهسپار گشتند. سفری سخت و طاقت فرسا که در این سفر خواهر گرامیشان حضرت معصومه را در شهر قم از دست دادند.

حضرت در ورود به شهر طوس با استقبال بی نظیر مردم مواجه شدند و از همان روز اول تخم کینه در دل مامون کاشته شد. امام رضا با این شرط که هیچگونه دخالتی در کارهای حکومتی و عزل و نصب ها نخواهند داشت این مسئولیت را قبول کردند. مامون که در ابتدا فرض می کرد که توانسته است با این کار خطر شیعیان را به طور کلی از بین ببرد کم کم متوجه شد که نه تنها به هدف خود نرسیده است بلکه با حضور امام در مرکز حکومت و اخلاق و منش و تقوای ایشان روز به روز بر تعداد ارادتمندان آن حضرت افزوده می شود. دیگر طوس به مرکز و کانون توجه مسلمانان مبدل شده بود و نام و آوازه حضرت در سرتاسر بلاد اسلامی پیچیده شده بود.

دانشمندان مذاهب گوناگون که به طوس می آمدند جملگی در بحث و تبادل نظر در مقابل آن حضرت پی به عظمت و علم والای آن حضرت می بردند و جملگی به این نکته که با حضور آن حضرت چرا باید خلافت مسلمین در دست مامون باشد صحنه می گذاشتند. کم کم جلوه های علوی امام بر کسانی که از متعصبین به مامون بودند نیز روشن می گشت و حتی در درون خانواده مامون نیز ز مزه هایی به گوش می رسید.

مامون دیگر چاره ای نداشت جز آنکه خودش هم بر اصلح بودن امام رضا (ع) صحنه گذارد. دیگر تمامی مردم اعم از دوستداران آل عبا و غیره بر این باور بودند که مامون به نا حق بر جایگاه خلافت مسلمین تکیه زده است. مامون که می خواست با کشاندن امام به طوس خطر شیعیان را بر طرف کند اکنون در چاهی گیر کرده بود که خود با دستن خود آن را کنده بود. دیگر چاره ای برای او نمانده بود به جز آنکه امام را به شهادت برساند. و این بار هم به شیوه منحوس پدران خود امام (ع) را مسموم کردند و جهان اسلام را از وجود آن گوهر بی بدیل بی نصیب کردند. و اکنون پس از سال ها محل دفن آن حضرت به یکی از مراکز بزرگ نشر علوم دینی و پایگاه بزرگ عالم شیعه در آمده است و مایه افتخار ایرانیان است که امام رضا (ع) در کشور آنها به خاک سپرده شده است. ■



مامون خلیفه عباسی، برای بقای حکومت نا مشروع خود روشی مغایر با روش پدران خود اختیار کرد. او برای اینکه بتواند امام رضا (ع) را تحت کنترل خود داشته باشد و همچنین ایشان را در کارهای حکومتی به صورت ظاهری دخیل جلوه دهد.

وحشت عباسیان از اهل بیت و علاقه مردم به آنان است.

این نگرانی در دوران مأمون دشوارتر و مشکل آفرین تر بود. چه، شورشها و فتنه های فراوانی سرتاسر ولایتها و شهرهای بزرگ اسلامی را در بر گرفته بود تا جایی که مأمون نمی دانست چگونه آغاز کند و چه سان به حل مسئله پردازد. او می دید و از این رنج می برد که سر نوشتش و سر نوشت خلافتش در معرض تند بادهایی قرار گرفته که از هر سو بر آن می تازد.

مامون خلیفه عباسی، برای بقای حکومت نا مشروع خود روشی مغایر با روش پدران خود اختیار کرد. او برای اینکه بتواند امام رضا (ع) را تحت کنترل خود داشته باشد و همچنین ایشان را در کارهای حکومتی به صورت ظاهری دخیل جلوه دهد، ایشان را از مدینه شهر جدشان به طوس پایگاه حکومت عباسیان فراخواند و ایشان را به ولیعهدی خود منسوب کرد. امام رضا (ع) که وضع دشوار

اجتماعی نشان می داد که جنبش امام علیه السلام در حدی نیست که حکومت را در دست گیرد، زیرا با پایگاههای گسترده ای که حضرت داشت، گرچه از او حمایت و پشتیبانی می کردند، اما نظیر این پایگاهها به این درد نمی خورد که پایه حکومت امام علیه السلام گردد. چه، پیوند آن با امام پیوند فکری پیچیده و عمومی بود و از قهرمانی عاطفی نشانی داشت. این همان احساسهای آتشین بود که روزگاری پایه و اساسی بود که بنی عباس بر آن تکیه کردند و برای رسیدن به حکومت بر امواج آن عواطف سوار شدند. اما طبیعت آن پایگاهها و مانند های آن به درد آن نمی خورد که راه را برای حکومت او و در دست گرفتن قدرت سیاسی هموار سازد.

امام رضا علیه السلام در این مرحله خود را آماده آن می کرد تا مهار حکومت را به دست گیرد، اما با شکلی که خود مطرح کرده بود و می خواست نه در شکلی که مأمون اراده می کرد و در آن شکل ولایتعهدی را به او عرضه داشت و او آنرا رد کرد و نخواست.

تنشهای موجود در آن زمان هنوز باقیمانده هایی از طوفانی بود که از چند دهه قبل علیه حکومت اموی و از سوی دو خاندان مهم علوی و عباسی بر پا شده بود. در میان چنین طوفانی بود که قدرت طلبان خاندان عباسی بر اسبهای لجام گسیخته خود می نشستند و هر گونه که می خواستند به سوی هدف خود - و با این دیدگاه که هدف وسیله را توجیه می کند - می راندند و گاه هم در این هیاهو و در غیاب دیده های مردم خنجری هم از پشت به خاندان علوی می زدند و پس از آن میوه ای را که در دست مجروح این خاندان بود، به زور و به چنگال نیزه نیرنگ در می ربودند.

خاندان عباسی از سویی از نام «آل محمد» سوء استفاده می کرد، چندان که گاه به خاطر نزدیکی طرز کار یا تبلیغاتشان با آل علی، در مناطق دور از حجاز این گونه وانمود می کردند که همان خط آل علی هستند. حتی لباس سیاه بر تن کردند و می گفتند: این پوشش سیاه لباس ماتم شهیدان کربلا و زید و یحیی است، و عده ای حتی از سرانشان، خیال می کردند که دارند برای آل علی کار می کنند.

از سویی دیگر نیز همین خلفای خاندان عباسی از همان روزهای نخست سلطه خود کاملاً میزان نفوذ علویان رامی دانستند و از آن بیم داشتند. سختگیریهایی که از همان دوران آغاز بین حکومت عباسی علیه ابا الحسن به عمل آمد، گواهی بر این ترس و



مراقبات ماه ذی القعدة الحرام

این ماه اولین ماه از ماههای حرام است که جنگ با کفار در آن ماهها حرام می باشد و انسان از این مطلب حکم جنگیدن و مخالفت با خدا را می فهمد. بنابراین، ای نفس! بکوش در این ماهها دل و بدنت را بیشتر از سایر ماهها حفظ نموده، کاری بر خلاف احکام الهی انجام نداده و حتی از بلایا و مصیبتهایی که ناشی از قضای اوست راضی باشی.

توبه ای منقول از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و فضیلت توبه و استغفار

برای به دست آوردن طاعت خدا در این ماه قبل از هر چیز از تمام مسائلی که قبلا گرفتار آن بودی توبه کن؛ توبه ای صادقانه. از رسول خدا صلوات الله علیه روایت شده است که در روز یکشنبه ماه ذی القعدة فرمود: مردم! کدام یک از شما می خواهید توبه کنید؟ راوی می گوید: گفتیم: رسول خدا! همه ما می خواهیم توبه کنیم. حضرت فرمودند: غسل کرده، وضو گرفته و چهار رکعت نماز به جا آورید. در هر رکعت یک بار (فاتحه الكتاب)، سه بار (قل هو الله احد) و یک بار معوذتین (قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق) بخوانید. آنگاه هفتاد بار استغفار نموده و در پایان (لا حول و لا قوة الا بالله) بگوئید. سپس بگوئید: «یا عزیز! یا غفار! اغفر لی ذنوبی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فانه لا یغفر الذنوب الا انت» ای عزیز! ای بخشاینده! گناهان من و گناهان تمام مردان و زنان مؤمن را ببخش که جز تو کسی گناهان را نمی بخشد.

آنگاه فرمود: بنده ای از امت من چنین عملی را انجام نمی دهد مگر این که از آسمان به او ندا می رسد: بنده خدا! عمل را از نو شروع کن که توبه تو قبول، و گناهانت بخشیده شد. فرشته دیگری از زیر عرش ندا می کند: ای بنده! مبارک باد بر تو و بر خانواده و خاندانت. منادی دیگری صدا می زند: در روز قیامت، دشمنانت را از تورا ضی می نمایند. فرشته دیگری ندا می کند: ای بنده! با ایمان از دنیا می روی؛ دینت از تو گرفته نشده و قبر تو نورانی و وسیع خواهد شد. منادی دیگر صدا می زند: پدر و مادرت از تورا ضی می شوند، گرچه خشمگین باشند؛ پدر و مادر و خاندانت بخشیده شده و در دنیا و آخرت خوش رزق خواهی بود. جبرئیل ندا می کند: من با فرشته مرگ پیش تو آمده

و به او دستور می دهم که با تو خوش رفتار بوده، به خاطر مرگ آسیبی به تو نرسانیده و به نرمی روح را از بدنت خارج نماید. گفتیم: رسول خدا! اگر کسی در زمان دیگری چنین بگوید چطور؟ فرمودند: چیزهایی را که گفتم برای او نیز خواهد بود. جبرئیل این مطالب را در شب معراج به من گفت.

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند از توبه بنده خود بیش از شخصی که در شب دراز و بسیار تاریک مرگ سوار می شود و آذوقه خود را گم کرده و سپس پیدا کند، خوشحال می شود. و نیز از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که به شخصی که در حضور حضرت گفت: استغفر الله، فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند. می دانی استغفار چیست؟ استغفار درجه بلند مرتبگان بوده و شش شرط دارد: اول - پشیمانی از گذشته. دوم - تصمیم بگیری که هیچگاه آن را انجام ندهی. سوم - این که حقوق تمام مخلوقات را ادا کرده تا جایی که خداوند را سبکبار دیدار نمایی. چهارم - تمام واجباتی را که ضایع کرده ای جبران نمایی. پنجم - گوشتی را که از مال حرام روییده با اندوه ذوب کرده تا پوست به استخوان بچسبد و گوشت جدیدی به وجود آید. ششم - رنج فرمان برداری را به جسم بچشانی، همان گونه که شیرینی گناه را به آن چشانیده ای. و در این هنگام بگو: استغفر الله.

روزه ماههای حرام

در باره خصوصیات ماههای حرام از شیخ مفید علیه الرحمه روایت شده است که رسول خدا صلوات الله علیه فرمودند: کسی که سه روز از ماه حرام، پنجشنبه، جمعه و شنبه را روزه بگیرد، خداوند عبادت یک سال را برای او می نویسد. و در روایت دیگری آمده است که: عبادت نهصد سال که روزهای آن را با روزه و شبهایش را در عبادت گذرانده است، برای او نوشته می شود. این روایت با روایتی که درباره روزه سه روز در هر ماه (دو پنجشنبه و یک چهارشنبه) وارد شده، منافاتی ندارد. و اگر دو پنجشنبه و یک چهارشنبه و جمعه را روزه بگیرد، بعید نیست که برای عمل به هر دو روایت کافی باشد.

شب مبارک نیمه ذیقعدة

از کارهای مهم این ماه اعمال شب

نیمه (پانزدهم) آن است: سرور ما قدس سره در اقبال از احمد بن جعفر بن شاذان روایت کرده است که گفت: از پیامبر صلوات الله علیه روایت شده است که: شب پانزدهم ذی القعدة شب مبارکی است. خداوند در آن بارحمت به بندگان مؤمنش می نگرد. پاداش کسی که در آن با عمل از خداوند فرمانبرداری کند، مانند پاداش صد روزه دار ملازم مسجد که به اندازه یک چشم به هم زدن نیز نافرمانی خدا را ننموده اند، می باشد. بنابراین انسان باید در نیمه شب مشغول به طاعت خداوند شده و به دعا و نماز بپردازد. زیرا روایت شده است: کسی در این شب چیزی از خدا نمی خواهد مگر اینکه به او عنایت می فرماید.

ویژگی طاعت و عبادت این شب

طاعت و عبادت، در این شب از این جهت که مشهور نبوده و مردم کمتر، در آن به طاعت خدا مشغول می گردند، آن را از سایر شبهای مشهور ممتاز می گرداند. که این مطلب نزد اهل مراقبت مهم است. زیرا توجه، در زمان غفلت عموم، از مراقبات مهم و باعث سرعت اجابت است. و نیز اعمال آن نزد خداوند بزرگتر و به قبول نزدیکتر است و اجر بیشتری دارد.

اعمال روز بیست و پنجم، روز دحو الارض

کار مهم در این ماه آگاهی از نعمتهایی است که خداوند در روز دحو الارض (گسترش زمین) به بشر ارزانی داشته است. زیرا آگاهی از نعمت و کم و کیف آن اولین مرتبه شکر است. در روایات زیادی آمده است که در بیست و پنجم ذی القعدة کعبه نصب گردیده، زمین گسترده شده، آدم پایین آمده، خلیل و عیسی علیهما السلام متولد شدند و رحمت پخش شده است. از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمودند: اولین رحمتی که از آسمان به زمین نازل شد، در بیست و پنجم ذی القعدة بود. کسی که این روز را روزه داشته و شبش را به عبادت بایستد، عبادت صد سال را که روزش را روزه و شبش را در عبادت باشد، خواهد داشت. هر گروهی که در این روز برای ذکر پروردگار بزرگشان گرد هم آیند، پراکنده نمی گردند مگر این که خواسته آنان داده می شود. ■

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ادبیات ہندی





مسلم (ع) و امام زمان (عج)

سلام ای آن که خاطر مرا مست می‌سازد، همان مستی که جام الستی را که بگرفتی به دستی و فکندی قطره‌ای از آن به سر تا پای هستی، تا شود ثابت، تویی سرچشمه‌ی مستی و هم هستی، دوباره خلوتی برپا شده صدای جانم کوک سازد ساز شعرم را و ای

معنی دردی، اسیر دست نامردی، پر از دردی که از بهر فراغ یار نه که از بهر دیدارش صدای غربتش بر گوش می‌آید هنوز از تربت پاکش که می‌گوید به زبیر لب تو ای باد صبا! برسان پیامم را به مولایم بگو آن نامه‌ها و پیک‌ها بیش از سرابی نیست، بگو که مسلمات سرگشته‌ی پس کوچه‌های شهر نامردی است و تنها همدم دیوارها و قفل‌های درب‌هایند، در این شهری که لبریز است از نیرنگ ز هر برزن صدایی می‌رسد بر گوش و می‌سازد فروغ هستی‌اش را بیشتر خاموش، صدای کوفتن بر آهن داغی است در بازار و هر کس در پی چیزی، پی زنجیر یا شمشیر یا نیزه گروهی نعل تازه بهر اسب کینه می‌سازند و در رؤیایشان بر پیکر صد پاره‌ی ارباب می‌تازند و هر کس نقشه‌ای

مظلومیت انکار تکرار است

موسای اشعار من، مثل همیشه تکنوازی و من غرق نیازی مثل هر روزم، تو ای لب امشب را از میان بر خیز، نمی‌خواهم که پای هیچ کس اندر میان باشد، و ای دلبر که دیدارت تمام آرزوی چشم ناقابل و جان دادن به راحت همت این جان لب حاصل، کرامت کن از این گرداب دستم را بگیر و یاری ام بنمای تا ساحل و با هم سفر گردیم سوی قبله‌ی دل و بی‌پرده و بی‌حائل دوباره یک سفر با هم، همان جایی که پای هر دومان گیر است، دلم یک کر بلایی با تو می‌خواهد، زیارت نامه و یک روضه‌ی آب از زبان تو، و فرق بین ما این است که تو هر روز آن جایی و من از حسرت دیدار لبریزم، و تو فرزند آن شاهی و من عبد سیه‌رویی که بهر دیدن ارباب هر شب اشک می‌ریزم تویی که کر بلا هم‌اد نام توست و این تفسیر افکار من است، انکار در این امروز چون دیروزها دنیا شبیه کوفه می‌ماند و مظلومیت انکار تکراری است بر تاریخ، دلم می‌خواهد هر روزی مهیای سفر گشتی قرار ما کنار مسلمیه همان مسلم شهید شهر بی‌دردی و مسلم

می‌پروراند در خیال خویش بهر غنیمت گوشواره، گاهواره، پیرهن پاره، به روی عزت و آزادگی یا می‌گذارد و جایی حمله با جام زهری در کف و تیر سه‌شعبه در کف دیگر به فکر حنجر اصغر و یا شش ماهه‌ای بی‌سر، در این شهر پر از نیرنگ، یتیمان نمک‌نشناس، گویی یادشان رفته که حیدر کیست، و حیدر شیر خبیر، همان بحر سراسر، اینک تویی فرزند آن یکتا پسر که هل من ناصرت پاسخ ندارد در دل این شهر اگر چاهی برای درک غربت نیست در کوفه و من تنها در این کوچه پر از بیچارگی با خویشتن، درگیر امشب، و از شرمت یقین می‌میرم امشب و می‌ترسم من از فردانه، از دارالعماره یا که از ابن زیاد و دار قتل خویش که ترس و وحشتم از نقشه‌های شوم این نامردمان عاری از احساس برای قامت رعنا ی ماه لشکرت عباس و می‌ترسم ز فردایی که ناموس امامم در میان عده‌ای چشمان بی‌غیرت تک و تنه‌است درون خیمه‌های شعله‌ور از آتش سوزان که سر بستش ز درب خانه‌ی زهر است. ■

به آیین ترین مرثیه

بخش دوم

سید حسن سادات ناصری

خلاصه ای از آن چه گذشت: در بخش اول این یادداشت، نویسنده نشان داد که مرثیه، تاریخی طولانی، چه در زبان فارسی و چه در فرهنگ تازی دارد. در ادب فارسی دری، قدیمی ترین آثار از استاد شاعران ابوعبداللّه رودکی است که در رثای ابوالحسن مرادی و استاد شهید بلخی و دیگران سروده است. سید حسن سادات ناصری این تاریخ را پی گرفت تا به ملا حسین واعظ کاشفی و آثار او رسید. ادامه این جریان در عصر صفوی مورد بررسی قرار گرفت و مجموعه تغییر و تحولاتی که در مرثیه در این دوره صورت گرفت، در قسمت اول تشریح شد، تا مقدمه ای باشد برای تبیین و توضیح آثار محتشم، که در بخش دوم این یادداشت در ذیل می آید.

درباره آثار محتشم

از کلیات آثار محتشم، نسخه های خطی نسبتاً فراوانی وجود دارد و همین، یکی از دلایل عمده شهرت و اعتبار اوست؛ ولی با آن که تاکنون بیش از سه، چهار بار در هندوستان و ایران، به انتخاب و یا به تمامی، کتابفروشان و اهل ذوق و ادب به طبع آن مبادرت جسته اند، هنوز طبعی انتقادی نیافته است. طبع مختصری که قدیمآدر هندوستان از آن به عمل آمده و دو طبع دیگری که به سال های ۱۳۳۳ ش و ۱۳۴۴ در تهران صورت پذیرفته است، هیچگاه شایسته ی طبع بلند این شاعر به آفرین معنی آفرین نیست. در این جا نکته ی گفتنی تر آن است که کلیات محتشم پس از مرگش چنان که وصیت کرده بود به دست میر تقی الدین محمد حسینی کاشانی صاحب خلاصه الاشعار و شاگرد خلف این استاد تنظیم و تبویب شده است و او مجموعه آثار استاد خویش را در پنج دفتر شعر و دو

دفتر نظم به نثر آمیخته بدین گونه فراهم داشته است:

۱. صبائیه، شعرهای دوران نوری گوینده
۲. شباییه: آثار عهد جوانی او
۳. شبیبه: اشعار هنگام پیری او
۴. ضروریات: در بر دارنده ی ماده تاریخ ها
۵. معمیات
۶. جلالیه
۷. نقل عشاق

محتشم این دو مجموعه اخیر را به هنگام شیفتگی و دلداگی نسبت به دو تن از دوستان خود نوشته است و در آن ها طریق عشق صوری پیش گرفته و مجاز را قطره ی حقیقت ساخته است؛ با نثری شاعرانه و غزل هایی متکلف و پرتفنن که گاه در آنها مجال اظهار شور و شوق و حال هم یافته است. ولی از آن همه، هیچکدام بر قدر والای شاعری او نیفزوده و اکثر معاصرانش چون وحشی بافقی و عرفی شیرازی و نظیری نیشابوری در امثال این موارد بر او پیشی و پیشی دارند. اما جز این که گفته شد در دیگر غزلیاتش نمونه های خوب و دلپسند هم کم نیست؛ از آن جمله:

ز بس که مهر تو با این و آن یقین دارم
 به دوستی تو با کائنات کین دارم
 زمانه دامن آخر زمان گرفت و هنوز
 من از تو دست تظلم در آستین دارم
 تو اجتناب ز غیر از نگاه من داری
 من اضطراب به بزم از برای این دارم
 تو واقف خود و من واقف نگاه رقیب
 تو پاس خرمن و من پاس خوشه چین دارم
 چنان به عشق تو مستغرقم که همچو تویی
 ستاده پیش من و چشم بر زمین دارم
 به دوره گردی من از غرور می خندد
 حریف سخت کمانی که در کمین دارم
 هزار تیر نگاهم زد و گذشت اما
 هنوز چاشنی تیر اولین دارم

به پیش صورت او ضبط آه خود کردن
 گمان به حوصله ی صورت آفرین دارم
 بس است این صله ی نظم محتشم که رسید
 به خاطر تو که من بنده ای چنین دارم
 محتشم در قصیده سرایی اقتضا به استادان
 پیشین بالأخص انوری کرده است و به علت
 همین پیروی ها درباره ی او نوشته اند که
 صنایع و بدایع شعری که در اشعار او مندرج
 است، در کلام هیچ یک از اقران وی یافته
 نمی شود. به اتفاق کلامش پرطمطراق
 واقع شده است. اگر چه پاره های غزل هایش
 به واسطه ی بعضی چیزها عذوبت ندارد،
 اما قصایدش در کمال متانت و جودت است
 و صاحب عیاران دارالملک سخنوری او را
 خاقانی ثانی گفته اند. ۱.
 از قصاید بلند اوست:

دهنده ای که به گل نزهت و به گل جان داد
 به هر کس آن چه سزا بود حکمتش آن داد
 به عرش رتبه ی عالی به فرش پایه ی پست
 ز روی مصلحت و رأی مصلحت زان داد
 دو کشتی متساوی الاساس را در بحر
 یکی رساند به ساحل یکی به طوفان داد
 دو سالک متشابه سلوک را در عشق
 یکی ز وصل بشارت یکی ز هجران داد
 به شکرین دهنان داد از سخن نمکی
 که چاشنی به نباتات شکرستان داد
 به قد سروقدان کرد جنبشی تعلیم
 که خجالت قدر عنای سرو بستان داد
 بر ابروان مقوس، زهی ز قدرت بست
 که سهم چرخ مقوس ز تیر پران داد
 ز باغ حسن سیه نرگسی چو چشم انگیخت
 به آن بلای سیه خجری چو مؤگان داد
 به چشم های سیه شیوه ای ز ناز آموخت
 که هر که خواست به آن شیوه دل دهد جان داد
 به ناز داد سکونی که وصف نتوان کرد
 به عشوه طی لسانی که شرح نتوان داد
 به هر که لایق اسباب کامرانی بود
 سرور و مسند و خرگاه چتر و چوگان داد
 به هر که در طلب گنج لایزالی بود
 گلیم مختصر فقر و گنج ویران داد
 به هر یکی ز سلاطین به صورتی دیگر
 بسیط عرصه های اندر بساط دوران داد
 چو پادشاهی اقلیم صورت و معنی
 زیاده دید از ایشان به میر میران داد...

این قصیده‌ی بلند در هفتاد و یک بیت سروده شده است و حاج لطفعلی بیگ آذر بیگدلی شاعر، تذکره‌نویس و میر سید، قصیده‌ی شیوای ۱۴۹ بیتی خود را در مدح ابوالفتح خان زند فرزند کریمخان در اقتضای او سروده است.

یگانه‌ای که ز حکمت نظام دوران داد
به سنگ رنگ و به گل بو به جانور جان داد
و چنین از وی یاد کرده:

در این قصیده که رشک لال عمان است
نخست محتشم از نظم زیب دکان داد
به این بضاعت مزجات خامه‌ی من نیز
نثار بارگهت کرد و نظم ایوان داد
فقیرم و متزلزل ز محتشم چه کنم
توانم ار چه جواب ظهیر و سلمان داد
ولی خوش است دل من به این که دادستم
نثار خود به تو من، او به میر میران داد...

اما پایه و مایه‌ی محتشم در شاعری هر چه باشد گو باش، اصل و بنیاد شهرت بی همتای او در شاعری برای تنها ترکیب‌بند بی نظیری است که در واقعه‌ی کر بلا گفته است. به هر اندازه که این واقعه جانسوز و عظیم است و هرگز به مرور ایام و گذشت روزگار کهنگی نمی‌پذیرد، این سروده نیز در پهنه‌ی گیتی روز هر روز تازه‌تر و جاویدان‌تر خواهد ماند. اما از بابت شأن نزول یا علت سروده آمدن آن اسکندر بیگ منشی در تاریخ عالم‌آرای عباسی در ذکر احوال شاعران دوره شاه طهماسب صفوی چنین نوشته است: و از طبقه‌ی علی‌هی شعرا که نظام مناظم سخن‌پیرایی و پیرایه‌بندان سلسله معنی‌آرایی اند، در آن هنگام در اردوی معلی و ممالک محروسه شاعران سخنور و سخنوران بلاغت‌گستر بی‌شمار بودند. در اوایل حال حضرت خاقانی جنت‌مکانی را توجه تمام به حال این طبقه بود. چندگاه میرزا شرف جهان و مولانا حیرتی از هم صحبتان بزم اقدس و معاشران مجلس تقدس بودند. و در اواخر ایام حیات که در امر به معروف و نهی از منکر مبالغه‌ای عظیم می‌فرمودند، و چون این طبقه را وسیع‌المشرب شمرده از صلحا و زمره‌ی اتقیا نمی‌دانستند، زیاده توجهی به حال ایشان نمی‌فرمودند و راه گذراندن قطعه و قصیده‌ی نمی‌دادند. مولانا محتشم کاشانی قصیده‌ای غرّاد در مدح آن حضرت و قصیده‌ای دیگر در مدح مخدره زمان شهزاده پریخان خانم به نظم آورده از کاشان فرستاده بود. به وسیله شهزاده مذکور معروض گشت. شاه جنت‌مکان فرمودند که: من راضی نیستم که شعرا زبان به مدح و ثنای من آلایند. قصاید در

شأن حضرت شاه ولایت پناه و ائمه مصومین بگویند. صله اول از ارواح مقدسه حضرات و بعد از آن از ما توقع نمایند. زیرا آن چه به فکر دقیق و معانی بلند و استعاره‌های دور، در رشته‌ی بلاغت در آورده به ملوک نسبت می‌دهند به مضمون از احسن اوست اکذب او اکثر در موقع خود نیست اما اگر به حضرات مقدسات نسبت نمایند، شأن معالی نشان ایشان بالاتر از آن است و محتمل الوقوع است. غرض که جناب مولانا صله‌ی شعر از جانب اشرف نیافت. چون این خبر به مولانا رسید، هفت بند مولانا حسن کاشی که در شأن حضرت شاه ولایت سلطان سریر هدایت، در رشته‌ی نظم کشیده و همانا از الهام الهی و دست سخنوران از دامان آن کوتاه، جواب گفته به خدمت فرستاده صله‌ای لایق یافت. شعرای پایتخت همایون شروع در هفت بند گویی کرده قریب پنجاه شصت هفت بند غرّاب‌به تدریج به معرض عرض در آورده شد و همگی به جایزه و صله سرافراز شدند. محتشم سه قصیده در مدح شاه طهماسب سروده است به مطلع‌های زیر:

- ز اهم بر عذار نازکش زلف آن چنان لرزد
که عکس سنبل اندر آب از بادوزان لرزد
- صد شکر کز شفای شهنشاہ کامران
نوشد لباس امن و امان در بر جهان
- تا بدن دستگاه جان باشد
دست دست خدا یگان باشد

و این که بعضی احتمال داده‌اند که در هنگام سرودن این ترکیب‌بند محتشم از مرگ برادرش عبدالغنی که نماینده‌ی کارهای تجارته‌ی و ادبی او در هندوستان بوده است، تأثری شدید داشته است، به هیچ وجه درست نیست. زیرا این برادر که در هندوستان متأهل شده بود بنا به ماده‌ی تاریخی که در دیوان محتشم آمده به سال ۹۵۰ ق به روزگار جوانی در چهل سالگی در گذشت.

گل گلشن لطف عبدالغنی

که بادش بهشت معلی نصیب

به غربت فتاد و شراب اجل

شد از جام دورش همانا نصیب

ولی چون پس از اربعینی شدش

چنین منزلی راحت‌افزا نصیب

خرد فکر تاریخ وی کرد و گفت

«چه جای مبارک شد او را نصیب»

و پریخان خانم دختر شاه طهماسب که در اواخر زندگانی این شهریار از همدمان و دستیاران و مشاوران پدر بوده است و نامزد همسری بدیع‌الزمان میرزا فرزند بهرام میرزای صفوی تا هنگام مرگ پدر و قتل خود

هنوز روزگار جوانی را می‌گذرانیده است. بنابراین فاصله‌ی زمانی مرگ عبدالغنی برادر محتشم و تقدیم ترکیب‌بند دوازده‌بندی وی به شاه طهماسب صفوی شاید دست کم از بیست سال هم متجاوز باشد. با این همه چون این یازده‌بند که در ماتم برادر سروده است، در نوع خود کم‌نظیر می‌نماید، نمونه‌ی را به یاد کرد بند نخستین آن کفایت کردیم:

سیتزه گر فلک‌از جفا و جور تو داد

نفاق پیشه سپهر از کینه‌ات فریاد

مراز ساغر بیداد شربت‌ی دادی

که تا قیامت‌م از مرگ یاد خواهد داد

مرا به گوش رسانیدی از جفا حرفی

که رفت تا ابدم حرف عافیت از یاد

در آب و آتشم از تاب، کو سموم اجل

که ذره ذره دهدت خاک هستی‌ام بر باد

نه مشفق‌ی که شود بر هلاک من باعث

نه مونس‌ی که کند در فهای من امداد

نه قاصدی که ز مرغ شکسته بال وی‌ام

برد سلام به آن نخل بوستان مراد

سرم فدای تو ای باد صبحدم بر خیز

برو به عالم ارواح از این خراب‌آباد

نشان گمشده‌ی من بجوز خرد و بزرگ

سراغ یوسف من کن ز بنده و آزاد

به جلوه‌گاه جوانان پارسا چورسی

ز رخس عزم فرود آ و نوحه کن بنیاد

چو دیده بر رخ عبدالغنی من فکنی

ز روی درد بر آ از زبان من فریاد

بگو برادرت از نور دیده داده پیام

که ای ممات تو بر من حیات کرده حرام

چرا ز باغ من ای سرو بوستان رفتی

مرا ز پای فکندی و خود روان رفتی

دُر یگانه‌ی من از چه ساختی دریا

کنار من ز سرشک و خود از میان رفتی

ز دیده‌ی پدر ای یوسف دیار بقا

چرا به مصر فنا بی برادران رفتی؟

به شمع روی تو چشم قبیله روشن بود

به چشم ز خم غریبی ز دودمان رفتی

گمان نبود که مرگ تو بینم اندر خواب

مرا به خواب گران کرده بی گمان رفتی

تورا چه جای نمودند در نشیمن قدس

که بی توقف از این تیره خاکدان رفتی

در این قضیه تورا نیست حسرتی که مراست

اگر چه بادل پر حسرت از جهان رفتی

مراست غم که شدم ساکن حجیم فراق

تورا چه غم که سوی روضه‌ی جنان رفتی

ز رفتن تو من از عمر بی نصیب شدم

سفر تو کردی و من در جهان غریب شدم ■

ادامه دارد...

این‌هایی که به هر دلیلی در این ده، بیست سال از این‌گونه واژگان نظیر حسین، علی و... انقطاع پیدا کرده بودند، احتمالاً الان دم از ناسیونالیسم می‌زنند. یک وقتی من یک شاعر معاصر آوانگار بودم و با این هارفت و آمد داشتم و این‌ها را می‌دیدم. گفتم این‌ها را یک جور بازبان منزه‌م کنم. سعی کردم زبانم یک زبان فارسی باشد. من اصلاً صلاحیت در زبان فارسی ندارم ولی سعی کردم به فارسی باشد. لحاظ دوم هم این بود که سعی کردم جنبه پژوهش هم قوی باشد. هر چند من حسی و شاعر هستم ولی خواستم نگاه تحقیقی داشته باشم و در نهایت کار را به شکل کولاًمانندی که خدمت شما هست انجام دادم. به من هم گفته شده است که زبانش متکلف است. اما من می‌خواستم این‌طور باشد و می‌خواستم همان دوستان این کار را ببینند.

■ بعضی از اساتید ریشه‌عاشورا را در سقیفه و بعضی در فتوحات پس از اسلام می‌دانند. شما اشاره کرده‌اید به «پایه‌های شاه‌گونگی بنی امیه». آیا منظورتان این است که شما هم ریشه‌های عاشورا را در چنین چیزی می‌بینید؟

– یقیناً این‌طور می‌بینم اما زبان توان آن را ندارد. و من صلاح ندانستم که این بخش باز شود. به گمان من عده‌ای اصلاً مسلمان نشدند و در مقابل اسلام ایستادند و نتوانستند مسلمان شوند و نخواستند مسلمان شوند. آن مرز عظیم اسلام این‌ها را فراگرفت و ناچار شدند به لباس دوست درآیند. یعنی گرگ‌هایی بودند که لباس میش پوشیدند. نگاه من چنین‌نگاهی است که ریشه‌ی این موضوع از زمان حضرت رسول است. مخالفت این‌ها با خدا و حضرت رسول است و تجسم این مخالفت با علی است و کسی که الان دست‌آویز شده و انتخاب شده آقا ابا عبد الله است. این‌ها می‌خواهند کار را تمام کنند. همان حرفی که امام سجاد زد؛ عربی نزد امام رفت. از امام پرسید، یزید پیروز شد یا حسین. گفت موقع اذان به صدای اذان گوش کن می‌فهمی چه کسی پیروز شد. معنای این سخن این است که آقایان می‌خواستند اصلاً قضیه را جمع کنند منتهی به عکس شد. می‌بینید اسلام اصلاً بدون حسین بن علی جایی گسترش پیدا نمی‌کرد.

■ در باره تحقیقاتی که درباره‌ی اهداف امام صورت می‌گیرد، دو تقسیم‌بندی داریم. یکی تفکر مرحوم «شربعتی» و در مقابلش تفکر «صالحی نجف‌آبادی» است. شما اشاره

گفت و گویا مهدوی مؤید درباره کتاب «حسین علی»

پیشانی‌شیرین

امیر عیسی ملکی

کرده‌اید و معیار شما برای گزینش آن منابع چه بوده است؟

– یک آقایی که در قم است و از بزرگان ادب معاصر است یعنی آقای «رضائی‌نیا» که شاعر است و اهل گیلان و کتاب‌های زیادی در زمینه شعر معاصر دارد به من نیز محبت دارد و در آن موقع از مسئولین صدا و سیما در رشت بود. ایشان بانی خیر شد و در زمان تصدی مرکز «سید سهری» اصرار کردند که من کاری برای آقا ابا عبد الله بکنم تا برای رادیو ضبط شود. آن‌ها اصرار می‌کردند و من قبول نمی‌کردم. اصرار آن‌ها چند ماه طول کشید و بعد قطع شد. تا این که دوباره صدا و سیما گیلان به من زنگ زد بیاید برای ضبط، ما کار را آماده کرده‌ایم. گفتم چشم و فردا می‌آیم. در واقع بچه‌ای با موسیقی و روضه‌ی ابا عبد الله، با نماز شب، دعا، مفاتیح و لایلی کودکانه همراه گریه‌های شبانه‌ی پدر و مادرش پرورش پیدا می‌کند و چنین کاری را انجام می‌دهد. من بلند شدم و حالم منقلب شد. شروع کردم در سالن روضه‌خانه‌مان قدم‌زدن و نوشتم که «یا الله این زمینی‌های زمین نبود که برادر والاقد و والاگهر حسین...». این اولین جمله فصل اول است. سپس کتاب‌هایی از قبیل همین کتاب‌های معمولی را خواندم و چیزهایی نوشتم و ضبط شد و در روزهای دهه محرم روزی دو ربع ساعت پخش می‌شد. بعد از محرم به من گفتند این مطالب را چاپ کن. همین فشار را برای این کار آوردند. دیدم که منبع می‌خواهم. شروع کردم به جمع‌آوری منبع. یک سال رفرنس جمع کردم. از کتب سنی‌ها و... وقتی نشستیم برای نوشتن دو هدف را به کارم اضافه کردم. یک نگاه این که

اشاره:

شور و شیدای عاشورایی سال‌هاست که بهانه‌ای برای دلگردی‌های شاعران شیعی است. این پیشانی‌شیرین که نظم و نثرهای زیبا و درد مندانه‌ای را به همراه داشته است، زینت بخش ادبیات و تسلا بخش دل‌هایی است که در سوز و گداز عاشورا می‌سوزند. «مهدوی موید» که به گفته‌ی خودش در مجالس روضه‌ی ابا عبد الله (ع) و با دعا، مفاتیح و لایلی آمیخته با گریه‌های شبانه‌ی پدر و مادر پرورش یافته از شاعران چیره‌قلبی است که آثار ارزشمندش علاوه بر حسن، به زیور تولای اهل بیت (ع) آراسته است و مقبول طبع صاحب نظرانی است که گفت و گوی ذیل به پیشنهاد و امر آن‌ها انجام شده است.

■ کتاب حسین علی یک روایت ادبی مبتنی بر نگاه مؤمنانه بر واقعه عاشورا است یا با یک اصول علمی و مبتنی بر روشی خاص تدوین شده و نهایتاً در یک قالب ادبی ریخته شده است؟

– من یک بچه مسلمان و شیعه هستم که در یک خانواده شیعه با نغمه‌های حسینی پرورش یافته‌ام. اهل تحقیق و علم و دانش نیستم، خیلی ساده در یک شرایطی قرار گرفتم و شخصی از من چیزی خواست و این‌گونه شد. شخصی که اصلاً نمی‌داند شنا چیست و از دریا به شدت می‌ترسید در دریا افکنده شد و این‌گونه شد و رسید به چنین کرانی.

■ برای تألیف این کتاب از چه منابعی استفاده



علی صدامی کرده است. بین علی اصغر و علی اکبر یک علی اوسط هم ممکن است باشد که امام زین العابدین است. اینها موجبات این تشکیکها می شود. به هر حال معتقدم یک بچه یقیناً آن روز بوده و آن بچه یقیناً در آغوش پدرش به شهادت رسیده است. بعضی می گویند دو تا بوده است: عبدالله و علی. من اهمیت نمی دهم و متوقف می شوم. یک عده ای با این گونه تشکیکها اصل قضیه را می خواهند زیر سؤال ببرند. مقوله معصومین ما حیاتشان جزو ذکر است اینها قرآن ناطق هستند. اینها به کسی مربوط نیست. خداوند گفته خودم حفظ می کنم. من نگران نیستم و اهمیتی به این تشکیکها نمی دهم و متوقف هم نمی شوم که عبدالله بوده یا علی. ولی کودکی بوده است. در مورد حضرت رقیه این همه آثار و این همه داستان روی هیچ باشد، ممکن نیست.

■ عده ای معتقدند که ایرانی ها به ضرب و زور افسانه هایی نظیر آن چه درباره ی همسر امام حسین (ع)، حضرت شهربانو، گفته می شود سعی دارند ایرانیان را مورد توجه اهل بیت (ع) معرفی کنند حال آن که بیشترین عتاب حضرت علی (ع) به کوفیان، متوجه بخش فارسی زبان عراق است؛ تا چه اندازه این نقد را وارد می دانید؟

- چنین چیزی نیست و مضحک است. من نمی خواهم بگویم شیعیان ایرانی نگاه افراطی نداشته اند، الان هم این نگاه افراطی را می بینیم. خیلی از کارهای ما مثلاً در همین سوگواری ها را ممکن است ائمه نپسندند اما این نپسندیدن به قیمت تعطیل کردن این کار نیست. منابعشان می گوید که بالاخره دختر یزدگرد رسید به مدینه. دو تاشان رسید و بعد هم دو تای دیگر رسیدند. مادر ولید هم از خاندان سلطنتی ایران بود. قلم دست آن ها بوده است. دست ما نبوده است. سید بن طاووس بعد از ۲۰۰ سال نوشته است. مجموعه روایاتی داریم که اشاره به کربلا دارد. بیشتر ماجرا دست آن ها بوده است. ضحاک مشرقی هم که در روز عاشورا برمی گردد داستان را نقل می کند. آن ها حرف هایی از دختران یزدگرد دارند. روایت های آن ها یک دست نیست و بسیاری از روایات آن ها متفاوت است. تفاوت، دلیل بر انکار موضوع نیست. علی (ع) را ببینید. بنده اگر آفریقایی هم بودم از علی (ع) خوشم می آمد. همان قلم ها می توانند آن خانواده و رفتارشان را ببینند. آن قدر عرب ها بلا بر سر



مانعی هم نمی بینم که کسی مثل امام در یک لحظه مأمور تشکیل حکومت باشد و در عین حال در روز عاشورا هم به خاطر انجام رسالت الهی صورتش گل انداخته و عین خیالش نباشد و هم به شدت به عنوان یک آدم زمینی نگران خانواده باشد.

کرده اید که «یگانه هدف شهید دین بازداشتن بدعت گیری های امویان و ایستادگی در برابر زندگی باری دوباره جاهلیت بود تا با این بازداشت و بازدارندگی زنگار پلشتی ها را از چهره ی نورانی و پاک اسلام بزایند.» آیا این به نوعی تأیید تفکر مرحوم شریعتی است یا شما راه سومی را برای نوع تفکر خود قائلید؟ من از هر دو، مقداری خوانده ام اما آنی که هستم این است که من فکر می کنم بخش عظیمی از نگاه هر دو صحیح است ولی کلیت نگاه هر دو را به صورت صد در صد تأیید نمی کنم و مانعی هم نمی بینم که کسی مثل امام در یک لحظه مأمور تشکیل حکومت باشد و در عین حال در روز عاشورا هم به خاطر انجام رسالت الهی صورتش گل انداخته و عین خیالش نباشد و هم به شدت به عنوان یک آدم زمینی نگران خانواده باشد.

■ اساساً چنین تقسیم بندی ای را صحیح می دانید؟
- خیر

■ در بخشی از کتاب به تاریخ طبری، ارشاد، مقتل خوارزمی و لیهوف استناد کرده اید، در حالی که اخیراً تشکیک هایی به محتوای مطالب این کتاب ها شده است مثلاً در حضور حضرت علی اصغر (ع) و حضرت رقیه (ع) در کربلا تردید هایی وجود دارد؛ تا چه اندازه این تردید و تشکیک ها را قابل اعتنا می دانید؟
- قلم در دست ما نبوده است. قلم در دست اهریمن بوده است. ما معصومینی داشته ایم که صاحب رسالت بوده اند. اغلب در فشار بودند و امور مهمی داشتند. امام باقر (ع) در عاشورا ۴ ساله بود، یک کودک عرب که قرار بوده امام شود این یعنی ۴۰ ساله الان ما. امام صادق و ایشان و امام سجاد و امام رضا نقل هایی در مورد عاشورا دارند. نقل هایی که ما باور داریم از این هاست. اینها را می گیریم و منطبق می کنیم با سخنان افراد در آن سو. من به این معتقدم که وضعیت این گونه بوده است که امام باقر می گوید این ها درد آهن را در نمی یافتند. در یک شبه تقسیم بندی ظاهری می بینیم که حسن (ع) محمدی تر از حسین (ع) است و حسین علوی تر است. گویی روش های حسن (ع) در ظاهر انطباق بیشتری با پیامبر دارد. ولی در باطن همه یکی هستند و همه کشتی نجاتند. حسین در جایی می گوید خدا هر بچه ای به من دهد اسمش را علی می گذارم. پس ممکن است آن عبدالله رضیع همان عبدالله رضیع بوده و آن را



آن هانمی توانستند آزار فرهنگی داشته باشند. البته از بنی امیه بیشتر به ائمه آزار رساندند اما شرایطشان به گونه‌ای بود که نمی‌توانستند فشارهای فرهنگی در زمان بنی امیه و پیش از آن را اجرا کنند. اصلاً قرار بود فرهنگی به وجود بیاید که این فرهنگ دینی را از میان ببرد. در زمان بنی امیه کارها حساب شده بود اما چنین حرکت آگاهانه‌ای زمان بنی عباس نبوده است. آن‌ها مجبور بودند ضمن این که با این خانواده می‌جنگند، آن‌ها را نگاه دارند. می‌گفتند ما اهل بیتیم چون بچه‌های عموی پیامبر بودند. آن‌ها برای بنی امیه شانی قائل نبودند. از رحلت پیامبر تا شهادت امام حسین حدود ۵۰ سال بوده است. در این مدت یک نفر از بنی عباس در دوره‌ی بنی امیه به مقامی نرسیده است. چون این‌ها با ائمه یکی بودند. لذا به این واقعه در دوره بنی عباس نیازی نبود و اگر لازم بود بی‌گمان خداوند چنین امری را فراهم می‌کرد. ■

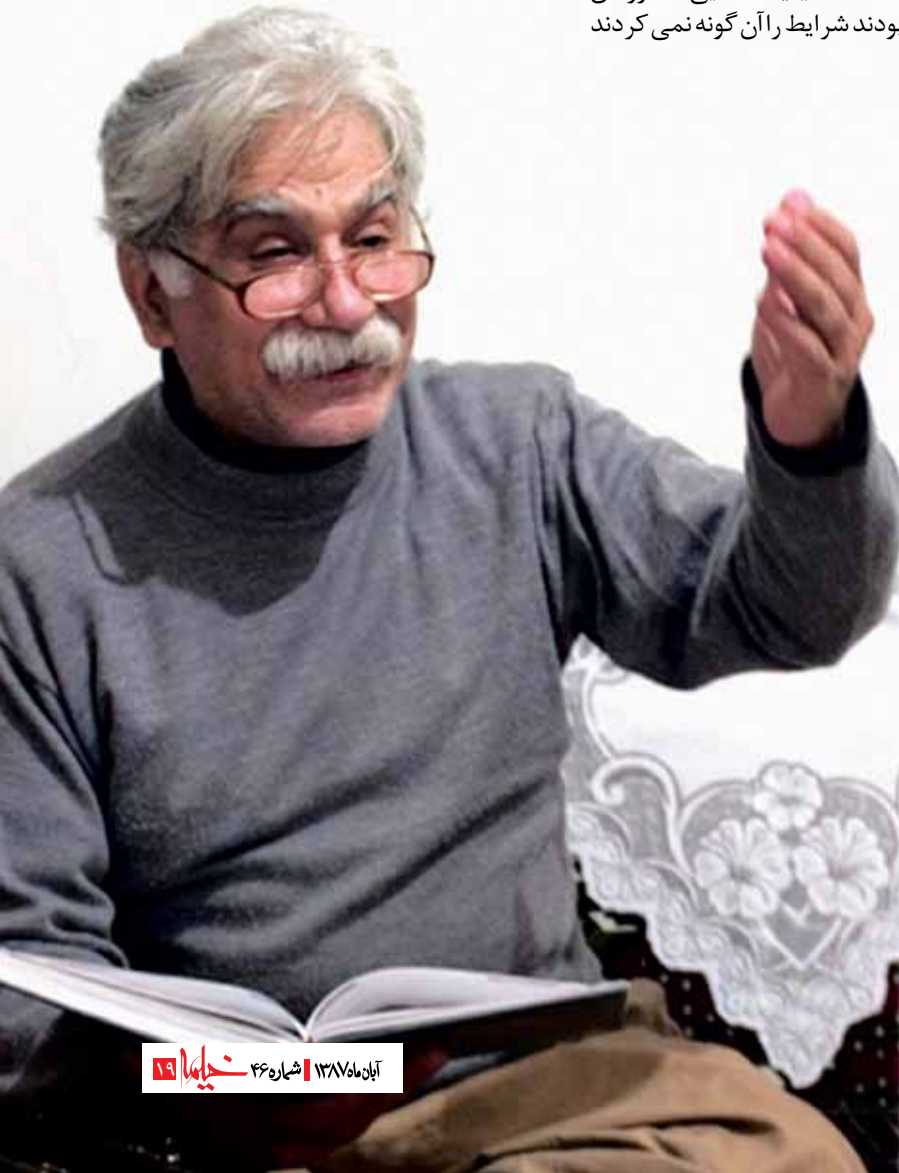
شما به عنوان مسلمان باید یقین داشته باشید که خداوند بنده‌اش را رها نمی‌کند و اگر نیاز به چنین حرکتی بود ایجاد می‌کرد. امام حسین هم نمی‌خواست چنین کاری کند، مجبورش کردند. امام می‌خواست از شهر خودش یعنی شهر جدش از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر برود. عده‌ای به او گفته بودند بیا نزد ما وضع دینی ما خوب نیست. خوب باید به امام می‌گفتند بیا. یزید هم انسان دریده‌ای بود که می‌گفت من جانشین پیامبرم. شخصی در روضه‌ها می‌نشست و بعد از روضه که سلام می‌دهند می‌گفت السلام علیک یا رسول الله عظیم الله اجرک بالحسین (ع). یعنی سلام بر تو ای رسول خدا! خداوند اجر تو را در مورد حسین عظیم گرداند. در مورد امام حسین هم همین عبارت را می‌گفت: ای اباعبدالله! خداوند پاداش تو را در مورد حسین عظیم بدارد. همان طور که پیامبر در نماز می‌گفت اشهد ان محمد عبده و رسوله، یقین بدانید امام حسین هم امام حسین را به خاطر فرمان خدا و موقعیتی که در زمین پیدا کرده بود دوست داشت. یقیناً خلفایی که در زمان بنی عباس بودند شرایط را آن گونه نمی‌کردند

ما آوردند که اگر ائمه نبودند ما الان مسلمان نبودیم. ائمه از نظر نژادی عرب بودند. حضور این خانواده در این قوم باعث می‌شود ما کل آن قوم را دوست داشته باشیم نه این که جریانی را درست کنیم. بعضی جاهلان تشیع یک نادانی‌هایی در تاریخ داشته‌اند. معز الدوله یقیناً با خشونت مسئله امام حسین را پیاده کرد. خود سنی‌ها و معروفین اهل سنت اسم معز الدوله را الحدید گذاشته‌اند یعنی مرد آهنین. او از گیلان رفته به بغداد و پرورش شیعی دارد و اعمال زور می‌کند و می‌گوید مردم باید به خیابان بیایند و سینه بزنند. بعد می‌گویند زن‌ها با سر عریان آمده بودند و به آن‌ها اعتراض شد یعنی آن زنان نمی‌دانستند که خانم فاطمه چه سیره‌ای داشته است؟

■ اساس این ان قلت‌ها از آن جا است که عده‌ای می‌گویند معتبرترین مقتل موجود «مقتل ابی مخنف» است که در باره‌ی تمام زندگی امام حسین (ع) در حدود ۱۲۶ روایت معتبر در آن وجود دارد؛ چه طور ممکن است از این ۱۲۶ روایت این همه مطالب درباره‌ی امام حسین (ع) استخراج شود؟

من به این مقتل اصلاً نگاه نکرده‌ام. درباره‌ی ۱۲۶ روایت قبلا چیزهایی شنیده‌ام اما قبول نداشتم و الان هم ندارم. شیخ مفید اگر نبود شیعه وجود نداشت... من طبری را نگاه می‌کنم. اصلاً آن‌هایی را نگاه می‌کنم که با شیعه بد هستند. البدایه و النهایه که اصلاً تند بحث کرده است؛ البته در چاپ‌های جدید بعضی عباراتش را حذف کرده‌اند. آن داستان‌هایی که آن‌ها گفته‌اند می‌آورم. ابو مخنف هست اما نگاه خوبی به این مجموعه ندارم. او یکی از رواه طبری است. اما تشکیک کرده‌ام و نگاه نکرده‌ام. منابع قوی‌تری بوده‌اند و می‌توانم از آن‌ها استفاده کنم. سنی‌ها می‌گویند که خانم با حالت کم‌هوشی از خیمه بیرون آمد. حضرت زینب شوخی نبود. دختر علی و خواهر حسن و حسین. این‌ها ضمن این که آسمانی بوده‌اند زمینی هم بوده‌اند. نباید تنها زمینی یا آسمانی نگاه کرد. هم زمینی بودند و هم آسمانی. جامع آن دو بودند. ولی ما چنان زمینی می‌بینیم که انگار آسمانی در کار نبوده یا چنان آسمانی می‌بینیم که گویی زمینی در کار نبوده است. ما باید خود را به آن‌ها برسانیم.

■ آیا عاشورا و حرکت امام حسین (ع) یک استثنا در حرکت امامان شیعه است؟ آیا در زمان عباسیان احتیاجی به یک حرکت سیاسی مثل امام حسین (ع) نداشته‌ایم؟



هفته شکرگزاری توفیق خدمت در بارگاه منور حضرت رضا(ع) هر سال از ۱۰ تا ۱۷ شوال با برگزاری برنامه‌های ویژه‌ای در اماکن متبرکه رضوی (ع) برگزار می‌شود. در این مراسم ۱۷ هزار خادم که در طول سال ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار ساعت در اماکن متبرکه رضوی به زائران خدمت‌رسانی می‌کنند، شکرانه این نعمت را به جامی آورند. در ادامه اشعاری از آقایان غفورزاده (شفق) و موید که ویژه این ایام سروده شده است می‌آید.

جلوه‌ی صاحب‌الزمان

غفورزاده (شفق)

شکر تنها نباشد آن که سحر
بگذاری به خاک پیشانی
شکر یعنی پناه مردم باش
در گرفتاری و پریشانی

شکر یعنی در آستان رضا
به رضای خدارضا بودن
با تمام غریبه‌ها این جا
مهربان بودن، آشنا بودن

شکر یعنی که در حریم حرم
با خودت عشق آن چه هست آور
در حرم دلشکسته بسیار است
تا توانی دلی به دست آور

شکر یعنی که زیر چتر دعا
باز جاروکش حرم باشیم
در جوار کریم اهل‌البیت
دست و دل باز با کرم باشیم

شکر یعنی به خانه‌ی فقرا
گاه گاهی چوماه سر بزنی
شکر یعنی به آشیان یتیم
چون کبوتر همیشه پر بزنی

شکر یعنی به دست مهر و وفا
گره از کار بسته‌ها کردن
با نشانی که روی سینه‌ی توست
خدمت خلق بی‌ریا کردن

شکر یعنی اگر خطا کردی
توبه کن عذر خواه و نادم باش
لحظه‌ای غفلت از امام مکن
در حضور و غیاب خادم باش

شکر یعنی که با تمام وجود
به خلوص عقیده افزودن
مثل آینه‌های پاک حرم
حرف دل بازبان یکی بودن

شاید آن جا که می‌گذاری پای
پر و بال فرشته‌ای باشد
شاید اشکی که می‌چکد به زمین
نامه‌ای دل‌نوشته‌ای باشد

شعر یعنی همین که گفתי تو
اشهد انک تردّد سلام
خویش را بنگری بدون حجاب
در همان حال در حضور امام

شکر یعنی که در کنار ضریح
چشم دل باز کن که جان بینی
شاید از پیش رو بالاتر
جلوه‌ی صاحب‌الزمان بینی

شکر یعنی برای سرمه‌ی چشم
ذره‌ای از غبار فرش بگیر
گر که دل‌بسته‌ی زمین هستی
اوج تا آسمان و عرش بگیر

برات عفو

م. مؤید

دوباره آمده‌ام تا دوباره جان بگیرم
به درگه تو به اشک روان، روان بگیرم
دوباره آمده‌ام تا که کام دل بدهم
به بوسه‌ای که از این عرش آستان بگیرم
دوباره آمده‌ام کز تو ای امین‌الله
ز چشم زخم زمان سر خط امان بگیرم
دوباره آمده‌ام تا که زیر سایه‌ی تو
برات عفو خداوند مهربان بگیرم
امام هشتم من! گر کنی ضمانت من
به آه و ناله ره هفت آسمان بگیرم
به شکر نعمت خدمت در آستانه‌ی تو
نشسته‌ام که ز دستانتون نشان بگیرم
به جز سلام ندانم زیارتی دیگر
که پیش قدر تو از خجلتم زبان بگیرم
بگیر بار گناهان ز دوش من امروز
که دامن کرمم در جزا توان بگیرم
به قطره قطره اشکم بخوانم مولا
چو قطره جای در این بحر بی‌کران بگیرم
من این سروده بخوانم به این امید ای
دوست!
که جا به سایه‌ی لطف تو جاودان بگیرم
ز آستان رضایم خدا جدا نکند
من و جدایی از این آستان خدا نکند

کعبه‌ی خراسان

حمید سبزواری
 الا که در قحط‌سال در مان گذر ز دار الشفا نداری
 چرانجویی طبیب دردی که در داری دوانداری
 طبیب آن جا و مرهم آن جا، ره مداوا فراهم آن جا
 تویی خبر آن چنان ز خویشی که چشم در آشنانداری
 بیا به در مان بی‌نوایی ز ناله‌ای دم ز نای نی زن
 گرت دو صد نینواست در دل، تویی نوایی نوانداری
 به ورطه دست تورا که گیرد اگر تو دامان کس نگیری
 که ات از این فتنه وار هاند اگر به کس التجاننداری
 شب است و دریا و موج و طوفان، تو وانهاد به باد سکان
 به سوت گردد رهایی جان اگر به جایی رجانداری
 تورا بلا زان فکنده از پا که ره به شهر ولا نبردی
 تورا قضا زان شکسته سبحان که طینت مومیانداری
 ز عشق فارغ چرانشین، اگر دلی دردمند داری
 ز دوست بهتر که را گزینی اگر سر ماجرانداری
 ز طوس غافل چگونگی باشی اگر سرای امید جویی
 به سر بر آن آستان قدم نه اگر توانی به پانداری
 به پای بوس امام هشتم به هر کجایی به طوس رو کن
 که روی گاهی که رو پذیرد به جز سرای رضانداری
 امید آن جا و بیم آن جا قسیم نار و نعیم آن جا
 دریغ اگر چشم راه‌بینی که ره نماید تورانداری
 بیا و در کعبه‌ی خراسان، گلاب اشکی ز دیده افشان
 تورا ره کعبه وانمودند، سر حرم را چراننداری
 حمید اگر در خور حرم نیست اگر چه شایسته‌ی کرم نیست
 مرا گمان از تو محتشم نیست که حاجتش را روانداری



چشمه‌ی تسنیم

خسرو احتشامی
 این بارگاه کیست که بر آستانه‌اش
 جبریل شد کبوتر و خورشید دانه‌اش
 فوج فرشته می‌پرد از قبه‌ی زرش
 موج ستاره می‌چکد از آستانه‌اش
 از رفعت در پیچه‌ی این ایزدی رواق
 مرغ خیال پر نگشاید ز لانه‌اش
 گل‌روزی شکسته‌نوازی نگر که دل
 از هر دری که رانده شد، این جاست خانه‌اش
 این باغ، آب چشمه‌ی تسنیم خورده است
 بوی بهشت می‌شنوم از جوانه‌اش
 هم رحمت رسول نهان در ترنمش
 هم بهجت بتول عیان از ترانه‌اش
 هر بامداد طوق حریم طواف را
 دوری زد و گرفت چو جان در میانه‌اش
 این مشهد مقدس سلطان دین، رضاست
 جایی که خادم است زمین و زمانه‌اش
 افتاده روی خاک، فلک از ادب مگر
 بنوازد از کرم به سر تازیانه‌اش
 لرزنده است پشت زمان را حدیث او
 پر کرده است گوش جهان را افسانه‌اش
 روح مسیح، بارقه‌ای از تبسمش
 شمع کلیم، صاعقه‌ای از زبانه‌اش
 نایاب گوهری که ز دریای فیض غیب
 دست خدا سپرد به کنج کرانه‌اش
 پرورده‌ی طراوت جوبار جنت است
 این گلبنی که داد محبت نشانه‌اش
 مستان کوچک باغ ولایت کنند یاد
 هر نیمه‌شب به زمزمه‌ی عاشقانه‌اش
 گفتم مگر که طرح نوینی در افکنم
 در این غزل به معجزه‌ی جاودانه‌اش
 اما کلام، قطره‌ی اشکی شد و چکید
 تاره دهند بر در او بی بهانه‌اش



پروژه تاریخی سریال مختارنامه

هانیه خاکپور

را ایفای کند و رضا رویگری، رضا کیانیان، عنایت شفیعی، فرهاد اصلانی، ژاله علو، فریبا کوثری، اکبر زنجانیپور، نسرین مقانلو، پرویز پور حسینی، مهدی فخیم زاده، ویشکا آسایش، ژاله علو، سیامک اطلسی، داوود رشیدی، ولی الله شیراندازی، محمد صادقی، محمد فیلی، شهره لرستانی، فرخ نعمتی، کاظم هژیر آزاد، نسرین مقانلو، ولی الله مومنی، کریم اکبری مبارکه، امین زندگانی، ابراهیم آبادی، انوشیروان ارجمند، محمود اردلان، حبیب دهقان نسب، جعفر دهقان و... از دیگر بازیگران آن هستند.

عوامل پشت صحنه این سریال نیز عبارتند از: نویسنده و کارگردان: داوود میرباقری، تهیه کننده: محمود فلاح، نویسندگان اولیه: حسن میرباقری، محمد بیرانوند، مدیر فیلمبرداری: عظیم جوانروح، تدوین گر: مهدی حسینی وند، چهره پردازی: عبدالله اسکندری، مسعود ولدبیگی و محقق تاریخ اسلام: حجت الاسلام رسول جعفریان.

در ماه های پایانی ساخت این پروژه عظیم تاریخی، جزئیات آن را بارضا استادی، مسوول روابط عمومی سریال به گفتگو نشسته ایم.

رده "الف" مرکز سیما فیلم است که تهیه کنندگی آن را محمود فلاح برعهده دارد.

"مختارنامه" از پروژه هایی است که با صرف زمان، انرژی و هزینه فراوان ساخته می شود و به خاطر مقطع خاص تاریخی که به نمایش می گذارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

این سریال که ششمین ساخته داوود میرباقری پس از مجموعه هایی همچون "امام علی (ع)" و "معصومیت از دست رفته" به شمار می آید، از بهمن سال ۸۱ وارد مراحل پیش تولید شد و فیلمبرداری آن نیز به طور رسمی از فروردین ۸۳ آغاز گشت.

فیلمنامه اولیه این کار تاریخی را محمد ابراهیم سلطانی فر نوشته و حسن میرباقری، محمد بیرانوند و داوود میرباقری نیز در ۳ نوبت آن را بازنویسی کرده اند.

این سریال به شیوه ۳۵ میلیمتری در کاشان، آبادان، ورامین، شاهرود و شوشتر فیلمبرداری می شود ضمن آنکه بخشهای جنگی نیز در شهرک دفاع مقدس و احمدآباد مستوفی تهران در حال فیلمبرداری است.

در این مجموعه فریبرز عرب نیا، نقش مختار

اشاره: مختار، ابو عبید بن ثقفی، سیاستمداری با درایت، جنگاوری ورزیده و علوی تباری متعصب است. او در زمان حرکت امام حسین (ع) به سمت کوفه، به جرم همکاری با مسلم بن عقیل و پناه دادن او در منزل خویش، توسط عبیدالله ابن زیاد زندانی می شود و در روز عاشورا به دلیل زندانی بودن نمی تواند امام حسین (ع) و یاران او را همراهی کند اما پس از آزادی با متحد کردن شیعیان، علیه حکومت یزید قیام می کند و با شعار "یا ثارات الحسین" به خونخواهی امام حسین (ع) و شهدای کربلا، از قاتلان آنها انتقام می گیرد و آنها را از دم تیغ می گذراند و در کوفه یک حکومت شیعی انقلابی تشکیل می دهد.

"مختارنامه" عنوان سریالی است که داستان زندگی و قیام مختار ابو عبید بن ثقفی را روایت می کند.

سریال "مختارنامه" سه بخش دارد که در بخش نخست جوانی زندگی مختار ثقفی و در دو بخش دیگر میانسالی تا شهادت وی را به تصویر می کشد.

این سریال از پروژه های تاریخی و محصولات

تا این لحظه تصمیمی درباره استخراج یک نسخه سینمایی از آن گرفته نشده است.

■ **هزینه‌های این سریال به غیر از بودجه سیما فیلم را چه ارگانها و یا مؤسساتی تقبل کرده اند؟**

تمام بودجه تولید این سریال از طریق سیما فیلم تامین شده است.

■ **شروع مراحل پیش تولید و تولید این سریال از چه زمانی بوده است؟ پیش بینی اولیه شما برای اتمام کار چه تاریخی بود؟ اکنون پایان مراحل فیلمبرداری کار را چه زمانی ارزیابی می کنید؟ زمان پخش این سریال کی خواهد بود؟**

آغاز نگارش فیلم نامه، مهر ماه ۱۳۸۱ بود که قصه سریال "مختارنامه" از زمان حکومت معاویه آغاز و تا حکومت عبدالملک مروان ادامه پیدا می کند و در فاصله این دو مقطع تاریخی، ۱۶ سال از زندگی مختار ثقفی به تصویر کشیده می شود.

نگارش فیلم نامه اولیه سریال مختارنامه از ابتدای سال ۸۱ آغاز شد. فیلم نامه اولیه توسط حسن میر باقری و محمد بیرانوند نوشته شد و داوود میر باقری نیز نگارش نهایی فیلم نامه را انجام داد. در طول نگارش متن، حجت الاسلام رسول جعفریان به عنوان محقق تاریخ اسلام در کنار نویسندگان فیلم نامه حضور داشته تا از نظر مستندات تاریخی و دینی، متن نهایی با واقعیت های تاریخی و دینی مطابقت داشته باشد. فیلم نامه این سریال بعد از نگارش به تأیید علمای دینی نیز رسیده است.

آغاز پیش تولید: فروردین ۱۳۸۲

آغاز فیلمبرداری: فروردین ۱۳۸۳

آغاز تدوین همزمان: خرداد ۱۳۸۴

تاریخ تقریبی پایان فیلمبرداری: آذر ۱۳۸۷

تاریخ تقریبی آغاز پخش: پاییز سال ۱۳۸۸

■ **فیلمبرداری این پروژه در چه مکان هایی انجام شد؟**

بخش عمده ای از سریال مختارنامه در دکورهای ساخته شده در منطقه احمد آباد مستوفی در جنوب غربی تهران مقابل دوربین رفته است. در این منطقه دکورهای شهر کوفه، مکه و مدائن ساخته شده است.

بخش های مهمی از این سریال نیز در بیابان های اطراف کاشان، منطقه عشق آباد ورامین، شهر آبادان و مناطق اطراف آن، شهرستان شاهرود و مناطق اطراف آن و شهرک سینمایی دفاع مقدس مقابل دوربین رفته است.

فیلمنامه سلمان فارسی بود. در آن زمان به میر باقری خبر داده شد که تولید "سلمان" بنا به گفته مسوولان سازمان فعلا مقدور نیست و برای راه اندازی این پروژه، نیاز به فرصت بیشتری است ولی در حال حاضر امکان تولید سریال "تواین" وجود دارد.

به این ترتیب، ساخت مجموعه "سلمان فارسی" که بخش اول قرارداد نگارش و تحقیق آن نیز اجرا شده بود به آینده موکول شد و ساخت سریال "مختارنامه" در اولویت قرار گرفت.

بد نیست به این نکته هم اشاره شود که حدود ده سال پیش از این مقطع - یعنی حول و حوش سال های ۷۱- که داوود میر باقری در

فیلمنامه مجموعه مختارنامه سه بار توسط حسن میر باقری، محمد بیرانوند و خود میر باقری باز نویسی شده است و متن فعلی تنها از جهت حوادث مستند تاریخی با متن قبلی مشترک است و از لحاظ دراماتیک، متن پخته تری است و به معیار های دراماتیکی هم که میر باقری به آنها اعتقاد دارد نزدیک تر است.

حال ساخت سریال "امام علی (ع)" بود، محمد ابراهیم سلطانی فر نیز مشغول تحقیق برای نگارش فیلم نامه "تواین" بود.

متن نوشته شده توسط سلطانی فر به لحاظ تاریخی کاملا مستند بود و این مسأله فضای تاریخی دوره مورد نظر را برای گروه سازنده قابل لمس کرد اما فیلم نامه به جهت تفاوت هایی که با معیار های ذهنی میر باقری داشت به باز نویسی اساسی نیاز داشت.

فیلمنامه این مجموعه سه بار توسط حسن میر باقری، محمد بیرانوند و خود میر باقری باز نویسی شده است و متن فعلی تنها از جهت حوادث مستند تاریخی با متن قبلی مشترک است و از لحاظ دراماتیک، متن پخته تری است و به معیار های دراماتیکی هم که میر باقری به آنها اعتقاد دارد نزدیک تر است.

■ **آیا مانند دیگر کارهای مذهبی، مختارنامه ابتدا به صورت فیلم پخش می شود؟**
خیر. مختارنامه یک سریال داستانی است و از ابتدا به صورت سریال پخش خواهد شد و

وی درباره "مختارنامه" گفت: این سریال به روایت زندگی پر فراز و نشیب و قیام حماسی و قهرمانان مختار ابو عبید ثقفی ملقب به ابواسحاق می پردازد. به مدد تمامی اسناد و مدارک باقی مانده، این مقطع جاودان تاریخی، یادآور جنبشی فراگیر و اثر گذار است که پس از حادثه عاشورا به رهبری مختار شکل می گیرد و با قصاص اشقیاء و قاتلین امام حسین (ع) و یاران مظلومش به پیروزی می رسد.

در این سریال جوانی، میان سالی و کهن سالی مختار به عنوان شخصیت محوری به تصویر کشیده می شود. داستان سریال از روزهای پایانی خلافت امام حسن (ع) آغاز و به زمان امامت امام حسین (ع) می رسد و وقایعی که منجر به قیام محرم سال ۶۱ قمری شد را در بر می گیرد به تعبیری از زمان حکومت معاویه تا حکومت عبدالملک مروان. زمانی که امام حسین (ع) به همراه خانواده و یارانش آماد سفر به کوفه می شود، مختار و افراد قبیله اش زمینه های استقلال با شکوه از امام را فراهم می کنند ولی عبیدالله زیاد با هراس از موقعیت به وجود آمده و حسب دستو یزید بن معاویه برای گرفتن بیعت از امام و در هم شکستن همراهی و مقاومت کوفیان به ویژه یاران مختار، او را به عنوان رهبر جنبش در کوفه دستگیر و به همراه دیگر علویان فداکار به زندان می اندازد. بدین ترتیب مختار در تمامی روزهای منتهی به واقعه عاشورا با دلی دردمند و خشمی فروخورده در بند و زندان حاکم کوفه است. در این میان توطئه بنی امیه برای قتل مختار به نتیجه نمی رسد و این فرمانده دلاور و زیرک با وساطت عبدالله بن عمر و به کارگیری ترفندی هوشمندانه از زندان آزاد شده و مدتی بعد با فراهم کردن نیروهای وفادار و شجاع قیام سراسری و سرنوشت ساز خود را آغاز می کند و سرانجام موفق به تشکیل حکومتی عدالتخواه می شود ...

■ **پیشنهادهای انجام چنین پروژه ای چگونه به داوود میر باقری رسید در شرایطی که ظاهرا شهرام اسدی نیز در حال کار بر روی چنین پروژه ای بوده است؟**

سال ۱۳۸۱ پس از تعطیلات نوروز، محمود فلاح تهیه کننده فعلی، سریال مختارنامه، متن فیلم نامه "تواین" - فیلم نامه اولیه سریال "مختارنامه" را که در آن زمان محمد ابراهیم سلطانی فر نوشته بود - را برای مشاوره درباره انتخاب کارگردان به داوود میر باقری ارائه کرد. میر باقری در آن زمان منتظر به نتیجه رسیدن

آیا استفاده از تنها یک دوربین برای فیلمبرداری چنین پروژه ای، کار را دشوار نمی کند در حالیکه در فیلمی مثل دونل به طور همزمان ۴ دوربین فیلمبرداری می کردند؟ در ساخت سریال تلویزیونی مختارنامه در هر جایی که نیاز بوده، بنا به تشخیص مدیر فیلمبرداری از دو یا سه دوربین استفاده شده است. ضمن آنکه فیلمبرداری یک فیلم سینمایی به شکل همزمان با چهار دوربین مسئله ای بی سابقه در سینما و تلویزیون

مدنظر است؟

درباره ساخت موسیقی متن این سریال هنوز تصمیمی گرفته نشده است و تصمیم گیری درباره این بخش از کار به پایان ساخت سریال موکول شده است.

درکل این سریال در چند دقیقه تهیه می شود؟

این سریال در بیش از چهل قسمت ۵۰ دقیقه ای تهیه می شود.

بسته به صحنه های مورد نیاز کار، از ۳۰ تا ۱۰۰ هنرور در نوسان است و گاهی به ۶۰ هنرور هم می رسد. به طور میانگین هر روز بین ۵۰ تا ۶۰ نفر چهره پردازی می شوند و هر روز برای ۴۰ تا ۵۰ نفر از این هنروران ریش کامل نصب می شود. و در کل برای حدود ۹۰ درصد باز یگران ریش و در مواردی مو بافته شده است.

تنها برای فیلمبرداری سکناس های مربوط به اردوگاه نخيله، مساحتی حدود ده هکتار زمین خاکبرداری و آماده سازی، چهار پل بر روی رودخانه های کوچک ساخته و ۱۲۰ چادر برپا شد.

لوکیشن اردوگاه نظامی نخيله در حاشیه رودخانه بهمنشیر در جنوب بود.

فیلمبرداری سریال "مختارنامه" چندین بار به دلیل نبود اعتبار مالی از سوی سیمافیلم، بیماری کارگردان، مشارکت کارگردان در ساخت برنامه های تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری و آماده سازی دکورهای شهر و دارالعماره متوقف شد.

هنگامی که خبر ساخت مختارنامه توسط میرباقری اعلام شد، شهرام اسدی نیز مشغول آماده سازی سریالی با همین عنوان و موضوع بود!

به اعتقاد دست اندرکاران تولید این سریال، مختارنامه یکی از عظیم ترین و فاخرترین پروژه های ایران و خاورمیانه است که از نظر ابعاد اجرایی و مالی نظیر ندارد.

پس از آغاز به کار مجموعه مختارنامه، مسوولین سیما فیلم با تاکید بر لزوم ثبت و مستند کردن تجارب پروژه های تاریخی، از راه اندازی پروژه ای برای مستند کردن تجارب سریال های تاریخی در حال ساخت سیما خبر دادند.

پروژه ای پژوهشی با نام فرآیند تولید پروژه مختارنامه به گردآوری تجارب هنری سریال مختارنامه می پردازد.

اغلب تهیه کنندگانی که در سیمافیلم در حال تهیه سریال یا تله فیلمی هستند، از اریز شدن بودجه های کلان سیمافیلم به سریال مختارنامه و امتیازهایی که برای گروه تولید آن در نظر گرفته اند، شکایت دارند و معتقدند توجه بیش از حد به گروه تولید مختارنامه، آسیب هایی جدی به تولیدات آنها وارد ساخته است.

در دیدار عزت الله ضرغامی، رئیس سازمان صدا و سیما از این پروژه، گروه تولید پیش بینی کرد فیلمبرداری این سریال تا پاییز سال جاری تمام شود تا بعد از اتمام فیلمبرداری، این سریال در سال ۱۳۸۸ برای پخش آماده شود.



حاشیه های "مختارنامه"

تاکنون بیشتر صحنه های مربوط به این مجموعه فیلمبرداری شده و تنها ۱۵ درصد این پروژه ۱۵۰۰ دقیقه ای باقی مانده است.

به منظور تسریع در پخش کار تدوین مجموعه از ابتدای سال ۱۳۸۴ آغاز شده و به صورت همزمان صورت می گیرد.

تمام صحنه های این پروژه عظیم با یک دوربین فیلمبرداری شده است.

از آنجا که منابع و مدارک تصویری از آن زمان وجود ندارد، گریم ها به صورت ذهنی و پس از مشورت با کارگردان طراحی شده است.

از آغاز فیلمبرداری این سریال بیش از ۲۲۰ بازیگر در لوکیشن های مختلف مقابل دوربین رفته اند که حدود ۲۰۰ بازیگر مرد و ۲۰ بازیگر زن بوده اند.

به طور میانگین روزانه ۱۰۰ تا ۳۰۰ هنرور بومی نیز در کنار بازیگران اصلی این سریال مقابل دوربین رفته اند. تعداد این هنروران

ایران است!

آیا بخشهایی در فیلمنامه وجود داشته که به دلیل کمبود بودجه حذف شده باشد؟ خیر. تا این لحظه از فیلمنامه مختارنامه هیچ صحنه ای حذف نشده است.

میانگین تعداد هنروران چند نفر است؟

تعداد بازیگر اصلی: بیش از ۶۰ نفر

تعداد بازیگر فرعی: بیش از ۱۴۰ نفر

تعداد سیاهی لشکر: بیش از ۲۰۰۰ نفر

تعداد نیروهای انسانی درگیر در پروژه: بیش از ۱۴۳۰ نفر

تعداد لوکیشن های داخلی و خارجی: بیش از ۱۲۲ لوکیشن

میزان ساخت دکور ۷ هکتار در زمینی به وسعت ۲۴ هکتار

محل ساخت دکور در تهران، احمد آباد مستوفی

تعداد اسب مورد استفاده در پروژه: بیش از ۸۰ رأس

برای آهنگسازی این سریال چه کسی



ضرورت ایجاد بخش یابانه مدرسه مدح و مرثیه

گفت و گو و نشست سهیل محمودی، استاد ابراهیمی، و علیرضا پورامید درباره وضعیت مرثیه خوانی

خلاصه ای از آن چه گذشت: استاد احمد

ابراهیمی متولد ۱۳۰۵ است و کهنسال ترین معلم آواز ایران محسوب می شود که بیش از پنج دهه سا به تدریس دارند. در نشست علیرضا پورامید، سهیل محمودی و استاد ابراهیمی، مباحث مختلفی در خصوص وضعیت امروز مداحی و مرثیه خوانی، مطرح شد و هر کدام از نگاه خود این موضوع را مورد بررسی قرار دادند. در بخش اول این نشست، ضرورت ایجاد مدرسه مدح و مرثیه و در بخش دوم گفت و گو، برخی نکات آسیب شناسانه مرثیه مطرح شد، از جمله به نقش صدا و سیما در این زمینه اشاره و بیان شد که صدا و سیما به زعم خود، بهترین مجالس را به تصویر می کشد. در حالی که اشکال در پخش همین کارهاست، یعنی یک اختلاف اساسی در مقوله سلیقه و عنصر زیبا شناسی وجود دارد، چرا که به جهت کمی و تعدد پخش مجالس، روضه ها و مداحی ها، نمره بالایی می گیرد، اما تاثیر در حداقل قرار دارد. این نقدها ادامه یافت، تا بخش سوم این نشست که در پی می آید.

علیرضا پورامید: معمولاً کارهای سلبی و اکنش و بازتاب یک عمل ایجابی ناموفق یا تجربه ای منجر به رفتاری سلبی است. در این وضعیت فعلی ما نتیجه ای کدام تجربه ای

ایجابی ناموفق را شاهدیم و یا این که اساساً متأثر از فضایی سیاسی است؟

سهیل محمودی: من می خواهم بگویم در هیچ کجا نمی توان مأمور ارشاد بگذاریم. این گونه مجالس خود جوش است و باید خود جوش هم بماند. در شهرستان ها و روستاها و در مرکز و در جنوب تهران و هر کجا. خود جوشی یعنی این که آذانه از هر نفسی که می خواهند استفاده کنند منتهی این قدر سطح کار بالا برود که از هر صدایی و از هر به اصطلاح خواننده ای استفاده نکنند و سلیقه ها ارتقا پیدا کند. به عنوان مثال در همین روز ها رادیو پیام را که گوش می دهم و از کار آلبوم جان عشاق با صدای استاد شجریان و اثرهای مشکاتیان و تنظیم های درویشی در مایه ای اصفهان با شعر حافظ (دوش می آمد و رخساره بر افروخته بود) و یکی دیگر هم اثر دیده در یا کنم، خیلی پخش می شود و نسبت به کارهای خیلی نازلی که پخش می شود، ناخود آگاه توقع فرزند من و فرزند شما را که در کنارمان نشسته اند را بالا می برد و جز با فرهنگ سازی و بالا بردن سطح بینش و دانش مخاطب چاره ای دیگری نداریم...

پورامید: خوب، به جان کلام رسیدیم و اصل مقصود بنده و موضوع سخن مان هم همین نکته است، شما در خلال سخن به عوام زدگی اشاره کردید. به نظر می رسد برخی از موقعیت های سیاسی ایجاب می کرد که به دلایلی بسیجی همگانی و انگیزشی در مردم ایجاد شود و در همین بزنگاه های سیاسی مداحان و خوانندگان مذهبی (چهره و تازه کار) به میدان آمدند و در این هنگامه ها شرکت مؤثر داشتند و به اصطلاح برخی جناح ها را یاری کردند و ...

سهیل محمودی: بله حتماً آن ها مشکلاتی را برای ما فراهم کردند و البته یک وقتی هم محاسنی داشتند مثلاً یکی از محاسن این که من وقتی اولین بار صدای حاج صادق آهنگران را از تلویزیون شنیدم خوب یادم هست بازنده یاد قیصر امین پور به صحبت نشست بودیم. اولین نکته که گفتم این بود. یک هم ولایتی شما دیشب در تلویزیون می خواند که با این که شعرها ضعیف بود اما می دانم که او به یک گنجینه ی عظیم و پایان ناپذیر تکیه دارد که همان موسیقی جنوب ایران است و بعد هم از خود آقای

آهنگران شنیدم که این نغمه‌ها را مثلاً از عمو، دایی، مادر بزرگ و یا مادرشان می‌شنیده و در جانش بوده و معتقدم یکی از زیبایی‌های این دوره مجالس ذاکرین این بود که به رغم ضعف اشعار، ملودی‌ها، ملودی بود و بسیار تأثیرگذار و ارزشمند.

علیرضا پورامید: البته بنده دوران جنگ و دفاع مقدس را جزو موارد سیاسی نمی‌دانم و فراتر از آن قرار دارد بلکه نظم جناح‌بندی‌ها بویژه در هنگام انتخابات است و از بزنگاه سیاسی، دوران رأی‌گیری را منظورم هست.

سهیل محمودی: برخی از مجالس تیغ دولبه شدند، کاملاً تیغ دولبه (در این سال‌های اخیر) یعنی یک روز قرار بود مخالفین سیاسی زید و عمرو را بزنند به زمین، الان همان‌ها شده یک آسیب، مثل داستان چوب به دست‌های ورزشی غلامحسین ساعدی، یعنی چوب به دست‌هایی که می‌روند گرازها را بکشند خود چوب به دست‌ها بدتر از گرازها می‌شوند. مثل صدای استاد صبحدل و آقای شریف منصوری و... چگونه برای این‌ها قواعدی گذاشته‌ایم اما باز سر منشأ باز می‌گردد به دستگاهی که حافظه صوتی ما را شکل می‌دهد که صدا و سیماست مامی توانیم بحث‌های نظری و آسیب‌شناسی را در کتاب و مجلات و روزنامه‌ها حتی خود رادیو و تلویزیون مطرح کنیم و پیش ببریم اما ارائه نوار یا مطبوعات و مجلات این قدر حوزه‌ی وسیعی را در بر نمی‌گیرد که رادیو و تلویزیون وسعت دارد و تأثیر می‌گذارد. خاطرهای نقل می‌کنم. سال‌هایی بود که هنرمند ارجمند آقای ساعد باقری تعدادی از نوحه‌ها و مرثیه‌ها و دم‌های قدیمی را، ملودی‌هایشان را می‌گرفت و روی آن‌ها شعر می‌سرود و یا خواهش کرده بودند از استاد عباس خوشدل و یا استاد احمد علی راغب که ملودی بسازند و ایشان بر اساس آن‌ها شعر می‌گفت و با عنوان نغمه‌های عاشورایی پخش می‌شد.

یعنی این سلیقه‌سازی شده بود و مثلاً امشب که نغمه‌های عاشورایی پخش می‌شد، یکی دو شب بعد همان را در مجالس می‌خواندند و تکرار می‌شد با همان ملودی‌ها و نغمه‌ها؛ که اتفاقاً به آقای باقری گفتم می‌دانید ملودی که پخش شد همان آهنگی است که آقای شجریان در ماهر با شعر مرحوم جواد آذر خوانده؟ و ایشان می‌گفت درسته اما خود جواد آذر هم از نوحه‌های قدیم ترکی گرفته و من هم در کودکی از حاج علی آقا شباوی شنیدم که ایشان از مهم‌ترین ذاکرین آذر بایجان بوده یعنی آن زمان که اقبال السلطان بوده او هم



حاج علی آقا شباوی بوده است. بله وقتی این ماهر شنیده می‌شود سلیقه‌ها و تشخیص‌ها را بالا می‌برد و ما نیز می‌فهمیدیم که مرحوم جواد آذر و استاد شجریان به چه پشتوانه فرهنگی موسیقیایی که همان موسیقی ترکی است تکیه کرده‌اند، قطعاً فرهنگ‌سازی و سرمایه‌گذاری برای فرهنگ‌سازی بهترین و

سهیل محمودی: از خود آقای آهنگران شنیدم که این نغمه‌ها را مثلاً از عمو، دایی، مادر بزرگ و یا مادرشان می‌شنیده و در جانش بوده و معتقدم یکی از زیبایی‌های این دوره مجالس ذاکرین این بود که به رغم ضعف اشعار، ملودی‌ها، ملودی بود و بسیار تأثیرگذار و ارزشمند.

جدی‌ترین کار در این حوزه می‌باشد.

علیرضا پورامید: بسیار متشکرم آقای محمودی اگر اجازه بدهید بخش پایانی نشست را اختصاص به پرسش از آقای ابراهیمی و شنیدن فرمایش ایشان اختصاص دهیم. جناب استاد ابراهیمی چه آثاری را در خاطر و حافظه دارید که دقیقاً از ملودی‌ها و نغمات مذهبی و عزاداری‌ها گرفته شده و با تغییر کلام و شعر در حوزه‌ی موسیقی رسمی و اصیل استفاده شده است؟ مثلاً در خاطرات جناب سید جواد بدیع‌زاده آمده که ایشان ترانه و تصنیف مشهور «زهره» با

صدای آقای داریوش رفیعی با مطلع «یاد از آن روزی که زهره بودی یار من»، یک نوحه‌ی قدیمی است با مطلع «روز عاشورا حسین آن شاه مظلومان» که دوست آقای سید جواد بدیع‌زاده، آقای مهدی رئیسی شعر ترانه «زهره» را روی آن می‌گذارد و با سه مجلس تعزیه که به روایت استاد ابراهیم بوذری نقل شده و موجود است. در یک بخش از تعزیه حضرت علی اکبر نغمه‌ای خوانده می‌شود که دقیقاً متوجه می‌شویم تصنیف «به یاد عارف» توسط آقای محمدرضا لطفی عیناً به لحاظ موسیقیایی مثل نغمه‌ی تعزیه مذکور است و نمونه‌های دیگر؛ اما می‌خواستم از شما بپرسم در مورد سخن‌های بدیع‌زاده یا موارد مشابه‌ی خاطر یا نمونه‌ای سراغ دارید؟

استاد ابراهیمی: تعدادی از آن‌ها را که خود شاهد بودم - که اتفاقاً هنگام عاشورا هم بود - مثلاً مداحی بود در خوزستان به نام پناهی هست که هم صدای خوبی داشت و هم از آهنگ خوبی استفاده می‌کرد.

سهیل محمودی: در تهران آسیب‌ها بیشتر است و شهرستان‌ها هنوز بکر هستند.

استاد ابراهیمی: بله او شعری از ابوحنیفه سغدی را می‌خواند: آهوی کوهی در دشت چگونه رود»

(اجرا توسط استاد در مقام شوشتری)

بله به نحو مؤثری می‌خواندند و مردم دم می‌دادند و بسیار مؤثر که یک نمونه آن را در تهران ندیدم. و آن چه در ایام مزبور در تهران شاهد هستیم این که تعدادی جوان طبل و سنج می‌گیرند و می‌زنند و فقط صدای گوم گوم طبل را می‌شنوی و هیچ ملاحظت و زیبایی یا جاذبه‌ای ندارند و فقط به گوش‌ها آزار می‌رسانند و صد البته همان گونه که قبلاً عرض کردم این کار باید توسط سرمایه‌گذاری و مدیریت صحیح سازمان‌های ذی‌ربط به راه صحیح و واقعی خود باز گردد. ■

پی‌نوشت

۱. شعر نوحه را کامل می‌آورم که در مایه‌ی زابل دستگاه سه‌گاه خوانده می‌شود و حداقل سابقه‌ی صد ساله دارد.

شعر این نوحه از ص ۱۶ کتاب گلیانگ محراب تا بانگ مضراب، خاطرات سید جواد بدیع‌زاده نقل می‌شود.

«روز عاشورا حسین آن شاه مظلومان

این چنین می‌گفت با آن قوم بی‌ایمان

از پی اتمام حجت، با لب عطشان

کای لشکر شیطان، از تشنه‌کامی افغان

گر که در زعم شما، من خود گنه‌کارم

قتل من واجب بود هم لازم آزارم

شیر خواره کودکی در خیمه‌ها دارم

از بهرش افکارم

وز گریه او نالان»

چنانچه ملاحظه می‌شود سیلاب یا بحر شعر عیناً و بدون کم و زیاد مساوی است با آهنگ زهره. شاعر ارجمند آقای مهدی رئیسی تحت تأثیر این آهنگ که برای نوحه‌سرایبی ساخته شده است قرار گرفته و قطعاتی در هفده بند ساخته است که در اوایل رادیو این اشعار را من به داریوش رفیعی داده‌ام و...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تاریخ و اندیشه





بخش دوم درآمدی بر مبانی و منابع عاشورا پژوهی

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد مهدی میرباقری

بلکه تحلیل یک شخصیت معمولی و ملموس است که ساخته و پرداخته خود ماست.

البته در مقام تحلیل فعل معصومین (ع)، از شناخت اعماق آن افعال به دور هستیم، چرا که اصولاً امکان احاطه بر فعل معصوم برای کسانی که مادون ایشان هستند محال است و به طریق اولی احاطه بر حقیقت آن نیز برای آنان مقدور نمی‌باشد. ولی تناسبی بین شناخت ما و ابعاد و جودی معصومین (ع) برقرار خواهد شد که متناسب با «تولی» و «ظرفیت ایمانی» ما می‌باشد. متناسب با در جات ایمان و تولایی که پیدای کنیم، انوار ایشان در وجودمان نازل می‌شود و عارف به مقام و فعل ایشان می‌شویم. پس باید همه ابعاد و جودی ای که برای معصوم برشمرده شده است و معرفت نسبت به آن متوقع است را در نظر گرفت و متناسب با ظرفیت معرفت به تحلیل پرداخت.

به طور خلاصه میتوان گفت که برای تحلیل پایگاه معصومین (ع) در نظام خلقت باید این طبقات را جستجو کرد:

اول: نسبت معصومین (ع) (خلافت و ولایت) با خدای متعال (توحید و الوهیت).

معصومین (ع) در قوس نزول، واسطه و مجرای جریان الوهیت در کل عالم خلقت هستند و خداوند متعال اراده نموده اند که در عالم هیچ مجرای فیض مستقیمی رو به خداوند وجود نداشته باشد الا ایشان و هیچ نور الهی بدون عبور از حجاب نورانی اهل بیت بر هیچ مخلوقی ساطع نشود. این ۱۴ نور پاک تنها مجرای جریان اسماء و صفات الهی در عالم خلقت هستند و این نه از سر این است که خداوند قادر بر سر بیان و جریان مستقیم و

نقشه جامعی است که عاشورا در درون آن و به خاطر تکمیل شدن آن رخ داده است. عاشورا فعل معصومین (ع) است و شناخت شأن، مقام و موقعیت ایشان ضرورتی ترین امریست که برای تحلیل عاشورا به آن نیازمند هستیم؛ زیرا جایگاهی که معصومین (ع) در نظام خلقت دارند باعث آن است که افعالی متناسب با همان شخصیت و با همه آن ابعاد از ایشان صادر شود. نمی‌توان شخصیت و ابعاد و جودی ایشان را نشناخت و بدون هیچگونه معرفتی نسبت به ابعاد و جودی ایشان، فعل ایشان را تحلیل کرد. ممکن است ادعا شود در امور عادی، همه ابعاد و جودی ایشان بروز نکرده است (که البته این نیز در جای خود جای تأمل و دقت است و به سادگی قابل قبول نیست) اما بی تردید در مثل حادثه عاشورا، اهل بیت (ع) با تمام ابعاد و جودیشان حضور دارند.

بر اساس عقاید مسلم شیعه، امام شخصیتی است که محیط به همه ابعاد عالم است و ملکوت عالم در اختیار اوست و به دنبال ایشان حرکت می‌کند. وقتی فعلی را قصد می‌کنند، ملائکه مقرب در اختیار ایشانند و اعمال خود را با ایشان تنظیم می‌کنند. اراده امام، «ملکوت عالم را تحت تأثیر قرار می‌دهد»، و «اسطه فیض حضرت حق است»، «خلقت تحت اشراف اوست»، «ولایت بر خلق دارد» و «امور خلایق به او تفویض شده است». آیا بدون در نظر گرفتن ابعاد و جودی چنین شخصیتی می‌توان به تحلیل فعل او پرداخت؟ اگر امام را در حد یک عالم عادل، یک انسان مقدس و یا حداکثر یک سیاستمدار پخته تنزل دهیم، پیداست این تحلیل فعل امام نخواهد بود،

خلاصه ای از آنچه گذشت: بخش اول یادداشت «مبانی و منابع عاشورا پژوهی» اختصاص داشت به ضرورت و جایگاه عاشورا پژوهی که ذیل آن چشم اندازی از عاشورا پژوهی نیز ترسیم شده بود و طی آن تحلیل واقعه عاشورا، چگونگی بهره مندی از عاشورا، گذری بر آینده عاشورا پژوهی و پیشینه عاشورا پژوهی مورد بررسی قرار گرفت. نویسندگان در بخش اول، هر کدام از این سرفصل‌ها را به تفصیل مورد بررسی قرار داد تا مجال مطالعه مبانی عاشورا پژوهی، میسر شود.

گذری بر مبانی عاشورا پژوهی

عاشورا مرحله‌ای از اقامه کلمه توحید و بنای بیت نبوت است، پس باید آن را در ارتباط با بقیه ارکان توحید تفسیر نمود و اگر در این مسیر بقیه ارکان توحید دیده نشود، نمی‌توان آن را همه جانبه تفسیر کرد که چرا این واقعه و با این کیفیت اتفاق افتاده است؛ همانطور که بدون نقشه جامع، نمی‌توان حتی ضلعی از یک شهر را تحلیل کرد.

و با توجه به آنچه در فصل قبل نیز توضیح داده شد، تحلیل قیام عاشورا را باید از طریق محورهای آن دنبال نمود که فهرست وار تقدیم می‌گردد:

- ۱- پیش نیازهای تحلیل قیام عاشورا؛
 - ۲- تحلیل واقعه عاشورا و ابعاد و جودی آن؛
 - ۳- نحوه بهره مندی از این امر عظیم؛
- این مقدمات باید مورد دقت قرار گیرند تا بتوان وارد بررسی آن شد و به آن پرداخت.

۱- مبانی و مبانی تحلیل قیام عاشورا
۱/۱- پایگاه امامت در فلسفه خلقت
اولین مسئله‌ای که برای ورود به تفسیر عاشورا به آن نیازمند هستیم، ارائه همان

یا چند مجرای جریان الوهیت خود نباشد، بلکه اینگونه بودن جریان الوهیت در عالم خود مشیت و اراده الهی است و لذا تنها ایشان ارکان توحید هستند.

دوم: نسبت ولایت و خلافت ایشان با نظام خلقت و مخلوقات (عبودیت)

در قوس صعود نیز معصومین (ع) تنها مجرای جریان عبودیت و بندگی و عبودیت خداوند، هستند. تنها راه بندگی و عبودیت خداوند، تولی و تسلیم در مقام ولایت ایشان است. با تولی به این انوار مقدس است که خداوند پرستیده می‌شود و این نیز به نوبه خود اراده و مشیت الهی است. لذا در روایات داریم که «بنا عبد الله و بنا عرف الله»

آنچه آمد سرفصل آن چیزی بود که باید در شناخت و معرفت الامام ابتدا مستدل بیان و سپس پایه‌های شناخت فعل الامام را بر آن استوار کرد. اینها یکی از مهمترین فعالیت‌های پیش روی عاشورا پژوهی است که می‌توانند تأثیرات بسیار عمیق و با برکتی در سایر علوم داشته باشند.

۲- تحلیل واقعه عاشورا

گفته شد برای شناخت واقعه عاشورا باید مبنایی ترین تعریف را محور دستگاه شناخت خود قرار داد و آن اینکه «فعل عاشورا، تصرف معصوم (ع) در عالم خلقت به نسبت جایگاه و موقعیت ایشان در نظام خلقت است.» پس در این قسمت از تحلیل واقعه عاشورا باید با توجه به فلسفه خلقت و جایگاه ایشان در آن به شناخت گستره این تصرف و بندگی در عالم خلقت پرداخت.

۲/۱- عاشورا و جلوه‌های بندگی معصومین اولین نگاه، عبودیت و میثاق آنها با خدا را مدنظر دارد که گاهی نیز مورد غفلت واقع می‌شود. این میثاق، بندگی و قربی که در نتیجه آن برای معصوم حاصل می‌شود، باطنی ترین چهره عاشورا و فعل معصوم است. یعنی آن مقام بندگی و وفای به عهد الهی، باطنی ترین چهره «بلا»ی اولیاء خدا و افعال و عبادات آنهاست.

چهره دوم، تصرفات سیدالشهدا (ع) در تاریخ می‌باشد که باید دقت داشت که چهره دوم، فرع و تابع جنبه اول است.

باطنی ترین چهره فعل معصوم آن حادثه‌ای است که بین ایشان و خدا می‌گذرد؛ یعنی جریان ربوبیت الهی و جریان رحمت، ضیافت

و سرپرستی خداوند بر سیدالشهدا (ع) و از سوی دیگر تولای سیدالشهدا (ع) بر آن ولایت، و مراتب تسلیم و رضا به ولایت الهیه. خداوند در حال سرپرستی «ولی» اش است و سیدالشهدا (ع) نیز به این سرپرستی راضی و تسلیم محض است. این همان باطنی ترین چهره عاشورا است که در دعای ندبه به آن توجه داده شده است:

«اللهم لك الحمد علی ما جرى به قضائك فی اولیائک». باطنی ترین چهره عاشورا «قضاء» خداوند بر اولیائش از یک سو، و «رضا»ی آنها به این قضاء و بلا از سوی دیگر است، که دعای ندبه دارای مفاهیم بسیار مهمی در شرح این رابطه است؛ یعنی قضای خداوند بر اولیائش و سپس بر خورد اولیاء خدا با این قضاء. پس نباید از این امر غافل شد که ولایت اولیاء خداوند به تبع همین بندگی است.

اصلی ترین «ربوبیت» خداوند، نسبت به اولیائش است و بقیه خلقت، تحت این ربوبیت سرپرستی می‌شوند. سرپرستی بقیه خلق از بستر و متناسب با همین ربوبیت است. مهمترین عبادت‌های عالم، عبادت اولیاء الله است و مهمترین تعلق حضرت حق نیز همین تعلق است. بنابراین یکی از چهره‌های عاشورا جریان ربوبیت الهی و قضا و تدبیر حق است، که در عین زیبایی است اما بستر این سرپرستی، جریان «بلا» است.

۲/۲- عاشورا و «شفاعت» عباد الله - گستره عاشورا

- گفته شده که چهره دوم فعل معصومین تصرفات ایشان است و معصومین به خاطر آن تولی و تسلیم محض ولایت الهیه بودن، بر همه عوالم ولایت پیدا کرده‌اند.

- لذا خدای متعال میثاق ولایت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را همانطور که در روایات عالم ذکر آمده است، از همه عالم گرفت و ولایت ایشان را بر همه عوالم جاری کرد. پس عبادات اهل

بیت (ع) نباید نادیده انگاشته شود چرا که اعظم همه عبادات و جریانهاست و معلوم می‌کند که تصرفات ایشان در همه عوالم از کجا ناشی می‌شود و در عین حال تصرفات معصومین (ع) متناسب با اراده حضرت حق سبحانه و تعالی و ظرفیت بندگی عباد الله است. اما یکی از مسائلی که در تحلیل هر واقعه‌ای نیاز است تا به آن پرداخته شود، تعیین «گستره» با زمان و جغرافیای آن است، تا معلوم شود از کجا شروع شده است؟ تا کجا ادامه داشته است؟ دایره حضور آن چیست؟...

اگر با این نگاه به روایات رجوع شود و معارفی که در قرآن و کلمات نورانی اهل بیت (ع) موجود است بررسی گردد، دیده می‌شود که عاشورا طول و عرض جغرافیایی بسیار گسترده‌ای دارد. از قبیل خلقت همه عوالم حتی قیامت و بهشت و بالاتر از آن. این عبادت و پیامدها و آثارش فقط جغرافیای اصطلاحی یعنی تاریخ دنیا را نپوشانده است؛ بلکه تمام خلقت و هر آنچه در نظام خلقت جاری است، جغرافیای آن محسوب می‌شود. حتی بر طبق روایات همه خلقت طفیل متناسب با بندگی آنها و متناسب با صلوات حضرت حق سبحانه و تعالی بر آنهاست.

طفیل هستی عشقند آدمی و پری

بنابر این عاشورا حادثه‌ای است که از لحاظ تاریخ همه تاریخ خلقت را می‌پوشاند و از نظر جغرافیایی نیز بر همه ابعاد خلقت تأثیر می‌گذارد. می‌توان بار جوع به روایات و آیات این مطالب را دید که آثار این حادثه بر عوالم، بر خورداری و مصیبت زدگی آنها و نیز نسبت و تأثیری که این حادثه بر همه عوالم داشته، چه بوده است؟

پس طول و عرض جغرافیایی این حادثه در کل نظام خلقت باید مورد دقت قرار گیرد که آیا حادثه‌ای است که صرفاً در سال ۶۱ هجری برای سیدالشهدا اتفاق افتاده و آغاز آن از مرگ معاویه یا حداکثر چند سالی عقب‌تر بوده است؟ آیا این حادثه حداکثر در فاصله پنج، شش ماه رخ داده است؟ یا اینکه حادثه‌ای است که قبل از خلقت دنیا زمینه‌چینی شده است؟ میثاق «تولی» و «ولایتی» است که از عوالم قبل آغاز شده و از اعظم مواثیقی است که خدای متعال از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) گرفته و به عاشورا نیز ختم نشده است؛ بلکه آثار این عبودیت و بندگی تا بعد از

قیامت نیز پا بر جاست؟

- عاشورا و میثاق بقیه اولیاء الهی

یکی دیگر از مسائلی که برای تحلیل چگونگی جریان شفاعت در عاشورا باید مورد بررسی قرار گیرد، ارتباط این میثاق بندگی و تولی به ولایت الهیه سیدالشهدا (ع) با بندگی سایر اولیاء خداست. اصل این میثاق چه ارتباطی با حلقه‌های دیگر بندگی اولیاء خدا در تاریخ دارد؟ چه نسبتی با بندگی انبیاء (ع) و سپس چهارده معصوم (ع) دارد؟ اینها چه ارتباطی با همدیگر دارند؟ ولایت و تصرفی که سیدالشهدا (ع) در عالم و خلقت کردند چه ارتباطی با بقیه تصرفات اولیاء خدا دارد؟ اگر روی این موضوع دقت نشود حادثه نیز به خوبی تحلیل نشده است.

نکته مهم این است که اگر تمام این افعال به صورت واحد دیده نشود، نمی‌توان به یک تحلیل روشن رسید که چرا این فعل انجام شد. به عنوان مثال اگر فرض شود که به دنبال حادثه عاشورا، ظهور حضرت بقیه الله (ع) نباشد، عاشورا دیگر تحلیل شدنی نیست. کما اینکه بدون بعثت رسول اکرم (ص) و افعال دیگر انبیاء و معصومین (ع) نیز قابل تحلیل نیست.

- پایگاه فلسفه تاریخ

بر طبق این نگاه پایگاه اصلی «فلسفه تاریخ» نیز مشخص می‌شود که همان میثاق بر «وساطت» چهارده نور پاک در الوهیت در عالم مخلوق (قوس نزول) و همینطور وساطت در بندگی شدن خداوند (قوس صعود) است و میثاق آنان بر چگونگی جاری شدن این هر دو جریان، محورهای اصلی فلسفه تاریخ است که البته شناخت همه ابعاد آن برای عالم مخلوق ممکن نیست چرا که اشراف کامل آن با بنده بودن ما در این مسئله سازگار نیست. موضوع فلسفه تاریخ، حلقه‌های پیوسته افعال معصومین (ع) است، که به نوبه خود با بعضی از ابعاد دیگر تحلیل فعل معصوم (ع) گره خورده است.

در اینجا جایگاه فعل سیدالشهدا در تکامل تاریخ دیده شود و پس از منظر «تکوینی» (که در «فلسفه رحمت» بررسی شد) از منظر «تاریخ» نیز دیده شود. فعل معصوم فعل تاریخی و محور شکل‌گیری تاریخ عبودیت و بندگی است. او محور تکامل تاریخ است و... اما اصلاً تکامل تاریخ چگونه اتفاق می‌افتد؟ نگاه ما به تاریخ و تکامل و مراحل آن چیست؟ از منظر فلسفه تاریخ، فعل سیدالشهدا (ع) چه جایگاهی در تکامل تاریخ دارد؟ طبیعتاً در این قسمت اگر نظر فلسفه تاریخی

داشته باشیم، کلمه توحید، تصرفاتی که تاریخ را معماری می‌کند و تاریخ عبودیت و بندگی را با هم معنی خواهد کرد. یکی از دلایلی که زیارت سیدالشهدا (ع) با سلام به انبیاء آغاز می‌شود تا به ائمه (ع) و خود سیدالشهدا برسد ناظر به همین نکته است. عاشورا یک حادثه منقطع نیست که دفعتاً در عالم متولد شده باشد. حرکتی است که بسترها و نتایج و پیامدهایی به همراه داشته است. این کل جریان عصمت است که عاشورا و قبل و بعد آن را تحلیل می‌کند. بنابراین باید به فلسفه تاریخ نیز پرداخت.

۲/۳ - عاشورا و موضعگیری خلق الله نسبت به آن

گفته شد که معصوم چه جایگاهی نسبت به خدا و اولیای خدا دارد. سوال بعد این است که نسبت نظام خلقت و نظامات انسانی با ایشان چیست؟

نسبت عباد به معصومین (ع) «تولی» به ولایت ولی خدا است، که در همین ابتدای راه باعث شکل‌گیری دو جبهه تاریخی می‌شود:

اول: جبهه کسانی که متولی به ولایت معصومین (ع) هستند؛ از پیامبران تا شهداء و بقیه عوالم؛

دوم: جبهه کسانی که روبروی معصومین ایستاده و متولی به ولایت ایشان نشدند.

در مورد کسانی که روبروی امام حسین ایستادند نیز باید دقت کرد و آن را در نظام خلقت تحلیل نمود. تقابل اولیاء طاغوت و اولیاء الهی، تقابل نور و ظلمت و جریان رشد و غی است.

باید تحلیل کرد که جبهه ولی خدا چیست و چه کسانی در این جبهه هستند؟

چه چیزی آنها را به این جبهه آورده است؟ عامل جمع شدن آنها چه خصوصیتی بوده است؟ حضرت ابراهیم خلیل (ع) میثاق نام نسبت به ولایت اهل بیت (ع) را چگونه بسته است؟ «إِنَّ أَمْرًا نَاصِبًا صَعْبًا مُسْتَصْعَبًا لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ أَوْ مَرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ». کسانی که به مقام تحمل ولایت رسیده‌اند چگونه به این میثاق دست یافته‌اند؟ چه ارتباطی بین آنها برقرار است؟ این ارتباط از کجا آغاز شده است و تا کجا ادامه دارد؟ مثلاً میثاق حضرت ابراهیم (ع) با سیدالشهدا (ع) از کجا آغاز شده است و تا کجا ادامه دارد؟ روح این میثاق چیست؟ این نگاه عمیق‌تر از تحلیل انسان شناسانه

یا تحلیل‌های ساده‌تر عاشورا است. تحلیل‌ها را نباید ساده‌سازی کرد. باید دید که چرا زهیر عثمانی مذهب به صف سیدالشهدا (ع) می‌پیوندد و ابن عباس که شاگرد امیرالمومنین (ع) است نمی‌تواند به کربلا بیاید؟ باید دید همراهی با اولیاء خدا از کجا آغاز شده است؟ از همین دنیا یا قبل از این دنیا؟ نباید این سطح از همراهی‌ها را سطحی و عامیانه تحلیل کرد. بر پایه معارف اهل بیت (ع) باید مسائل عوالم قبل رانیز در همراهی اولیای خدا در نظر گرفت. اینها همه در



معارف اهل بیت (ع) موجود است، اما از آنها غفلت و عاشورا را عامیانه تحلیل کرده‌ایم. در تحلیل عاشورا باید از نظام خلقت آغاز کرد تا به تحلیل فلسفه تاریخ و سپس تحلیل جامعه شناسانه و انسان شناسانه ی آن رسید. در مورد کسانی که روبروی حضرت ایستادند نیز باید همین دقت را کرد و آن را در نظام خلقت تحلیل نمود. تقابل اولیاء طاغوت و اولیاء الهی، تقابل نور و ظلمت و جریان رشد و غی است. اینکه یزید طالب حکومت یا قدرت پرست بود، یا تقسیم بد بیت المال در زمان عثمان و یا حتی اینکه ثقیفه زمینه وقوع حادثه عاشورا بوده‌اند، ساده‌سازی عاشورا است و آغاز راه جبهه باطل نبوده است. بلکه جریان درگیری حق و باطل و جنود عقل و جهل، جریان بسیار گسترده و پیچیده‌ای است که محوری‌ترین صحنه‌های ظهور آن،

در اعظم جبهه‌های عقل و جهل - یعنی جبهه رسول خدا (ص) - وارد شود و نسبت به آن درگیری عظیم توجه و توسل پیدا کند، آن وقت می‌تواند در باطن خود به فتوحات عظیمی نائل آید.

اساس عبودیت به تولی و تبری تعریف می‌شود و به همین دلیل فرموده‌اند: «هل الذین الا الحبّ و البغض فی الله». اساس «توحید» تولای تام به ولایت الهیه و تبرای تام از ولایت طاغوت است. کسی که ولایت امام را قبول ندارد، اگر تمام عمرش را هم در سجده باشد، به هیچ وجه از او پذیرفته نخواهد شد. وقتی سلوک به تولی و تبری تعریف شود، نقش بلای اولیاء الهی و سپس همه مجاهدت‌های باطنی و کنار گیری از رذایل اخلاقی در آن تعریف خواهد شد که آن نیز به نوبه خود باعث تعریف میدان‌های جدیدی از جهاد و منازل تازه‌ای از سلوک خواهد گردید.

با بلای اولیاء خدا باید به سه چیز رسید:

- ۱- تبرای تام از اعدائشان؛
- ۲- تولای تام اولیاء خدا؛
- ۳- رضایه قضای الهی که بالاتر از آن درجه‌ای نیست

انسان باید مبتلا به بلای اولیاء خدا شود تا به حدی از قرب برسد که بلای آنها در روح انسان تنزل و تجلی پیدا کند و با این بلا به طرف خدای متعال حرکت کند. یعنی به مرزی از حبّ و ولاء برسد که مستحق بلای آنها شود. حال اگر به این مرز رسید به واسطه سلوکی که با این بلا داشته است، او را به تبرای تام از اعداء می‌رساند، دشمن شناس می‌شود و جبهه باطل را می‌شناسد. از سوی دیگر تولای تام پیدا می‌کند و جبهه حق را می‌شناسد. وقتی میثاق ایشان را با خدا دید و تحمل بلائشان را در راه خدا و رضائشان را به بلاء الله شهود کرد، اول خود به معرفت، ثبات قدم و... می‌رسد و بعد هم جمال و زیبایی بلای حق با اولیائش را درک می‌کند و به رضای به «بلاء الله» نسبت به اولیائش می‌رسد. چنین انسانی نسبت به فعل حق به حمد و رضا می‌رسد، نسبت به اولیاء خدا تولی پیدا می‌کند و نسبت به فعل دشمنان آنان نیز به تبرای تام. این بهره‌مندی است که می‌توان از عاشورا داشت. ■

- سلام‌های وارد شده در ابتدای وارث و ناحیه مقدسه . انعام - ۱۱۲

مرحوم کلینی در حدیثی از امام صادق (ع) نقل کرده است: «ان أشد الناس الاتیناء بلاء ثم الذین یأونهم ثم الامثل فلا مثل فالامل اسخت ترین مردم در بلا پیغمبران هستند و پس از آنها کسانی که از ایشان تبعیت می‌کنند و سپس کسانی که نزد خدا مقامی ارجمندتر دارند و در روایت دیگر از حضرت صادق (ع) نقل کرده است که فرموده‌اند: البلاء و ما یخص الله عز جل به المؤمن» (کافی، ایمان و الکفر، باب شدت ابتلاء المؤمن)

به این بلا داریم؟ آخرین مرحله‌ی اوج ما با این بلا چیست؟

ابتدا باید سلوک را معنی کرد و سپس به بررسی این موضوع پرداخت که چگونه می‌توان با عاشورا سالک شد؟ سلوک به چه معنی است؟ سلوک چگونه بر مبنای انسان شناسی، جامعه شناسی و تاریخ شناسی تعریف شود تا بتوانیم به این پرسش پاسخ دهیم؟ «سلوک فردی»، «سلوک جمعی» و «سلوک تاریخی» به چه معناست؟ سپس باید روشن شود که نقش حادثه عاشورا در رسیدن

«سلوک یا بلا» راهی مطمئن برای اصلاح همه حالات و خلیقات ناصواب است و انسان را به مقام محمود می‌رساند و شاید زیارت عاشورا دستور العمل چنین سلوکی باشد. انسان به جایی می‌رسد که بین او و مقام محمود معصومین (ع) حجابی نباشد.

فرد، جامعه و تاریخ به تولی و تبری - که اصل در این سلوک است - چیست؟ اگر سلوک بر این پایه تحلیل شود، در این صورت می‌توان نقش بلای ولی خدا را در آن تعریف کرد که چگونه می‌توان با بلای ولی خدا سالک شد و با سفینه الحسین حرکت کرد.

۳/۲- نقش سلوک با بلا در تهذیب فردی و جمعی
«سلوک یا بلا» راهی مطمئن برای اصلاح همه حالات و خلیقات ناصواب است و انسان را به مقام محمود می‌رساند و شاید زیارت عاشورا دستور العمل چنین سلوکی باشد.

انسان به جایی می‌رسد که بین او و مقام محمود معصومین (ع) حجابی نباشد. و این ممکن نیست مگر با محو تمام رذایل و کسب تمام فضایل. با بلای اولیاء خداست که می‌توان به چنین مقامی رسید و مشکلات راه نیز مانند خودی بینی، عجب و غرور بر طرف می‌شود؛ چرا که «ان سفینه الحسین أسرع». چنانچه در اصحاب سیدالشهداء (ع) هیچ یک از خصایص رذیله وجود نداشت و اگر چه شیطان تمام جنودش را در میدان آورد تا یکی از جنود سیدالشهداء (ع) را زمین گیر کند، اما موفق نشد. اصحاب سیدالشهداء (ع) اول در جهاد اکبر خود بر تمام جنود شیطان غلبه کرده بودند که سبب شده بود تا همه فضایل در آنها متجلی گشته و جنود عقل متناسب با ظرف و وجودیشان در آنها ظاهر گردد و به همین دلیل زمین گیر نشدند. وقتی انسان

عاشورا است که در یک سوی آن تمام اولیاء باطل و در طرف دیگر تمام انبیاء و اولیاء الهی جمع بودند. یک طرف تمامی شهوات و غضبهای عالم متراکم شده بود و در طرف دیگر تمام عبودیت‌ها، عاشورا «کانون» یک چنین درگیری عظیمی است.

بنابراین، از طرفی باید حق را از طرف دیگر باطل را تحلیل کرد. البته گفته شد که فعل سیدالشهدا (ع) باید در افق ارتباطی خدا و بنده محض نیز تحلیل شود. نگاه جامعه شناسانه نیز حتماً باید داشت:



اینکه جامعه چیست و چگونه شکل می‌گیرد؟؛ جامعه حق و باطل در زمان امام حسین در چه وضعی بوده و در چه موضوعاتی با یکدیگر برخورد داشته اند؟؛ آیا برخوردها بر سر حکومت کوفه سال ۶۱ ه.ق. بوده یا حکومتی بالاتر؟

«وَكذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غَرُورًا وَأَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذُرَّهُمْ وَمَا يَقْتَزُونَ»

باید در پاسخ گفت: موضوع این تقابل، تحقق حکومت الهی در همه عوالم است، نه فقط عالم دنیا.

۳- پیش نیازهای بحث در بهره‌مندی از عاشورا
۳/۱- معنی سلوک و رابطه آن با بلای ولی الله چگونه می‌توانیم از بلای سیدالشهدا بهره مند شویم و با آن سالک شویم؟ آیا اصلاً راهی

اسم الله الرحمن الرحيم

بخش اول

عاشورا در کتب تاریخ اهل سنت

علیرضا پورامید

در فرهنگ و ادبیات عرب بانان و به ویژه برادران اهل سنت، مختار ثقفی چون توفیق براندازی حکومت امویان را نیافت، خونخواه حضرت سیدالشهدا (ع) محسوب نمی‌شود و به همین دلیل ابومسلم خراسانی این عنوان را دریافت کرده است.

کتاب ابومسلم‌نامه که افسانه و تخیل در آن بر واقعیات مسلم تاریخی، تقریباً چربش دارد و کمتر به عنوان مرجع و مستند مورد توجه و اعتنا قرار می‌گیرد، اما به دلیل نگاه ویژه‌ی برادران اهل سنت حاوی نکاتی شایسته‌ی دقت و مطالبی سزاوار فرآگیری است. در ادامه‌ی این سطور از کتاب ارزشمند «ادبیات عامیانه‌ی ایران» نوشته‌ی استاد دکتر جعفر محبوب مطالبی را که درباره‌ی کتب «ابومسلم‌نامه» و «تجارب السلف» به تحریر درآمده است، عیناً نقل می‌نماییم.

«...بی‌مناسبت نیست که درباره‌ی نحوه‌ی برگزاری مراسم تعزیه‌داری شهیدان کربلا و یادآوری و تجلیل از خاطره‌ی دلیری و فداکاری آنان و ستمی که از سوی یزید بر ایشان رفته است در میان اهل سنت نیز سخنی بگوییم.

کتاب ابومسلم‌نامه با آن که جنبه‌ی افسانه دارد در این باب گواهی راستین و سندی معتبر است و نویسنده سنی آن بارها تصریح کرده که ابومسلم و یاران او چگونه مردم را

که از ستمکاری و بی‌پروایی بنی‌امیه به ستوه آمده بودند با یادآوری وزنده نگاه داشتن صحنه‌های فاجعه‌ی خونین کربلا گرد می‌آورده و عواطف دینی ایشان را تحریک می‌کرده و آنان را به پیکار با خلفای اموی وامی‌داشته است؛ پیش از این نمونه‌ای از این صحنه‌ها را در این گفتار آورده‌ایم.

اما در کتاب‌های تاریخ و متن‌های ادبی و مذهبی نیز در این باب شواهد بسیار می‌توان یافت و ظاهرآز همان روزهای نخستین پس از وقوع این حادثه، زشتی آن آشکار شده و مردم را اندوهگین ساخته است. مؤلف تجارب السلف تحت عنوان «شهادت امام حسین» شرح این واقعه را چنین آغاز می‌کند: «در شرح این قصه بسط سخن نمی‌توان کرد؛ چه در اسلام واقعه‌ای صعب‌تر از این اتفاق نیفتاده است. زیرا قتل عمر و عثمان اگرچه بر مسلمانان در غایت صعوبت بود، اما قصه‌ی حسین فاحش‌تر از همه اتفاق افتاد. چه سر مبارک او را به دمشق بردند و طفلش را کنار او به تیر بزدند و برادرزادگان و ابنای عم او را در پیش او بکشتند و عورات و اطفال را بر آن صورت که از ولایت حبشه و زنگ و هند بردگان آورند به بردگی به شهرها بردند و مجمل قصه آن است که چون یزید تخت را ملوث کرد، همه‌ی همت او بر آن مقصود گشت که از حسین و آن سه کس دیگر که

معاویه وصیت کرده بود بیعت بستاند.»^۱ سپس داستان نامه نوشتن کوفیان به امام حسین (ع) و دعوت او به حکمرانی این شهر و سپس روی گرداندن ایشان از آن حضرت را یاد می‌کند:

«عمر بن سعد و قاص پیامد با لشکری عظیم و بیشتر آن لشکر کوفیان بودند که نامه نوشتند به حسین و او را دعوت کردند. حسین گفت: نه شما مرا طلبیدید و نامه نوشتید؟ ایشان گفتند ما نمی‌دانیم چه می‌گویی و التفات نکردند و جنگ را شروع کردند و حسین با پسر عم و برادران و یاران خویش جنگی عظیم کردند و همه کشته شدند - رضی الله عنهم -. و بعد از همه حسین را بکشتند و شخص مبارک او را بر زمین انداختند و چندان بر او اسب تاختند تا ناپدید گشت.»^۲

و این است عکس العمل مردم دمشق که همگی دوستدار و هواخواه معاویه بودند در برابر این فاجعه:

«گویند چون سر مبارک حسین را به دمشق بردند و زین العابدین علی ابن الحسین ... در میان ایشان بود و او را با جماعت عورات ۳ خاندان نبوت بر شتران نشانده ... در دمشق می‌گرداندند ... پیری از اهل شام پیامد پیش زین العابدین بایستاد و او را دشنام داد و اظهار شماتت می‌کرد. زین العابدین گفت: ای شیخ قرآن می‌خوانی؟ گفت: آری. گفت: این آیه

مبالغتی می کرد. سائلی برخواست و گفت: معاویه را چه می گویی؟ به آوازی بلند گفت: ای مسلمانان! از علی می پرسد که معاویه را چه می گویی؟ آخر دانی که علی معاویه را چه گوید!

و امیر عبادی که علامه روزگار و خواجهی معنی و سلطان سخن بود او را در حضرت^{۱۰} المقتضی لأمر الله پرسیدند، روزی که فردای عاشورا بود، خواسته بودند که چه گویی در معاویه؟ گفت: نمی دانم که کدام معاویه را می گویی؟ این معاویه را که پدرش دندان مصطفی بشکست و مادرش جگر حمزه بخایید و او بیست و چند بار تیغ روی علی مرتضی کشید و پسرش سر حسین ببرد، ای مسلمانان شما این معاویه را می گویند؟ مردم در حضرت خلافت - حنفی و سنی و شافعی - زبان به لعنت و نفرین برگشودند و مانند این بسیار است و تعزیت حسین هر موسم عاشورا به بغداد تازه باشد با نوحه و فریاد. و اما به همدان، اگر چه مشبهه^{۱۱} را غلبه باشد... هر سال مجدالدین مذکر همدانی در موسم عاشورا این تعزیت به صفتی دارد که قمیان را عجب آید^{۱۲} و خواجه «امام نجم نیشابوری» با آن که حنفی مذهب بود این تعزیت به غایت کمال داشتی و دستار از سر برگرفتی و نوحه کردی و خاک پاشیدی و فریاد از حد بیرون کردی.»

ادامه دارد...

کتاب ابومسلم نامه با آن که جنبه‌ی افسانه دارد، در این باب گواهی راستین و سندی معتبر است و نویسنده سنی آن، بارها تصریح کرده که ابومسلم و یاران او چگونه مردم را که از ستمکاری و بی پروایی بنی امیه به ستوه آمده بودند

می کند و سپس می نویسد:

«تا آخر همه مرثیه‌ی اوست به صنفی که دیگران بر چنان معانی قادر نباشند و مرثی شهدای کربلا را اصحاب بوحنیفه و شافعی راهست بی عدد و بی نهایت. پس اگر عیب است، اول بر بوحنیفه است و بر شافعی و اصحاب ایشان، آن گاه بر ما. و چون فروتر آبی، معلوم است که خواجه (بومنصور ماشاده)^۸ به اصفهان که در مذهب اهل سنت به عهد خود مقتدا بوده است، هر سال این روز را تقریب داشته است به آشوب و نوحه و غریو و ولوله، و بر علی و حسن و حسین علیه السلام، آفرین کرده و بر یزید و عبیدالله لعنت آشکار کرده و کذک «شرف الاسلام صدر الخجندی»^۹ و برادرش «جمال الدین» این تعزیت به آشوب و نوحه و غریو و ولوله داشته اند و هر کس به آنجا رسیده باشد، دیده و دانسته باشد و هرگز انکار آن نکند. آن گاه در بغداد که مدینه الاسلام و مقرر دار الخلافة است خواجه علی غزنوی حنفی داند که این تعزیت چگونه داشتی تا به حدی که روز عاشورایی در لعنت سفیانیان

را خوانده‌ای که قل لا استلکم علیه اجر الا الموده فی القربی؟ گفت: خوانده‌ام. گفت: مرا می شناسی؟ گفت: نه. گفت: ذی القربی منم. و نام و نسب خود را بگفت. پیر او را سوگند داد که راست می گویی، زین العابدین تویی؟ سوگند خورد که راست می گویم. پیر گفت: به خدای من هرگز ندانستم که محمد را به غیر از یزید و خویشان او خویشاوندی دیگر هست. آن گاه پیر بگریست و از زین العابدین عذر خواست. گویند هفتاد کس از مشایخ دمشق به طلاق و عناق و حرج سوگند خوردند که ما پیغمبر را به غیر از یزید خویشی ندانستیم و همه از زین العابدین عذر خواستند و زاری کردند و او همه را عفو فرمود.»

مؤلف تجارب السلف در پایان این داستان حتی اعتراض رسول دولت روم بر یزید را نیز یاد می کند: «رومی گفت: سبحان الله العظیم. چون شما با فرزند زاده‌ی پیغمبر خویش این فعل کنید، با دیگری چه خواهید کرد؟ نصاری خاکی را که خر عیسی پای بر آن نهاده باشد تعظیم کنند و عزیز دارند، شما دعوی اسلام می کنید و با نواده‌ی پیغمبر چنین بیدادها می کنید؟ و برخواست و خشمناک بیرون آمد.»^۶

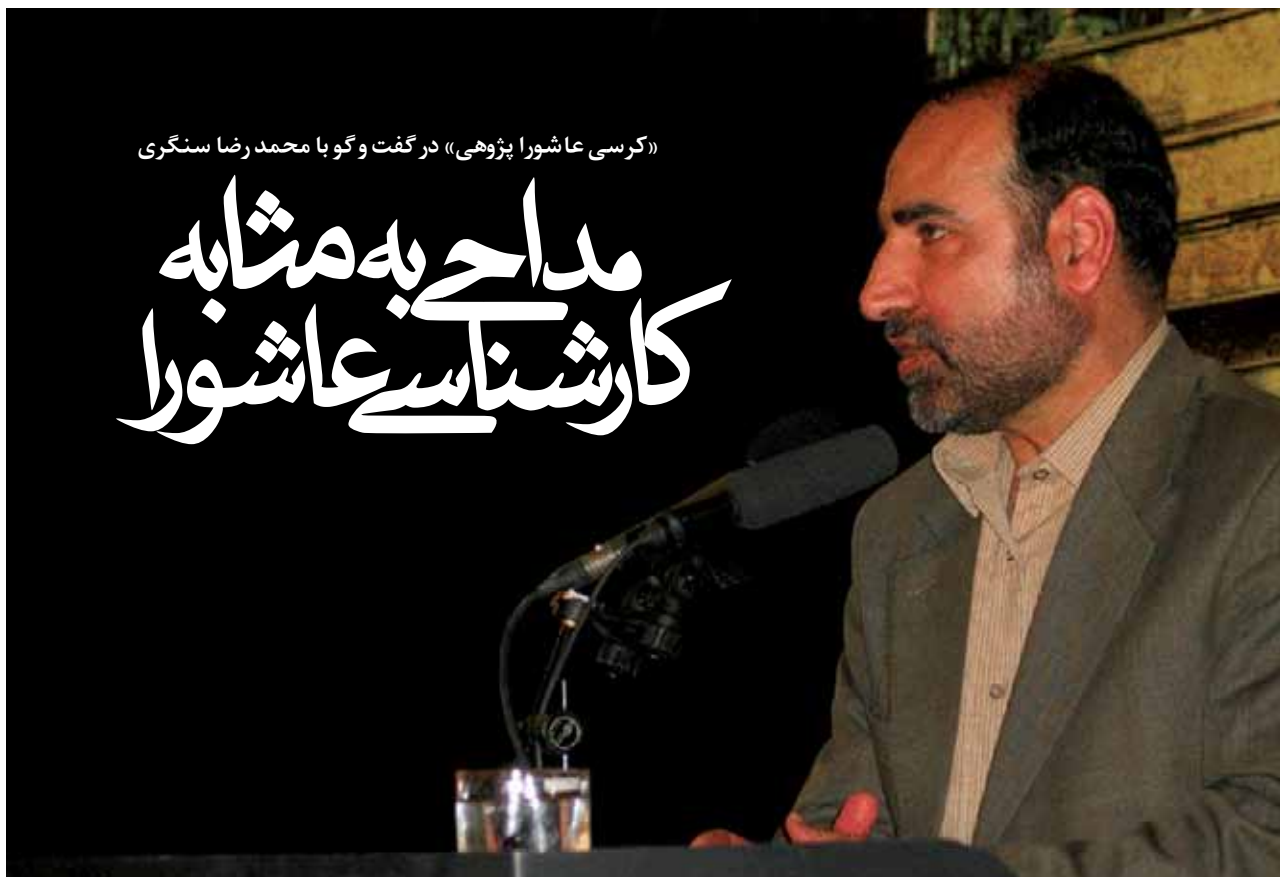
این است نمونه‌ای از داوری مؤلفان سنی مذهب درباره‌ی این حادثه و عکس العمل مردم در برابر آن. اما صاحب «النقض» به صراحت می گوید که سنیان این مراسم را با آشوب و غریو و ولوله بر پای می داشته‌اند. وی نخست اعتراض سنی مذهبیان و انتقاد از شیعیان را در این باب بدین صورت نقل می کند: «این طایفه روز عاشورا اظهار جزع و فزع کنند و رسم تعزیت را اقامت کنند و مصیبت شهدای کربلا را تازه گردانند و بر منبرها قصه گویند^۷ و علما سر برهنه کنند و عوام جامه چاک زنند و زنان روی خود خراشند و مویه کنند.» و این خود وصفی کوتاه و انتقادی است از آن چه شیعیان در قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) در برگزاری مراسم عاشورا انجام می داده‌اند. سپس وی می گوید:

«اولاً معلوم همه‌ی جهانیان است که بزرگان و معتبران ائمه فریقین، از اصحاب امام مقدم ابوحنیفه و امام مکرم شافعی، و علما و فقها و طوائف خلفاً عن سلف این سنت را رعایت کرده‌اند، و این طریقه را نگاه داشته‌اند. اولاً خود شافعی که اصل است در مذهب و مذهب به او منسوب است، بیرون از مناقب، در حق حسین و شهدای کربلا... مرثی بسیار گفته است.» آن گاه مؤلف مطلع دو قصیده از شافعی را نقل

پانوشت
 ۱ و ۲. تجارب السلف، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۱۳: ۶۷.
 ۳. عورات: جمع عورت است به معنی عیب، اما در این جا به معنی زنان آمده است.
 ۴. قرآن کریم، ۲۳/۴۲.
 ۵. عناق: آزاد کردن بنده، سوگند خوردن به طلاق و عناق و حرج یعنی آن که گوینده سوگند می خورد که اگر ما غیر از یزید خویشاوند دیگری برای پیغمبر می شناختیم، زن یا زنان مان طلاق داده و بردگان مان آزاد باشند و یک یا چند حرج بر ما واجب شود.
 ۶. تجارب السلف.
 ۷. بر منبرها قصه گویند، یعنی واقعه‌ی کربلا را شرح می دهند.
 ۸. این جا قصه به معنی شرح احوال و بیان حال است.
 ۹. خواجه بومنصور ماشاده ریاست شافعیان و صدر خجندی و برادرش جمال الدین رئیس حنفیان بوده و بین این دو گروه رقابت شدیدی وجود داشته است.
 ۱۰. صدر الخجندی: رئیس خاندان معروف خجندیان است در اصفهان. سعدی در بوستان به نام وی اشاره می کند: یکی خار پای یتیمی بکند...
 ۱۱. در حضرت: در مجلس.
 ۱۲. مشبهه: گروهی از سنیان هستند که ظاهر آیه‌های قرآن و احادیث پیغمبر را معتبر می شناسند و برای خدا مانند انسان دست و پا و چشم و گوش قائل هستند. این گروه را اهل تشبیه نیز می گویند.
 ۱۳. شهر قم از آغاز اسلام مرکز شیعه بوده است.

«کرسی عاشورا پژوهی» در گفت و گو با محمد رضا سنگری

مباحث به مثابه کارشناسی عاشورا



باشد. در حوزه‌ی قرآن مطالعات دقیق داشته باشد. در زمینه‌ی تاریخ پژوهی و مطالعات تاریخی باید شناخت داشته باشد و به طور ویژه روی آن بخش از تاریخ که به بعثت پیامبر (ص) و دین اسلام - ماجرای پس از بعثت تا کربلا - مربوط است را به خوبی کار کرده باشد؛ و الا توان بررسی در حوزه عاشورا را نخواهد داشت. البته باید به شکل تخصصی هم با روش‌های پژوهش آشنا باشد.

■ آیا تا به حال دوره‌ای ویژه‌ی تربیت عاشورا پژوه برگزار شده یا خیر؟ آیا این کار ضرورت دارد؟
- در باب ضرورت این موضوع هیچ تردیدی نداریم. برای این که یک بخشی از فرهنگ ما، دین ما و بهتر است بگوییم اصلاً هویت انقلاب ماست. ما این نکته‌ی مشهور از حضرت امام را به خاطر داریم که فرمودند ما هر چه داریم از محرم و صفر داریم. و اتفاقاً قرار است آخرین حادثه‌ی بزرگ تاریخ بر مبنای تفکر و باور شیعی ما متصل به عاشورا باشد. یعنی الگوی عصر ظهور و قیام حضرت مهدی (عج)، الگوی عاشورا است و حتی ادامه‌ی آن که دوره‌ی رجعت است به حضرت اباعبدالله برمی‌گردد. بنابراین یک عنصر مهم جامعه‌ساز و حرکت آفرین و زاینده را پیش روی خودمان داریم که مثل رودخانه‌ای است که جریان

درباره یک مسئله است. پس عاشورا پژوه کسی است که با این شناخت از عاشورا به پژوهش و تحقیق و تتبع در حوزه مسائل اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی عاشورای می‌پردازد.

■ نتایج حاصل از مطالعات شما درباره‌ی رشته‌ی عاشورا پژوهی چیست؟

- عاشورا حادثه‌ای است در متن دین؛ بنابراین هر که قصد پژوهش در مورد عاشورا را دارد باید پیش‌تر در حوزه‌ی دین پژوهی کار کرده باشد و به متدها و روش‌های استخراج مسائل از دین و روش‌های تحلیل، مطالعه و تحقیق در حوزه‌ی دین آشنا باشد. که اگر این آشنایی پیش‌تر اتفاق نیفتد در حوزه‌ی عاشورا نمی‌توان به پژوهش پرداخت. به طور طبیعی همه‌ی منظرهایی که به یک مسئله باز می‌شود، به سمت مسئله‌ی عاشورا هم باز می‌شود. یعنی می‌توانیم از منظر اجتماعی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، انسان‌شناختی، مردم‌شناختی، فقه، تاریخ، سیاست و همه‌ی مقوله‌های دیگر سراغ این موضوع بیاوریم. کسی که می‌خواهد وارد این حوزه شود، باید به یک سری تخصص‌هایی دسترسی داشته باشد. به طور طبیعی باید نسبت به اسلام یک شناخت مناسب داشته

عاشورا به مثابه رودخانه‌ای که سالیان سال از میان جغرافیای باورهای اسلامی گذشته و همچون جریان‌های جامعه‌ساز، حرکت آفرین و زاینده، آبخیز نسل‌های آتی است؛ امروزه بیش از پیش دغدغه پژوهشگرانی است که باور دارند با نگاهی محققانه، فرآیندی و عمیق به این حماسه پر شور می‌توان آینه روشن‌تری برای جوامع اسلامی رقم زد. «دکتر محمد رضا سنگری» از اساتیدی است که ضرورت وجود رشته دانشگاهی عاشورا پژوهی را بارها متذکر شده‌اند و در این باره اقداماتی نیز انجام داده‌اند. در گفتگوی ذیل سعی کرده ایم از چند و چون تلاش‌های استاد بپرسیم.

■ تعریف شما از یک عاشورا پژوه چیست؟

- وقتی می‌گوییم عاشورا پژوه، دو عنوان را در کنار هم قرار می‌دهیم. عاشورا مفهوم یک روز و یک اتفاق و حادثه نیست، بلکه یک نهضت عظیم و یک فرهنگ جاری است که در سال ۶۱ هجری اتفاق افتاده و هم‌چنان ادامه دارد. و پیوسته‌هایی هم با خودش دارد. طبیعتاً حوزه مباحث اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و همه چیز را نیز همراه خودش دارد. واژه دیگر پژوهش است. پژوهش به معنای تحقیق و مطالعه علمی، فرآیندی و عمیق



ذاکری را کار کردیم. بعد از آن با کسانی که می‌خواستند در این زمینه کار کنند، همکاری کردیم. این موضوع از ۶-۷ سال پیش از خود دفتر مقام رهبری شروع شد و آقای «رفیعا» در پی این بودند که با برگزاری جلساتی به تحریف‌زدایی و آسیب‌شناسی مسئله عاشورا بپردازند. چند جلسه برگزار شد و بعد دوستان در «هیأت رزمندگان» شروع به کار کردند و با من صحبت کردند که اگر بشود، واحدهای درسی برای آن تعریف کنیم. من هفت ماه کامل وقت گذاشتم برای تنظیم واحدهای دوره‌ی کارشناسی فرهنگ و ادبیات آیینی که الان آماده است و آرزوی من این است که روزی یک دانشکده ویژه‌ی این موضوع در کشور تأسیس شود. برای بسیاری از مسائل در چه چندم رشته و دانشکده داریم در حالی که می‌دانیم این موضوع، موضوعی است که این همه گسترده است و در تمام سال‌ها ذاکران و مداحان فعال هستند؛ اما جایی که مدیریت بکنند و آموزش مداحان و ذاکران را جهت دهد و در آنجا کارهای مطالعاتی شود، نداریم. کسانی هم مانند شما در «خیمه» کار می‌کنند. خیمه یک اتفاق مبارک و خجسته در عاشوراپیرومی است. «مجله هیأت» یک اتفاق مبارک است. این‌ها را باید غنیمت

برای بسیاری از مسائل در چه چندم رشته و دانشکده داریم در حالی که می‌دانیم این موضوع، موضوعی است که این همه گسترده است و در تمام سال‌ها ذاکران و مداحان فعال هستند؛ اما جایی که مدیریت بکنند و آموزش مداحان و ذاکران را جهت دهد و در آنجا کارهای مطالعاتی شود، نداریم. کسانی هم مانند شما در «خیمه» کار می‌کنند. خیمه یک اتفاق مبارک و خجسته در عاشوراپیرومی است.

دارد و نسل‌ها می‌آیند و از آن بهره می‌گیرند. طبیعی است چنین حادثه و فرهنگ زنده و زاینده‌ای، نیازمند مطالعه و بررسی است. چون آبشخور نسل‌ها و حرکت‌ها در آینده خواهد بود؛ هم‌چنان که در گذشته بوده است. یعنی هرگز کربلا در کربلا نماند و عاشورا در یک روز متمرکز نشد که به عکس زمان‌ها و مکان‌ها را در نوردید و به امروز رسید؛ امروز هم داریم با آن زندگی می‌کنیم. و چون کلاس فشرده‌ی تاریخی است که مسائل خودمان را می‌توانیم از آن برداشت کنیم، باید در این حوزه مطالعه کرد. به ویژه این که آفت‌ها هم به درون این حوزه راه یافته است. بنابراین برای آسیب‌زدایی از این عرصه باز نیازمند کار مطالعاتی و پژوهشی هستیم. پس هم به اعتبار نیاز اجتماعی و تاریخی و هم به اعتبار تحریف‌زدایی و آسیب‌زدایی از این حادثه باید کار کنیم.

اما خود ما چه کردیم؟ برپای دوره‌ی مطالعاتی دربارہ‌ی کربلا از گذشته با همه وجود حس می‌کردم. می‌دیدم مردم مشتاقانه می‌آمدند و پای این مباحث می‌نشستند. بسیاری چیزها مطرح می‌شود که بنیان تاریخی ندارند. بعضی حتی با مسلمات اعتقادی و دینی ما در تعارض و تناقض هستند. هر کس هم به راحتی به خود اجازه می‌دهد وارد این عرصه شود؛ بدون این که مانعی باشد و جایی باشد که بر مسئله منبر و وعظ و خطابه نظارت کند. به نظر من رسید ابتدا خودم در این مسئله به خوبی مطالعه کنم. سال‌ها مطالعه کردم و پیوستارهای لازم این موضوع را شناختم. قرآن، تاریخ اسلام، تاریخ انبیاء و بعد هم باید به طور روشن و مشخص حوادث بعد از بعثت پیامبر تا وقوع کربلا را به خوبی تحلیل می‌کردم؛ چون کربلا از میان آن سر بر می‌آورد. عاشورا نتیجه‌ی حرکت‌های انحرافی است که بعد از عصر پیامبر (ص) اتفاق می‌افتد. البته بعد از بعثت پیامبر (ص) هم می‌توان آن را رصد کرد. روی این مسئله مطالعه و کار کردم. و بعد احساس کردم که برای آموزش و سمت دادن به مخاطبان و خواهندگان این عرصه نیازمند یک سازمان‌دهی هستیم. یعنی باید از یک نظام و تشکیلات تبعیت کنیم. همین اندیشه مرا واداشت که مرکزی را به کمک دوستان دایر کنم - که البته کار را واقعاً دوستان انجام دادند - پس از آن بود که «مرکز پژوهش و نشر فرهنگ عاشورا» تأسیس شد. در آن جا

مباحث کاملاً تحلیلی و تحقیقی، باز شناخت منابع و مآخذ، یک دوره‌ی بحث مداحی و

خان در آغاز جزو کسانی بود که در محافل ظاهر آشورت می‌کرد و خود را سوگوار نشان می‌داد. شاه هم همین‌طور بود و در مجلسی که در مدرسه سپهسالار آن موقع برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد. آن‌ها می‌دانستند که این حادثه توانی دارد که می‌تواند حکومت‌شان را متزلزل کند و روح عاشورا هم‌ساز با بیداد و بی‌عدالتی نیست؛ اصلاً ابا عبد الله پرچم مبارزه را با ظلم را برافراشته است. لذا سعی کرده‌اند اگر بتوانند، این جنبه از واقعه را تهی کنند. اول مقابلش ایستادند و وقتی دیدند نمی‌شود کاری کرد، گفتند جریانی را بسازیم و آدم‌هایی را تربیت کنیم که آن‌چه ما می‌خواهیم بگویند و به تریبون و رسانه ما تبدیل شوند. البته توفیقی به دست نیاورند و در استمرار و ادامه دیدیم که اصلاً کربلا ذاتش به گونه‌ای است که هر کاری کنید و به هر شکل که بخواهید هدایتش کنید، باز هم رویش، جوشش، گرما و حرکت بخشی را در متن خود دارد.

■ **نظر تان در باره‌ی دوره‌هایی شبیه به سفیران هدایت و تربیت راهنما در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و همایش‌های مبلغان چیست. آیا آن‌طور که باید باشد هست؟**

- چند دسته برنامه داریم. یک دسته کاملاً فصلی هستند مثل دیدار و عاظ و مبلغان در اوائل ماه محرم در گذشته با حضرت امام و اکنون با مقام معظم رهبری. دیداری هست و بعد این‌ها حرکت می‌کنند به گوشه و کنار کشور برای کارهای تبلیغی. گاهی هم دوره‌هایی گذاشته می‌شود. هیچ کدام از این‌ها جواب نمی‌دهد. باید به طور روشن و مشخص مبلغ تربیت کنیم. باید شیوه‌های ارتباط با مخاطب را بدانند. حتماً باید در



دوران مطالعاتی خود با مباحث روان شناختی آشنا شوند و مردم شناسی واقعاً لازم است. تکنیک‌های خطابه جزو آموزش‌ها باید باشد. تاریخ‌شناسی جزو کار این مبلغان باید باشد. مقتل خوانی و مقتل‌شناسی فنی است که باید آموزش داده شود. این که باید جایی مسئولیت این کار را به عهده بگیرد و برای این یک کار خاص تلاش کند، خلأش را حس می‌کنم. هر چند ممکن است سازمان تبلیغات در این زمینه قدم‌هایی برداشته باشد یا بسته و گریخته در مجموعه‌های دیگر کارهایی دیده می‌شود. اما به عنوان مثال یک طلبه - در شماره اخیر خیمه هم به این مسئله اشاره شده بود - هنوز یک سال و دو سال از حضورش در حوزه نگذشته و با توجه به این که مباحثی که دریافت می‌کند ممکن است ربطی به منبر و خطابه نداشته باشد، به راحتی به خود اجازه می‌دهد بر منبر بنشیند و حرف بزند. این منبر رسول الله و تربیون رسمی دین است. کسانی باید در آن جا بنشینند که به موضوع اشراف داشته باشند و به سؤالات احتمالی بتوانند جواب دهند. نیاز نسل امروز که نسل بالنده و فرهیخته‌ای است و به حداقل‌ها بسنده نمی‌کند. نسل امروز پرسشگر است و بی‌پروا سؤالش را می‌پرسد و اگر ببیند چیزی به دستش نمی‌رسد به راحتی رها می‌کند و می‌رود. یک نکته‌ی بسیار خوبی را در این زمینه مقام معظم رهبری مطرح کردند که نگذارید یک وقت مخاطبان شما وقتی وارد مجلس می‌شوند (البته خطاب عام بود) وقتی بیرون می‌روند نه تنها گره ذهنی‌شان باز نشده باشد بلکه حتی در دین دچار تردید شده باشند. وقتی ما یک بخش را بد مطرح می‌کنیم، ممکن است به کل تسری پیدا شود و در کلیت دین دچار تزلزل شوند. باید حتماً مراقب باشیم. بنابراین حتماً دوره‌های آموزشی لازم است. اعتقاد این است که باید دانشکده‌ای برای این کار باشد. یا پژوهشکده‌ای که بخشی از کارش پژوهش و آموزش‌های کاملاً تخصصی باشد. حتی باید مشخص باشد که یک مداح دوره‌ی آموزشی گذرانده است یا خیر. بعضی از این‌ها حتی در خواندن یک روایت ساده یا آیه‌ی قرآن دچار مشکل هستند و خیلی راحت می‌آیند و چند هزار نفر مخاطب آن‌ها می‌شوند و حتی در تلویزیون چند میلیون نفر مخاطبشان هستند؛ در حالی که صحبت‌هایش نه استنادی دارد، نه استحکامی و نه انسجامی.

■ در حال حاضر به طور مصداقی چه آسیب‌هایی متوجه شیوه‌های تبلیغی عاشورا است و چرا علی‌رغم موضع‌گیری‌های اساتید و علما در برابر ناهنجاری‌های موجود نتیجه‌ی آرامش بخشی حاصل نمی‌شود؟ چرا هنوز در میان مداحی‌ها شاهد مباحثی هستیم که مناسب و مطلوب نیست؟

- بعد از آن سخنرانی مقام معظم رهبری که البته یک بار نه، چندین بار هشدار دادند، گاه در سخنرانی و نشست‌هایی که با مداحان و ذاکران داشتند و گاه با وعظ و مبلغان و گاه در خطبه‌های نماز جمعه مطرح کردند، دردمندان دلسوز دین مثل مراجع تقلید بارها به این مسائل تکیه کردند و این تحریف‌ها را گوشزد کردند که مراقب باشید. این فضا کم‌کم زمینه‌هایی را در جامعه ایجاد کرد که جامعه حساس شود و البته نتایج بسیار خوبی داشت. اگر محرم پارسال را ببینید، برخی از آسیب‌ها زود شده شد مثل تمثال‌ها و تصویرهایی که خیابان‌ها را پر

ما حساس به این موضوع هستیم که مجلس خبرگان آثاری تدوین کند و دوره‌ای آموزشی بگذارد و جایی را برای این موضوع اختصاص دهد؛ ما که چنین چیزی ندیدیم. آقایان خیلی مشغله دارند. بالاخره گرفتاری‌های کار، تدریس، موقعیت‌های مختلف و سخنرانی مجال را از ما می‌گیرد که تمرکز داشته باشیم.

کرده بود و کربلا را تبدیل می‌کرد به همین مسائل صوری و ظاهری که این‌ها برچیده شد. این اتفاق خیلی خوبی بود. در محرم سال گذشته نوحه‌ها عمق پیدا کرد. دیگر از آن نوحه‌های سطحی و آزار دهنده‌ای که سال‌های قبل بعضی مداحان می‌خواندند و ترانه‌های لس آنجلسی را تداومی می‌کرد و بار معنایی نداشت و حتی وهن به ساحت اهل بیت و بزرگان کربلا بود، خبری نبود. این‌ها اتفاقات خیلی خوب و لازمی است؛ اما کافی نیست. متأسفانه عمده‌ی این مسائل عیب بزرگ‌شان انفجاری بودن است. آقای خاتمی طرح کرد و قرار بود مجلس خبرگان هم این موضوع را دنبال کند. فکر می‌کنم کاری نشد. چون اگر می‌شد بالاخره ما باید اطلاع پیدا می‌کردیم. ما حساس به این موضوع هستیم که مجلس خبرگان آثاری تدوین کند

و دوره‌ای آموزشی بگذارد و جایی را برای این موضوع اختصاص دهد؛ ما که چنین چیزی ندیدیم. آقایان خیلی مشغله دارند. بالاخره گرفتاری‌های کار، تدریس، موقعیت‌های مختلف و سخنرانی مجال را از ما می‌گیرد که تمرکز داشته باشیم. موضوع آن قدر مهم و جدی و اساسی است که حتی نمایندگانی از مسئولین بزرگ باید با هم یک نشست داشته باشند و چاره‌اندیشی کنند. اعتقاد این است که مثلاً نماینده مجلس خبرگان، نماینده‌ای از دفتر رهبری، یک نماینده از سازمان تبلیغات، ارشاد، شورای عالی انقلاب فرهنگی، حوزه‌ی علمیه و سایر ارگان‌هایی که درگیر این مسئله هستند، باید با هم بنشینند و با یک سازمان دهی به این موضوع کلیدی و اساسی بپردازند. از شما می‌پرسم ماه محرم و صفر چقدر مخاطب پای تربیون نشستند؟ می‌دانیم که تربیون‌های مختلفی مثل مساجد، حسینیه‌ها، هیئات، زینبیه‌ها کار می‌کنند. جالب است که در طول سال هم وجود دارد. چون قصه اباعبدالله را در هر زمان بگویید، تازه است و باورمان این است که همه محافل مان نمکش ذکر اباعبدالله است. این رسم بوده و هست و رسم مطلوبی است. «شهید مطهری» حتی در آن روزگار در محافل روشن‌فکری یک الزام برای خود قائل بود که در پایان منبرش یک گریز به کربلا بزند. به نظر می‌رسد باید جمعی خردمندانه فرایندی، همه‌سویگرانه و با بهره‌گیری از همه امکانات برای چنین موضوعی بنشینند و چاره‌اندیشی کنند. خود شما می‌توانید خیلی نقش اساسی داشته باشید. جای این موضوع را باز کنید و هر بار به این مسئله بپردازید. حتی سراغ برخی چهره‌های شاخص بروید. برای مصاحبه نزد آقای خاتمی بروید و درباره



- بعضی از کلاس‌ها که اساتید آن‌ها شخصیت‌های شناخته شده و متخصص هستند نتیجه‌ی خوبی داشته‌اند ولی برخی دکان است که باز شده. جایی زده بود که «آموزش مداحی در سه جلسه!» خوب این معلوم است که دکان باز کرده. در سه جلسه چه می‌شود آموزش داد؟ خواستگاران جامعه کم نیستند. در مزارها خیلی از عنصر ذاکر استفاده می‌شود. مجالس تر حیم. دعای ندبه، دعای کمیل و توسل که برگزار می‌شود و خیلی طرفدار هم دارد. ممر معاش و درآمدی هم برای بعضی هست و بعضی هم استقبال می‌کنند. ولی آن‌چه در این دوره‌ها باید اتفاق بیفتد غیر از این هاست. یکی از آفت‌های موجود همین کلاس هاست که هیچ نظارتی بر آن وجود ندارد؛ نه از سوی ارشاد و سازمان تبلیغات و نه هیچ مرکز دیگری. من سخت دل به کاری که شما انجام می‌دهید بسته‌ام. چون یک هوشمندی، دقت، تعهد و اخلاص در پشت کار شما هست و من منتظرم این شاء الله با گسترش شعاع کار، خیمه بتواند در سطحی گسترده‌تر مخاطبان خود را پیدا کند. اما متأسفانه شمارگان "خیمه" کم است؛ چراکه "خیمه" باید به همه جا برسد و همه استفاده کنند. با توجه به مباحثی که به طور سازمان یافته مطرح می‌کنید به نظر می‌رسد یکی از منابع ارزشمند آینده، نشریه خیمه خواهد شد. تقاضا دارم یک برنامه‌ریزی برای آینده بکنید مثلاً بگویید در ۵ سال آینده با شناختی که از آسیب‌های این حوزه داریم ما به این مباحث خواهیم پرداخت. بگذارید خروجی‌های شما تعداد زیادی کتاب شود. مثلاً شما وقتی در مورد شعائر بحث می‌کنید، مجموعه‌ی این‌ها در آینده تبدیل به یک کتاب شود. شما خیلی جدی و محکم و سنجیده بحث زیارت عاشورا را از منظرهای گوناگون مطرح کرده‌اید و حتی رفته‌اید سراغ کسی که در بحث خارج موضوع زیارت عاشورا را مطرح کرده‌است. این کار خیلی ارزشمندی است. مجموعه‌ی این مباحث تبدیل به یک کتاب علمی ارزشمند می‌شود که به نیاز پژوهشگران در این حوزه پاسخ خواهد داد. ■

موفق شود. اگر این رانداشته باشد ولو ابعاد دیگر رانداشته باشد نمی‌شود. تخلق به اخلاق اسلامی و برخی ویژگی‌های مناسب دیگر. حتی صورت ظاهری فرد هم مهم است؛ چون مردم با این چهره ارتباط برقرار می‌کنند. واحدهای درسی عمومی مثل عربی و قرآن و آشنایی با حدیث و منابع حدیثی. مباحث خاص هم مثل: شناخت دعا و زیارت بخوانند. قرار است این افراد دعا و زیارت بخوانند. شناخت جغرافیای اسلامی. کربلا و نجف کجاست و حوادثی که در این جغرافیا اتفاق افتاده را باید بشناسد تا بحث را غلط طرح نکنند. تاریخ اسلام و به خصوص مقتل هم جزء این مباحث هستند. همچنین شناخت موسیقی و مقامات موسیقی و نیز شعر و ادبیات آیینی. مثل تعزیه. جزء برنامه‌های آموزشی است که مجموعاً ۱۳۶ واحد است. با همه تلاشی که دوستان مادر هیأت رزمندگان اسلام داشتند کار پیش نرفت. بحث‌هایی شد که این کار باید در کجا اتفاق بیفتد. آیا کاری

جایی زده بود که «آموزش مداحی در سه جلسه!» خوب این معلوم است که دکان باز کرده. در سه جلسه چه می‌شود آموزش داد؟ خواستگاران جامعه کم نیستند. در مزارها خیلی از عنصر ذاکر استفاده می‌شود.

از جنس حوزه است؟ برخی می‌گفتند چون مداحان سنخ کارشان تبلیغی است بنابراین باید حوزه این کار را مدیریت کند. عده‌ای می‌گفتند که چون کار دانشگاهی و تعریف شده است و بخشی از کارش مثل موسیقی از کار حوزه جد است، بهتر است که در جایی دیگر باشد. ولی نظر من تلفیقی است. یعنی این را مجموعه‌های حوزوی و دانشگاهی باید با هم مدیریت کنند؛ نه این که صرفاً حوزوی و یا صرفاً آکادمیک باشد. باید هر دو سورا دید. بخشی از واحدهای درسی منابع‌شان به گونه‌ای موجود است که از همین منابع با اندکی تسامح می‌توان استفاده کرد. ولی برای برخی از واحدها در حال حاضر کتابی وجود ندارد و باید بعداً تولید شود.

■ نظر شما درباره‌ی کلاس‌های مداحی‌ای که به شیوه‌ی معمولی برگزار می‌شود چیست؟

ی پیگیری موضوع بپرسید. بپرسید شما روزی این را طرح کردید و الان چه شد؟ آقای امامی کاشانی شما در خطبه به این موضوع اشاره کردید، آقای جنتی و... چه شد؟ چه کسی باید این کار را پیگیری کند؟ رئیس سازمان تبلیغات؟ مدیر حوزه علمیه؟ یا... به گمان من می‌شود این بحث رازنده نگه داشت و طرح کرد و مطمئنم که می‌توان برای این کار زمینه‌ی مناسب را فراهم کرد.

■ آیا درباره‌ی گرایش‌هایی که رشته‌ی عاشورا پژوهی می‌تواند داشته باشد و همچنین درباره‌ی نحوه‌ی گزینش دانشجویان این رشته فکری کرده‌اید؟

- آن‌چه تدوین کرده‌ام دوره‌ی کارشناسی ادبیات و هنر آیینی است با تعداد واحدهای مشخص و سرفصل‌هایی که منطبق با شیوه‌های تدوین یک رشته درسی دانشگاهی است. ۱۳۶ واحد را تدارک دیده‌ام و حتی آماده‌ام دوره‌ی کارشناسی ارشد و دکتری‌اش را هم آماده کنم و تا به حال کمی هم پیش رفته‌ام. اما چون دیدم کسی نیست در این زمینه کمک کند، کار متوقف شد. البته آقای «آهنگران» و مداحی در هیأت رزمندگان کمک کردند. حتی صحبت‌هایی با آقای «خاتمی» و «پناهیان» داشته‌ایم و نظرشان را داده‌اند و در پی آن اصلاحاتش را انجام داده‌ام. قصد من از این کار تدوین رشته درسی آموزش مداحان و ذاکران است. به طور طبیعی برای ورود باید یک شرایطی را قائل باشیم. این است که شرایط خاص و عامی در این جا وجود دارد. عام مثل داشتن پپلم و موفقیت در آزمون. اما شرایط خاص مثل استعداد صدا داشتن چون مداحی سر و کارش با صداست و باید تست صدا بدهد و

نگاه به نقش ارتباطات سنتی در دنیای مدرن امروز

دکتر محمد مهدی فرقانی ★

حالی آنها را ترویج و تقویت می‌کند. غالباً میان فردی و چهره‌به‌چهره است و ساخت و محتوای نخبه‌گریز و عوام‌گرا دارد. در این نوع ارتباطات، دریافت باز خورد و عکس‌العمل مخاطب سریع و آنی است و ارتباط دوسویه و متقابل نیز به راحتی برقرار می‌شود. بنابراین، شبکه ارتباطات سنتی، اغلب به معنای واقعی، ارتباطی (دوسویه) عمل می‌کند و نه رسانه‌ای (یک‌سویه).

نقش ارتباطات سنتی در جنبش‌های اجتماعی
ارتباطات سنتی، به‌ویژه بخش مذهبی آن در مقاطع مختلفی از تاریخ دو قرن اخیر ایران، نقش و کارآیی خود را به ظهور رسانده است. البته این بدان معنا نیست که زمینه‌های عینی جنبش‌های اجتماعی را نادیده بگیریم و ارتباطات سنتی را عامل پیدایی یا نضج آنها بدانیم. هدف، بازنمایی نقشی است که شبکه ارتباطات سنتی در شکل‌گیری و تکوین جنبش‌های معاصر ایران ایفا کرده است. همچنین توجه به این نکته ضروری است که به طور کلی میان ارتباطات سنتی و رسانه‌های کوچک باید تمایز قائل شد، زیرا در ارتباطات سنتی، اصولاً استفاده از تکنولوژی به مفهوم امروزی آن مورد نظر نیست و این نوع ارتباطات غالباً از نظر طبقه‌بندی در زمره ارتباطات میان فردی و گروهی قرار می‌گیرند

از نفوذ، اعتبار و کارآیی لازم برخوردار نیستند و شاید نتوانند اعتماد، همراهی و همدلی عمومی را به نحو مطلوب جلب کنند. شاید کار بزرگ امروز آشتی دادن و در خدمت یکدیگر قرار دادن این دو نظام و در عین حال تفکیک ویژگی‌ها، نقش‌ها و کارکردهای هر کدام به طور مستقل به‌ویژه در کشورهای است که پیشینه تاریخی، فرهنگی و تمدنی گرانقدر، اصیل، خلاق و کارآمد دارند؛ چیزی که به جرأت می‌توان گفت در بسیاری از کشورها مورد غفلت قرار گرفته و به عمد یا به سهو به حاشیه رانده شده است. شناخت کارکردها و قابلیت‌های شبکه ارتباطات سنتی، در کنار شبکه ارتباطات همگانی و نیز فناوری‌های نوین ارتباطی امکان بهره‌گیری از آن را در جهت اهداف توسعه ملی فراهم می‌سازد.

تعریف ارتباطات سنتی

ارائه یک تعریف جامع و مانع از ارتباطات سنتی چندان ساده نیست؛ اما می‌توان حتی به یک تعریف اولیه از آن نیز دل بست؛ به این امید که صاحب‌نظران با ارایه دیدگاه‌های خود آن را کامل کنند. بر این اساس، تعریف زیر ارائه می‌شود:

«ارتباطات سنتی به گونه‌ای از ارتباطات اطلاق می‌شود که بر پایه باورها، تاریخ، فرهنگ و عقاید عمومی جامعه شکل گرفته و در عین

ارتباطات سنتی به مفهومی که مورد نظر در این مقاله است، به طور عمده به ارتباطات انسانی، شفاهی، چهره‌به‌چهره و بی‌واسطه فردی و گروهی اطلاق می‌شود که به‌رغم ظاهر ساده و ابتدایی می‌تواند کارکردهای پیچیده و متنوعی داشته باشد. این نوع ارتباطات گرچه به دلیل گسترده و پیچیده شدن جوامع انسانی کارکرد گذشته خود را از دست داده‌اند، اما هنوز هم از نفوذ و اعتبار خاصی برخوردارند، زیرا به طبیعت انسانی و نیازهای عاطفی و معنوی او نزدیک‌ترند. در عین حال ارتباطات نوین نیز هر جا بر اساس زیرساخت‌های ارتباطات سنتی شکل گرفته‌اند، موفق‌تر و کارآمدتر بوده‌اند.

این نوع ارتباطات در گذشته و پیش از پیدایی وسایل ارتباطی جدید تنها وسیله اطلاع‌رسانی، مبادله پیام‌ها و برقراری ارتباط بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی بوده‌اند و در جوامعی که به لحاظ پیشینه تاریخی دارای نظام منسجم و کارآمد ارتباطات سنتی بوده‌اند، تأمین نیازهای اطلاعاتی از طریق این شبکه برای عموم مردم به نوعی فرهنگ و عادت تبدیل شده است. به همین دلیل در کشورهایی که ارتباطات نوین بی‌توجه به چنین پشتوانه و پیشینه‌ای و بدون استفاده از عناصر موثر ارتباطات سنتی شکل گرفته‌اند،

می‌کرد و موثرترین شیوه‌ها و وسیله‌های ارتباطی را به کار می‌گرفت.

ارتباطات سنتی ما از آنجا که عمدتاً، ارتباطات میان‌فردی، چهره‌به‌چهره و گروهی بوده است، همواره با دریافت سریع عکس‌العمل و بازخورد مخاطب، موثرترین تاکتیک را برای نفوذ و اقناع انتخاب می‌کرده است و انعطاف لازم را برای تغییر بافت و محتوای پیام و تشدید تاثیر بر مخاطب از خود نشان می‌داده است. حتی در مواردی لحن سخنرانی‌ها، وعظ و خطابه‌ها، نقالی‌ها و شاهنامه‌خوانی‌ها با توجه به شور و حال و هیجان مستمعین تغییر می‌کرده و با استفاده از علایق و اعتقادات مردم، شکل مناسب خود را می‌یافته است.

شاید از همین روست که در هر خیزش و جنبش اجتماعی در طول تاریخ و حتی در عصر ارتباطات الکترونیکی، حضور مستقیم و موثر شبکه پر تنوع و گسترده ارتباطات سنتی را آشکارا می‌توان دید و نیز می‌توان نقش و تاثیر آن را با همه دشواری‌هایی که به خاطر شفاهی بودن و کلامی بودن این نوع ارتباطات برای بررسی وجود دارد، مورد مطالعه قرار داد.

مسجد و منبر، تکیه و حسینیه، مجالس روضه‌خوانی، وعظ و خطابه، بازار، قهوه‌خانه، زورخانه، عتبات و مراکز متبرکه و حریم امن حرم‌ها عمده‌ترین مراکز ارتباطات سنتی بوده‌اند که در گردآوری مردم، ایجاد ارتباط، همدلی و همفکری در میان آنها، شکل دادن و تفهیم منافع مشترک جمعی و در نهایت، آگاه کردن توده مردم از خوب و بد آنچه در پیرامون آنها می‌گذرد، حتی تا امروز نیز جایگاه مهم خود را حفظ کرده‌اند.

مراکز و نهادهای ارتباطات سنتی

مراکز و نهادهای ارتباطات سنتی متعدد و متنوع‌اند و به‌ویژه تا قبل از پیدایش وسایل ارتباطی نوین و به‌ویژه پیش از روی کار آمدن رادیو و تلویزیون، پرتعدادتر و در برخی زمینه‌ها کارآمدتر بودند. عمده‌ترین مراکز ارتباطات سنتی عبارتند از: مساجد، تکایا و حسینیه‌ها، مجالس روضه‌خوانی و وعظ و خطابه، حوزه‌های علمیه، بازارها، قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها، عتبات متبرکه، حمام‌های عمومی، میدان‌گاه‌ها و بازارچه‌های محلی، کاروانسراها و نیز شب‌نشینی‌ها و دیدو بازدیدهای دوره‌ای میان افراد خانواده، دوستان یا اهالی یک محل و منطقه. هر کدام از این مراکز، در طول تاریخ، کارکردهای خاص خود را داشته‌اند و در عین حال در بسیاری از مواقع به‌ویژه

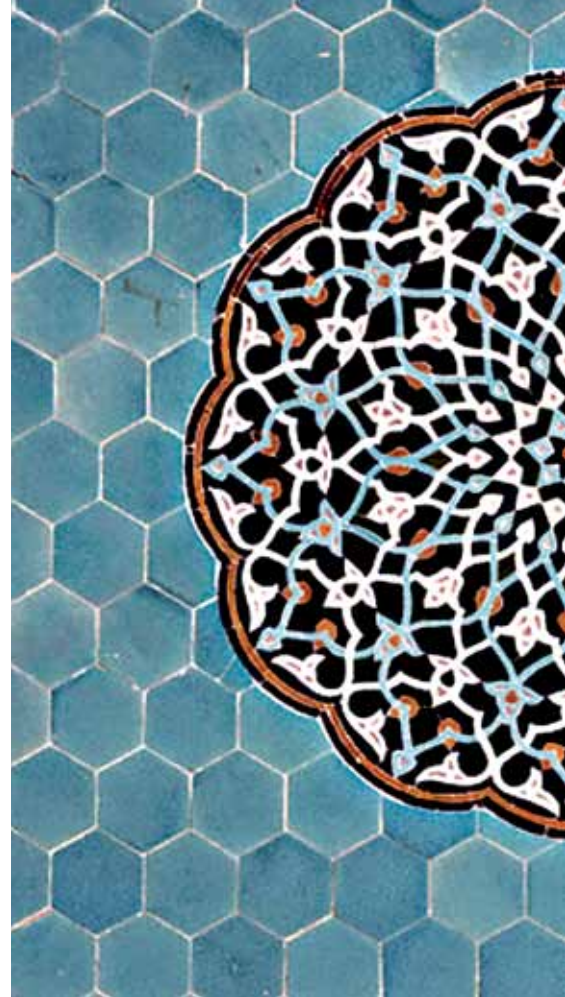
بر خوردارند که در صورت آگاهی هوشیارانه نسبت به آن می‌توانند شبکه ارتباطات مدرن و مستقل را به منظور پاسخگویی به نیازهای ملی و تاریخی خود پی‌ریزی کنند. در کشور ما ارتباطات سنتی از دیرباز و حتی قبل از ورود اسلام به ایران، از کارایی و نفوذ قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. بازارها، میدان‌های عمومی، کاروانسراها، چاپارخانه‌ها، حمام‌های عمومی، شب‌نشینی‌ها و مهمانی‌های دوستانه و خانوادگی و حتی شیوه و سبک معماری شهرها که در آنها از بازارچه‌های محلی، سکوها و مکان‌هایی که افراد یک محله در اوقات فراغت گردهم می‌نشستند و به مبادله اخبار و اطلاعات می‌پرداختند، استفاده می‌شد. محل‌های تجمع نظیر قهوه‌خانه‌ها از جمله اجزای این شبکه هستند که از دیرباز در این آب و خاک، نقش اجتماعی و ارتباطی خود را ایفا می‌کردند.

بعد از ورود اسلام به ایران، ارتباطات سنتی ما دارای نهادها و سازمان‌های وسیع‌تر، کارآمدتر، منسجم‌تر و متناسب‌تر با نیازهای زمان شد و ارتباط‌گرانی زبردست و ماهر شبکه ارتباطی گسترده‌ای را در سطح کشور پدید آوردند که تا اعماق جامعه ریشه دوانید.

ارتباطات سنتی در روزگاری که هنوز از وسایل ارتباطی مدرن نشانی نبود،

شاید بیشترین پیوند و ارتباط بین مراکز ارتباطات سنتی مذهبی از قبیل حوزه‌های علمیه، مساجد و تکایا و مجالس وعظ و خطابه را با بازار بتوان یافت که در طول ادوار مختلف به دلایل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نه تنها سست نشده، بلکه مستحکم‌تر نیز شده است.

موثرترین، دقیق‌ترین و در عین حال جذاب‌ترین شیوه‌های ارتباطی را به کار می‌گرفت؛ محتوای پیام‌های خود را از نیازها و مصالح مخاطبان برداشت می‌کرد؛ آنها را پرورش می‌داد و پیام‌های مناسب را برای آنها می‌ساخت و بدین ترتیب وحدت ملی و ایدئولوژی یک را حفظ می‌کرد؛ آگاهی‌های وسیع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به مخاطبان می‌داد و کوتاه‌ترین راه را از منبع پیام تا ذهن مخاطب انتخاب



ولی در رسانه‌های کوچک، نظیر نوار کاست و سیستم‌های صوتی، تکنولوژی‌های جدید نیز به کار گرفته می‌شوند. بنابراین شاید بتوان آنها را به دو نوع رسانه‌های کوچک سنتی و رسانه‌های کوچک نوین تقسیم کرد.

اما باید اذعان کرد که امروزه دیگر ارتباطات سنتی نیز نمی‌تواند بدون استفاده و کاربرد تکنولوژی‌های جدید، نفوذ و تاثیر خود را در رقابت با رسانه‌های الکترونیکی و رسانه‌های نوین همچون گذشته حفظ کند. بنابراین، استفاده از تکنولوژی‌های جدید و در عین حال ساده در ارتباطات سنتی امری تقریباً اجتناب‌ناپذیر شده است. در این مطالعه هر جا از ارتباطات سنتی یاد می‌شود، بیشتر ارتباط‌گران سنتی (سخنرانان، وعاظ، نقالان و...)، پیام‌های خاص ارتباطات سنتی (مذهبی، سیاسی، ایدئولوژیک، فولکلوریک و...)، شیوه‌های القا و تاثیرگذاری (وعظ، خطابه، روضه‌خوانی، نقالی و...) و حتی مکان‌های خاص ارتباطات سنتی (مسجد، قهوه‌خانه، تکیه و...) مورد نظر هستند، نه وسایل و ابزارهای مورد استفاده برای توسعه دادن حوزه انتشار آنها.

زیرساخت‌های ارتباطات سنتی

بیشتر کشورهای جهان سوم از زیرساخت‌های موثر و قدرتمندی در زمینه ارتباطات سنتی



در مقاطع حساس تاریخی به صورت یک شبکه ارتباطی مشترک عمل کرده‌اند. شاید بیشترین پیوند و ارتباط را بتوان بین مراکز ارتباطی مذهبی از قبیل حوزه‌های علمیه، مساجد و تکایا و مجالس و عظ و خطابه با بازار یافت که در طول ادوار مختلف به دلایل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نه تنها سست نشده، بلکه مستحکم‌تر نیز شده است. حتی از نظر جغرافیایی نیز معمولاً ترکیب بازار، مسجد و تکیه و حتی مدارس و حوزه‌های علمیه در یک مجموعه قرار داشته است و

اگر راه‌یابی آیین‌های مبتنی بر ارتباطات سنتی به وسایل ارتباطی نوین با مطالعات و برنامه‌ریزی‌های علمی و دقیق صورت گیرد، قادر خواهند بود تا در شناساندن فرهنگ، تاریخ، سنن و آداب و رسوم غنی نیاکان ما به نسل جوان کمک فراوانی کنند.

هنوز در بسیاری از شهرهای ایران و نیز دیگر کشورهای اسلامی می‌توان نشانه‌های روشن این همزیستی را یافت. هر یک از این مراکز ارتباطات سنتی خود یکی از نهادهای جامعه مدنی به حساب می‌آید که در زمانی که این نوع جامعه مدنی در غرب شکل نگرفته بود، در ایران با قدرت عمل می‌کرد و نقش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را به خوبی در تنظیم روابط گوناگون میان مردم و نیز بین مردم و حکومت ایفا می‌کرد. در عین حال، اگر از جنبه گرایش‌ها و صبغه‌های مذهبی به مجموعه شبکه ارتباطات سنتی نگاه کنیم، خواهیم دید که در بیشتر آنها این ویژگی مشترک است. یعنی، اگر از مساجد، تکایا و حسینیه‌ها و مجالس و عظ و خطابه و حوزه‌های علمیه - که در اصل خاستگاه مذهبی دارند - بگذریم، تمایلات و علائق مذهبی را به اشکال گوناگون می‌توان در بازارها، قهوه‌خانه‌ها و زورخانه‌ها نیز مشاهده کرد. ارتباط بازار با مراکز دینی و مذهبی و ارتباط بازاریان با علما و مراجع دینی رابطه‌ای بی‌نیاز از توضیح و استدلال است. همچنین در قهوه‌خانه‌ها، به‌ویژه آنها که دارای نقال، شاهنامه‌خوان و پرده‌خوان بوده‌اند، ذکر نام و یاد خداوند، ائمه اطهار، دعا‌های مذهبی، صلوات، توسل و نیت برای برآورده شدن حاجات معمول و مرسوم بوده است. در

زورخانه‌ها نیز اشعاری در مدح ائمه به‌ویژه مولای متقیان حضرت علی (ع) توسط مرشد در طول برگزاری مراسم ورزش باستانی با آوای دلنشین قرائت می‌شد و به طور کلی فضایی روحانی و معنوی بر آنها حاکم بود. در مورد حمام‌های عمومی نیز این نکته شایان ذکر است که در گذشته، صحن بیرونی حمام‌ها در بسیاری از اوقات، محل برگزاری نمازهای یومیه توسط افرادی بوده است که پس از استحمام فرصت را برای راز و نیاز با پروردگار مناسب می‌دانستند، اما در عین حال حمام‌های عمومی سابق را اگر چه از جمله مراکز ارتباطات سنتی می‌توان شمرد، اما نباید خصلت مذهبی را در مورد آنها به عنوان وجه غالب در نظر گرفت. بنابراین، شاید بتوان مراکز ارتباطات سنتی را به‌رغم وجوه مشترک و علائق مشابهی که دارند از حیث پایگاه اجتماعی و ایدئولوژیک به دو بخش مذهبی و غیرمذهبی تقسیم کرد. بخش مذهبی شامل حوزه‌های علمیه، مساجد و تکایا، منابر، مجالس و عظ و خطابه، عتبات و تاحدودی بازارهای سنتی است و بخش غیرمذهبی - و نه ضدمذهبی - نیز شامل قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها، حمام‌ها، بازارچه‌ها، میدان‌گاه‌ها و امثال آن خواهد بود. در بررسی نقش‌ها و کارکردهای ارتباطات سنتی، این نتیجه به دست می‌آید که شبکه ارتباطات سنتی نیز همانند رسانه‌های نوین از طریق سه‌گونه ساز و کار بر افکار عمومی تاثیر می‌گذارد. این سه زمینه عبارتند از:

- ۱- تقویت عقیده موجود.
- ۲- ساختن عقیده تازه
- ۳- تغییر عقیده و گرایش به عقیده دیگری که با عقیده قبلی متفاوت و یا حتی متضاد است.

اما در عین حال مطالعات نشان می‌دهد که ارتباطات سنتی عمدتاً به جای تغییر عقیده بر تقویت و تثبیت عقاید تأکید می‌کند و در این زمینه موفق‌تر از سایر زمینه‌هاست. به طور کلی، یکی از دلایل عمده تأثیرگذاری شبکه ارتباطات سنتی را می‌توان در همسویی آن با حرکت فکری جامعه دانست. در اشکال مختلف ارتباطات سنتی می‌توان هر دو شیوه را به‌یاری یک طرفه (مونولوگ) و دوطرفه به صورت بحث و گفت‌وگو (دیالوگ) را دید؛ ولی در مجموع شیوه یک طرفه (مونولوگ) بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیوه مزبور بر توده‌های کم‌سواد مؤثرتر است؛ ولی شیوه دوطرفه از حیث تأثیرگذاری بر افراد و گروه‌های باسواد، تحصیل کرده و پخته کارآمدتر است و به

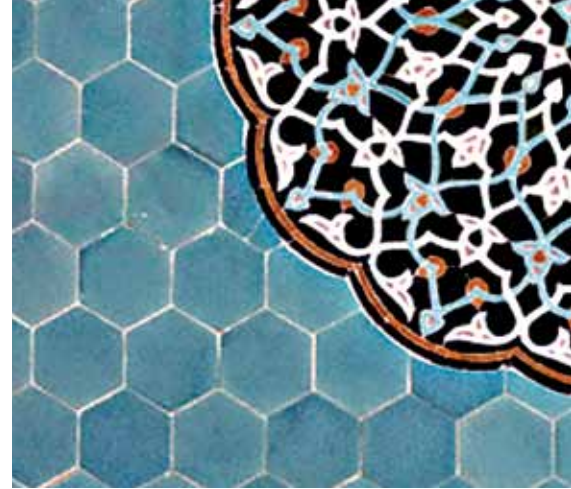
همین دلیل می‌بینیم که ارتباطات سنتی در گذشته و نیز امروز، در میان توده‌های وسیع مردم پایگاه محکم‌تری دارد.

شیوه‌های عملکرد ارتباطات سنتی

شبکه ارتباطات سنتی از شیوه‌های گوناگونی برای بیان و انتقال پیام‌های خود سود می‌برد. عظ، خطابه و سخنوری، تعزیه‌خوانی، نوحه‌خوانی، نقالی، پرده‌خوانی، شاهنامه‌خوانی، چاوشی و ... از جمله این شیوه‌هاست که صرف‌نظر از چند نوع اخیر، یعنی نقالی، پرده‌خوانی، شاهنامه‌خوانی و چاوشی، که برخی منسوخ و پاره‌ای نیز به‌شدت تضعیف شده‌اند، سایر شیوه‌ها

محتوای پیام‌های ارتباطات سنتی، به‌طور عمده ریشه در فرهنگ، باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دارد و به همین دلیل راحت‌تر و سریع‌تر جذب و پذیرفته می‌شوند.

حتی در عصر سلطه وسایل ارتباطی نوین همچنان کارایی و قدرت نسبی خود را حفظ کرده‌اند. این شبکه از آنجا که پیام‌های خود را غالباً به صورت شفاهی و از طریق ارتباط چهره‌به‌چهره یا گروهی منتقل می‌کند، از تاثیرگذاری قابل توجهی برخوردار است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از اشکال ارتباطات سنتی به‌ویژه بخش مذهبی آن و علی‌الخصوص عظ و خطابه و سخنرانی و نیز نوحه‌خوانی و تعزیه، از آنجا که به‌طور گسترده‌ای به رادیو و تلویزیون راه یافته، به نظر می‌رسد که ماندگارتر شده است. البته پخش این مراسم از تلویزیون و رادیو، دو خاصیت متفاوت می‌تواند دربر داشته باشد: الف. از آنجا که مردم قادر خواهند بود این مراسم را در خانه و جلوی تلویزیون تماشا کنند، ممکن است از میزان مشارکت و حضور مستقیم آنها در کوچه، خیابان، مسجد و تکیه که محل اجرای این آیین‌هاست، کاسته شود.



به طور عمده ریشه در فرهنگ، باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دارد و به همین دلیل راحت‌تر و سریع‌تر جذب و پذیرفته می‌شوند.

۱۱- حضور برخی از عناصر و ارتباط‌گران سنتی در میان مردم و در خصوصی‌ترین محافل آنها همچون خانه‌ها، مراسم عقد و عروسی، طلاق و نیز جلسات طرح مسایل شرعی، به این شبکه قدرتی فوق‌العاده بخشیده است؛ به طوری که بسیاری از مردم، آنها را محرم‌رازهای زندگی خود می‌دانند.

۱۲- احساس نوعی اطمینان و اعتقاد نسبت به صحت پیام‌های این شبکه و نیز صراحت این پیام‌ها که مبتنی بر اعتقادات و سنت‌هاست و هم با مشاهدات و تجربه‌های تاریخی مخاطبان هماهنگی دارد، پذیرش پیام‌های آن را ممکن‌تر و گسترده‌تر می‌سازد.

۱۳- ارتباط‌گران، نهادها و پیام‌های ارتباطات سنتی در طول یک و نیم قرن اخیر، بسیاری اوقات یا در تعارض با ساختار و نظام قدرت مستقر در جامعه بوده‌اند یا دست‌کم با آن از در سازش وارد نشده‌اند و یا خود را از آن برکنار داشته‌اند و همین امر، آنها را از و جهت و مشروعیت برخوردار ساخته است.

۱۴- عامل انسانی، احساسات و عواطف و در نتیجه تحریک‌پذیری و نشان دادن واکنش‌های سریع و آنی در ارتباطات سنتی، نقش غالباً برجسته‌ای دارند و به همین دلیل از این شبکه به منظور بسیج عمومی در مواقع لازم و نیز در زمینه امور توسعه می‌توان استفاده کرد.

۱۵- پایگاه‌ها و نهادهای ارتباطات سنتی، اغلب چندمنظوره‌اند و برای امور و مقاصد مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند، از مسجد و تکیه گرفته تا قهوه‌خانه، بازار و... بنابراین آنها نهادهای نخبه‌گرا و مردم‌گریز نیستند، بلکه بسیاری اوقات، پناهگاه، استراحت‌گاه یا محل دستیابی به آرامش، تجدید قوا و دیدارهای رودررو هستند.

۱۶- تبلیغ در ارتباطات سنتی غالباً مستقیم و صریح صورت می‌گیرد و از صفات ارزشی در آن به وفور استفاده می‌شود. افراد و اشیاء در ارتباطات سنتی مدح‌اند یا مذموم، مشروع‌اند یا نامشروع، سیاه‌اند یا سفید و معمولاً حد وسط در آن به ندرت وجود دارد. ■

به تعریفی هر چند غیر جامع از ارتباطات سنتی رسید. پاره‌ای از مشخصه‌های ارتباطات سنتی به شرح زیرند:

۱- ارتباطات سنتی، عمدتاً میان‌فردی و چهره‌به‌چهره است و از عمق، قدرت و تاثیرگذاری بیشتری بر مخاطب برخوردار است.

۲- در ارتباطات سنتی، ارتباط‌گر غالباً در معرض دید و در دسترس مخاطبان است.

۳- شخصیت، خصوصیات فردی و رفتاری، صدا و حالات چهره و قیافه در ارتباطات سنتی، نسبت به ارتباطات نوین، نقش تعیین‌کننده‌تری در موفقیت یا عدم توفیق ارتباط دارد.

۴- در ارتباطات سنتی از ابزارهای تکنولوژیک و پیچیده یا استفاده نمی‌شود و یا استفاده محدودی به عمل می‌آید و بنابراین به طبیعت زندگی انسانی نزدیک‌تر است.

۵- واژگان و فرهنگ بیان در ارتباطات سنتی

امروزه دیگر ارتباطات سنتی نمی‌تواند بدون استفاده از تکنولوژی‌های جدید، نفوذ و تاثیر خود را در رقابت با رسانه‌های نوین همچون گذشته حفظ کند. بنابراین، استفاده از تکنولوژی‌های جدید در ارتباطات سنتی امری تقریباً اجتناب‌ناپذیر شده است.

به فرهنگ توده بسیار نزدیک است و معمولاً از فرهنگ نخبگان فاصله دارد.

۶- ارتباط‌گران سنتی غالباً با مردم، در کنار آنها و در پیوند و ارتباط مستقیم با توده‌ها به سر می‌برند.

۷- منافع شبکه ارتباط سنتی، کمتر از ارتباطات نوین با منافع هیات حاکمه و بخش دولتی پیوند خورده و بنابراین از قید نظارت، سلطه و توقعات این بخش آزاد است و می‌تواند در صورت لزوم، افشاگری کند و واقعیت‌ها را بگوید.

۸- تعدد و تنوع و در عین حال غیررسمی بودن مراکز و نهادها و نیز ارتباط‌گران سنتی، امکان اعمال کنترل و سانسور را بر آنها کاهش می‌دهد.

۹- پیام‌های شبکه ارتباطات سنتی از حیث شکل و محتوا به زبان و درک مردم نزدیک‌تر است.

۱۰- محتوای پیام‌های ارتباطات سنتی،

ب. این اتفاق در عین حال می‌تواند افراد متعلق به نسل‌های مختلف را با مراسم آیینی و سنتی مزبور آشنا کند و در نتیجه با توجه به افزایش مشغله و گرفتاری‌های عمومی که خودبه‌خود از میزان حضور در جمع ارتباط‌گران سنتی می‌کاهد، آن را از فراموشی و رنگ‌باختگی نجات دهد.

برخی انتقادات و نظریات مخالف در ۲-۳ دهه اخیر بر این باور بوده‌اند که فراگیر شدن رادیو و به‌ویژه تلویزیون باعث کاهش توجه مردم و مشارکت عمومی در برخی آیین‌های ارتباطات سنتی شده است. این دیدگاه چنین نتیجه می‌گیرد که از زمانی که مراسمی همچون نقالی و شاهنامه‌خوانی در قالب برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی به مردم عرضه شده است، آنها در جایگاه‌های اصلی و سنتی عرصه را بر خود تنگ دیده و قهوه‌خانه‌ها، میدان‌گاه‌های شهری و روستایی و مراکز تجمع مردم و اجرای این قبیل نمایش‌ها، از وجود نقالان و شاهنامه‌خوانان خالی شده است. اما اگر توجه کنیم که یکی از راه‌های دستیابی به شیوه‌ها و ابزارهای مستقل ارتباطی و افزایش کارایی آنها پیوند زدن ارتباطات سنتی با ارتباطات نوین است، می‌توان نتیجه گرفت که اگر راه‌یابی این آیین‌ها به وسایل ارتباطی نوین با مطالعات و برنامه‌ریزی‌های علمی و دقیق صورت گیرد، قادر خواهند بود در شناساندن فرهنگ، تاریخ، سنن و آداب و رسوم غنی نیاکان ما که خود تکیه‌گاهی در برابر امواج تهاجم فرهنگی خارجی است، به نسل جوان کمک کنند و به جدایی و دوری تاریخی این دو نظام پایان دهند و شیوه‌های ابتکاری جدیدی را که با فرهنگ ملی و اعتقادی سازگارتر است، ارایه کنند.

برخی ویژگی‌های ارتباطات سنتی

با توجه به آنچه پیرامون ساختار، عملکرد، نقش و تاثیر شبکه ارتباطات سنتی بیان شد، می‌توان به برخی ویژگی‌های عمومی و مشترک اجزای این شبکه اشاره کرد و سپس



شمر شناسه

حامد بهشتی

بما تعملون خبیر
(التغابن ۸)

شمرها سجده بر عقیده می کنند و بنام دین، آنی را می پرستند که خود می خواهند، آنان دین را به عقیده خویش می آیند و در کشاکش ناآرامی کابوسشان عقده جاهلیت را نمایان می کنند. شمرها پیکره ظلم را بر شالوده جهالت خویش می پروراند و به آنی می اندیشند که اندیشه و عقده تاریکشان خطاب خواهد کرد... بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۱۱ القمان) ■

(بقره ۱۷). شمرها عقده عقیده را دین می انگارند و سنگ عقیده را به سینه می کوبند و آن را می پرستند... تَاللهِ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (الشعر ۹۷۱)

حاليا که امام ذات موحدی است که یادآور می شود بشر را به آنچه بر آن سوگند خورده است... السست بر یک الکریم... امام وحدانیت را می آراید و جلوه می دهد شکوه پرستش را مولای توحید است و مبشر آن.

امام شگفتی آن آرمانی است که در آن دین، حیات طیبه را معنا خواهد کرد... فَاٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَ النُّوْرِ الَّذِي اَنْزَلْنَا وَ اللّٰهِ

شمرها شهره شهوت خویش خویش اند و تشنه آب های تاریکی؛ توحید را نفهمیده و داد مسلمانی می زنند، نور ندیده و سایبان می سازند، قدم از قدم برداشته و کاروان می آریند و در کوره راه ظلم و جهل خویش ابناء بشر را به تاریکی می کشانند...

حاليا که امام مولای کرامت باران است و سیراب خشک ترین شاخه های زمین؛ چون اویی خلقت به خویش ندیده و در برابر لطافت چشمه سار دستانش دریا دریا شگفتی سر تعظیم فرو خواهد آورد. امام بشارت آر امش است دل های مشوش را و هیمنه حیرانی است در مهادز مین و آینه سیکون است در گهواره زمان... وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وُضِعَ الْكِتَابُ وَ جِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشَّهَدَاءِ وَقَضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يظْلَمُونَ (الزمر ۶۹)

شمرها وارثان شرارت اند و امام مسبوح زلال تسبیح بارانی است که ریشه حکمت را در نهاد بشر استوار خواهد کرد. امام کلمه صبح است و شمرها کتاب های تاریکی... یا من دلغ لسان الصباح بنطق تبلجه... و سرح قطع الليل المظلم بغیابه تلجلجه...

حکمت امام "دین" باوری است و جهالت شمرها "عقیده" پرستی؛ امام دین خدارا عرضه می کند و شمرها عقیده را... امام انگاره دین است و شمرها مبهوت عقیده؛ شاکله عقیده را در آهنگ شان "عقده" پرورانده است، عقده جاهلیت! شمرها دلتنگ جاهلیت اسلاف خویش اند. عقده تاریکی اعماق دل شمرها را رها نکرده و مالک آن سرزمین های خشک و لم یزرع کج فهمی است... مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جامعة



گزارش تحلیلی خیمه از علل شیوع خرافات در هیات‌های بانوان و نحوه مقابله با آنها

اگه پول هم بدی آقا بیشتر نظر می‌کنه

محمدصادق امینی

اشاره کرد که در ابتدای درس تفسیر قرآن در حرم حضرت معصومه (س) تاکید کردند: «در گوشه و کنار کشور، مجالس و محافل که معلوم نیست بر چه مبنایی استوار است، برگزار می‌شود و در آن آداب ابداعی عبادت از سوی افراد ناآگاه ترویج می‌شود که اصلاً درست نیست.» ایشان افزودند: «از جمله مراسمی که نشانه درستی ندارد، ختم سوره انعام است؛ این سوره جایگاه عظیمی در قرآن دارد، ولی این که در لابلای آن، اذکار و اورادی را بیاورند، اصلاً درست نیست.»

با توجه به ضرورت پرداختن به این موضوع، سعی کرده‌ایم در این گزارش در قالب مصاحبه با چند نفر از کارشناسان مسایل مذهبی، به کندوکاوی هر چند مختصر در مورد حضور گسترده «خانم جلسه‌ای‌ها» در جلسات مذهبی بانوان و رواج خرافات توسط بسیاری از آنها در این محافل بپردازیم.

خرافات را فقط می‌توان محدود کرد

می‌گویند خرافه همواره وجود داشته، خواهد داشت و هرگز نمی‌توان آنرا نابود کرد؛ تنها می‌توان محدودش کرد. در همین حال خرافات چیزی نیست که متعلق به یک فرهنگ یا منطقه خاص در جهان باشد. برای مثال اروپای قرون وسطی غرق در عقایدی بود که امروزه از آن به عنوان «عقاید خرافی» یاد می‌شود؛ دنیای آن زمان پر بود از جادوگران، دیوها و پری‌ها. پزشکی آنان با جادو آمیخته بود و معجزه برای آنان یک پدیده روزمره بود. در همین حال رد پای خرافات را در فرهنگ ما ایرانی‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد که اعتقاد به نحسی عدد ۱۳ یکی از آنهاست. حتی «باروخ اسپینوزا»، فیلسوف مشهور هلندی با اشاره به اینکه مردم به سختی دست از افکار خرافی برمی‌دارند و سرسختانه به آنها چسبیده‌اند، می‌نویسد: «اگر آدمیان قواعد مشخصی برای اداره امور زندگی خود در اختیار داشتند و یا بخت همیشه با آنها یار بود، هرگز به خرافات روی نمی‌آوردند، اما چون اغلب به مشکلاتی

در کمال تعجب می‌گفت هر کسی موقع مولودی خواندن بیشتر دست بزند، آقا امام زمان (ع) بیشتر به او نظر می‌کند! ولی من از همان اول که رفتم اصلاً دست نمی‌زدم. دیگران هم که دست می‌زدند، می‌گفتند هدف ما از دست زدن این است که امام زمان (عج) را خوشحال کنیم!! من می‌گفتم برای خوشحالی آقا هر کاری می‌کنم؛ ولی تحت هیچ شرایطی در مراسمی که متعلق به ایشان است، دست نمی‌زنم. جالب است که این «خانم جلسه‌ای» در حین مولودی خواندن چون ایستاده بود و تمام اعضای بدنش را تکان می‌داد، حرکاتش بیشتر به رقص شبیه بود. بعد که دست زدن و دف زدن تمام شد همان خانم گفت برای آنهایی که می‌خواهند حاجت بگیرند این دف را می‌چرخانیم، هر کسی به هر نیتی که می‌خواهد حاجت بگیرد، هر چقدر می‌تواند پول به داخل دف بیندازد تا حاجت گیرد!!! دف که به جلوی من رسید گفتم: یعنی اگر پول ندهم، آقا به من نظر نمی‌کند؟ گفت: «نه عزیزم، ولی اگه پول هم بدی، آقا بیشتر نظر می‌کنه!» پول کافی پیش خودم داشتم ولی تر جیح می‌دادم با این پول به یک انسان مستحق کمک کنم. جالب است که تعدادی از شرکت‌کنندگان در جلسه اعتراض کردند که چرا وقتی همه خوشحال هستند، تو می‌خواهی خوشحالی دیگران را از بین ببری؟! یک دو هزار تومان که چیزی نیست!! من هم بلند شدم و از مراسم بیرون آمدم.»

این داستان تنها یکی از صدها داستانی است که می‌توان در مورد رواج خرافات و بدعت‌هایی که توسط افرادی که این روزها تحت عنوان «خانم جلسه‌ای» از آنها یاد می‌شود، اشاره کرد. گستردگی رواج این خرافات به حدی بوده است که با واکنش شدید تعدادی از مراجع تقلید و بسیاری از علمای دین مواجه شده است. از جمله می‌توان به اظهارات چندی پیش آیت‌الله مکارم شیرازی



ایرانی را تشویق به استفاده از خواهران فارغ‌التحصیل شده از حوزه‌های علمیه خواهران کند و آنها را به این جهت سوق دهد که برای برگزاری مراسم مذهبی خود به حوزه‌های علمیه مراجعه کرده و از آنها تقاضای معرفی اشخاص قابل اطمینان و آگاه را نمایند.

البته حجت‌السلام رجالی تهرانی، تحقق چنین هدفی را منوط به همکاری صدا و سیما می‌داند و تصریح می‌کند: «نقش سازمان صدا و سیما و تبلیغات منظم آن خیلی مهم است. در واقع سازمانی که می‌تواند با تبلیغات منظم خود برای سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی شهرت، اعتبار و موفقیت تولید کند، اگر بخواهد می‌تواند در زمینه آسیب‌شناسی هیأت‌های زنانه و فرهنگ نیز موفق باشد. قطعاً اگر صدا و سیما در این حوزه کار کند و به این موضوع اهمیت بدهد و این مساله تبدیل به دغدغه آن شود، می‌تواند خیلی موفق عمل کرده و به کاهش آسیب‌ها در این زمینه کمک شایانی کند.»

وقتی که عرصه برای زنان غیر متخصص باز است
تحقیقات نشان می‌دهند که انواع رفتارهای خرافی مذهبی و غیر مذهبی معمولاً در طبقات پایین اجتماع، افراد دارای سطح هوشی و تحصیلی پایین و آنهايي که در محیط خانوادگی خود دارای والدین مستبد

زهرا امینایی: متأسفانه این روزها شاهد افزایش ربا و چشم و هم‌چشمی در فعالیت بسیاری از حاج‌خانم جلسه‌ای‌ها هستیم که برای جذب مخاطبان جدید به سوی خود در مقابله با سایر رقبای خود از هر حيله و ترفندی استفاده می‌کنند

و خشن هستند، شایع‌تر است. ولی یک موضوع همچنان در این میان متناقض است. در گذشته هیأت‌های بانوان به علت کمبود حوزه‌های علمیه خواهران و بالطبع کمبود مبلغان بانو هر چند وابستگی بیشتری به روحانیون آقا داشتند، ولی در همین حال بیان مطالب غیر مستند و خرافی در آنها بسیار کم بوده است. ولی در حالی که امروزه در جامعه، بانوان زیادی از حوزه‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند و در همین حال میزان تحصیلات دانشگاهی زنان نیز در مقایسه با گذشته به شدت افزایش پیدا کرده، چرا شاهد یک نمودار تصاعدي در بیان خرافات در هیأت‌های بانوان هستیم؟

آگاهی هستند، مدعی ارتباط با ائمه و امام زمان (ع) هستند و از صداقت و صفای بانوان سوءاستفاده کرده و خودشان را به عنوان فردی که ارتباطات قوی معنوی و روحانی دارد، جانی‌زندند.

حجت‌الاسلام رجالی تهرانی، با اشاره به این که باید قبول کرد که بیان چنین خرافاتی و ترویج آنها در جامعه گویای این است که مسئولان و سازمان‌های فرهنگی و مذهبی در بخش فرهنگ‌سازی آن طور که باید و شاید کار نکرده‌اند، تصریح می‌کند: «وقتی شاهد رواج خرافات در مسایل مذهبی هستیم، بیش از این که بحث ناتوانی قواعد یا نیت‌های شوم در کار باشد، بیشتر شاهد کم‌کاری سازمان‌های مرتبط با این مسایل هستیم؛ بنابراین مادامی که فرهنگ‌سازی درست نشود، این آسیب‌ها نیز وجود خواهد داشت.»

نویسنده کتاب «مجلس گناه، فراموشخانه ایمان» در پاسخ به این پرسش که برای مقابله با رواج مطالب خرافی در هیأت‌های بانوان که به سبب نوع عملکرد و ماهیت‌شان امکان نظارت کمتری بر آنها وجود دارد، چه می‌توان کرد، می‌گوید: «با توجه به اینکه خیلی از خانم‌ها می‌توانند احکام و مسایل مربوط به خودشان را در هیأت‌ها و تشکل‌های دینی مخصوص به خودشان راحت‌تر سوال کنند، در اصل این که وجود هیأت و تشکل‌های دینی زنانه برای بانوان لازم است، هیچ شکی نیست. ولی در همین حال با توجه به آسیب‌هایی که این تشکل‌های خودجوش را تهدید می‌کند، باید به مسایل آنها نیز توجه نمود. برای مثال لازم است که برای هدایت هیأت‌های مخصوص بانوان از افرادی که دارای تخصص هستند و می‌توانند مسایل اجتماعی، خانوادگی، فقهی و احکام را به درستی بیان کنند، استفاده کرد تا مانع از آن شویم که اداره هیأت‌های بانوان به دست افراد غیر متخصص صورت پذیرد.»

ضرورت پررنگ شدن نقش حوزه‌های علمیه خواهران
در واقع نویسنده مجموعه کتاب‌های «آشنایی با زندگی ۱۴ معصوم (ع)» معتقد است که اگر هم‌زمان با فرهنگ‌سازی سازمان‌های فرهنگی و دینی، حوزه‌های علمیه خواهران نیز اقدام به ترتیب بانوان متخصص برای حضور فراگیرتر در هیأت‌های بانوان کنند، می‌توان آسیب‌ها را در این زمینه به حداقل رساند.

وی در این خصوص می‌گوید: «البته در کنار تلاش سازمان‌های فرهنگی و مذهبی و حوزه‌های علمیه خواهران، صدا و سیما نیز باید با یک برنامه‌ریزی مناسب، بانوان مؤمن

برمی‌خورند که قواعد موجود پاسخگوی آنها نیست، بین ترس و امید سرگردان شده و سخت زود پاور می‌شوند.»

با توجه به مسایلی که بدان اشاره شد می‌توان این پرسش را مطرح کرد که چرا چند سالی است که در برخی از هیأت‌های مذهبی مان با نوعی شیوع و رواج مطالب خرافه و غیر مستند به صورت گسترده‌تر از گذشته مواجه هستیم؟ آیا آن طور که اسپینوزا گفته، بر خورد با مشکلات و پاسخگو نبودن قواعد موجود باعث بیان و رواج برخی خرافات در برخی

نویسنده مجموعه کتاب‌های «آشنایی با زندگی ۱۴ معصوم (ع)» معتقد است که اگر هم‌زمان با فرهنگ‌سازی سازمان‌های فرهنگی و دینی، حوزه‌های علمیه خواهران نیز اقدام به تربیت بانوان متخصص برای حضور فراگیرتر در هیأت‌های بانوان کنند، می‌توان آسیب‌ها را در این زمینه به حداقل رساند

از هیأت‌های مذهبی - به ویژه در هیأت‌های بانوان - می‌شود؟ آیا ممکن است دین مبین اسلام و قرآن، کتاب آسمانی ما، برای قواعد پیچیده دنیای امروزی پاسخی نداشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش بی‌هیچ تردیدی باید گفت «خیر»؛ ولی در عین حال که به غیر ممکن بودن چنین چیزی اعتقاد راسخ داریم، باید تحقیق کرد که چرا بیان خرافات در خصوص ارتباط با ائمه و فعالیت‌های عارفان کاذب به آسانی در سطح جامعه رواج پیدا می‌کند؟

سوءاستفاده از احساسات پاک مذهبی مردم
حجت‌الاسلام «علیرضا رجالی تهرانی»، محقق و نویسنده مذهبی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «علت اینکه ما گهگاه شاهد بیان برخی خرافات در هیأت‌های مذهبی متعلق به آقایان و بانوان هستیم این نیست که قواعد ما پاسخگوی مسایل نیستند، بلکه به نظر من مشکل این است که این قواعد توسط اشخاصی بیان می‌شوند که اصلاً صلاحیت پاسخگویی و ورود به این مسایل را ندارند.»

نویسنده کتاب «یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)» با اشاره به این که چنین مشکلی در هیأت‌های بانوان در مقایسه با هیأت‌های آقایان رواج بیشتری دارد، می‌افزاید: «این روزها شاهد این هستیم که اشخاصی به بهانه این که انسان‌های



خواندن بیشتر دست بزند، آقا امام زمان (عج) بیشتر به او نظر می‌کند! ولی من از همان اول که رفتم اصلا دست نمی‌زدم. دیگران هم که دست می‌زدند می‌گفتند هدف ما از دست زدن این است که امام زمان را خوشحال کنیم!! من می‌گفتم برای خوشحالی آقا هر کاری می‌کنم ولی تحت هیچ شرایطی در مراسمی که متعلق به ایشان است دست نمی‌زنم. جالب است که این خانم جلسه‌ای در حین مولودی خواندن چون ایستاده بود و تمام اعضای بدنش را تکان می‌داد، حرکاتش بیشتر به رقص شبیه بود. بعد که دست زدن و دف زدن تمام شد همان خانم گفت برای آنهایی که می‌خواهند حاجت بگیرند این دف را می‌چرخانیم، هر کسی به هر نیتی که می‌خواهد حاجت بگیرد هر چقدر می‌تواند پول به داخل دف بیندازد، حاجت می‌گیرد!!! دف که به جلوی من رسید، گفتم: یعنی اگر پول ندهم آقا به من نظر نمی‌کند؟ گفت: نه عزیزم، ولی اگه پول هم بدهی، آقا بیشتر نظر می‌کند! پول کافی پیش خودم داشتم ولی ترجیح می‌دادم با این پول به یک انسان مستحق کمک کنم. جالب است که تعدادی از شرکت‌کنندگان در جلسه اعتراض کردند که چرا وقتی همه خوشحال هستند، تو می‌خواهی خوشحالی دیگران را از بین ببری؟! یکی دو هزار تومان که چیزی نیست!! من هم بلند شدم و از مراسم بیرون آمدم.»

بنابر اظهارات خانم امینایی تلاش برای افزایش درآمد تنها مشکل این دسته از افراد نیست؛ بلکه آنها حتی به توصیه‌هایی که به دیگران می‌کنند نیز اصلا عمل نمی‌کنند. او در این خصوص می‌گوید: «بارها شده که مشاهده کرده‌ایم یک خانم جلسه‌ای در هیأت به خانم یا دختر جوانی می‌گوید حاجت رارایت کن ولی وقتی در خیابان با دختر خودش قدم می‌زند می‌بینی که دخترش هیچ کدام از آن معیارها رارایت نکرده است! پرسش من این است که وقتی کسی به حرفی که خودش می‌زند اعتقادی ندارد، چطور می‌توان انتظار داشت که زنان و دختران جوان با مشاهده چنین صحنه‌هایی به نصیحت‌های او عمل کنند؟»

مبلغانی که هدف آنها، کسب درآمد بیشتر است
خانم «لیلا سحری» یکی دیگر از افرادی که از نحوه عملکرد این گروه از خانم جلسه‌ای‌ها ناراضی است، در این خصوص می‌گوید: «با افزایش مشکلات اقتصادی گویا خانم جلسه‌ای‌ها نیز تحت تاثیر قرار گرفته و گهگاه دچار کم‌فروشی یا کم‌کاری شده‌اند.»

خانم امینایی با ابراز نگرانی از این که بیشتر حاج خانم جلسه‌ای‌هایی که در حال حاضر در هیأت‌های زنانه فعالیت می‌کنند، مطالعات جانبی نیز نداشته و حتی سواد تعدادی از آنها زیر پنجم ابتدایی است، تصریح می‌کند: «تعدادی از این حاج خانم جلسه‌ای‌ها که در مجالس زنانه شرکت می‌کنند، آن قدر مداحی و روضه خوانی کرده‌اند که صدای آنها از زنانه به مردانه تبدیل شده و در مواردی خیلی دلخراش شده است. از همه بدتر این که نیات این افراد از فعالیت در این زمینه بیشتر مادی

حجت الاسلام و المسلمین عباس عزیزی: وقتی می‌بینیم که زنان جامعه ما از هیأت‌هایی که در منازل برگزار می‌شود، بیشتر استقبال می‌کنند ولی اگر همین جلسات در مساجد برگزار شود به آن اندازه مخاطب ندارد، باید از خودمان سوال کنیم، چرا؟

بوده و متأسفانه شاهد هستیم که تعدادی از آنها برای افزایش درآمد خود اقدام به بیان مسائلی می‌کنند که وقتی در خصوص صحت آنها به علما و روحانیون مراجعه می‌کنیم، آنها فقط ابراز تعجب می‌کنند.»

وی با ارایه مثالی در این خصوص می‌گوید: «در ولادت با سعادت امام زمان (عج) در سال جاری به یک مراسم مولودی دعوت شدم که در آن یک خانم جلسه‌ای به همراه ۲ خانم دف‌زن نیز دعوت شده بودند. این خانم در کمال تعجب می‌گفت هر کسی موقع مولودی

«زهرا امینایی»، مدیر آموزش یکی از بزرگترین هیأت‌های آموزش قرآن در جنوب غرب تهران، در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «به نظر من یکی از دلایل رشد بیان خرافات در هیأت‌های زنانه، تفاوت عملکرد زنان حوزوی و حاج خانم جلسه‌ای‌ها در نحوه برگزاری و جذب مخاطب است و متأسفانه شاهد این هستیم که مخاطبان علاقه‌مندی بیشتری به شرکت در جلسات خانم جلسه‌ای‌ها نشان می‌دهند.»

عضو بسیج پایگاه مقاومت مسجد شهید زکریا زنده‌دل، با اشاره به این که حضور خانم جلسه‌ای‌های نابلدآفتی برای ماهیت عملکرد هیأت‌های بانوان است، به ترفندهایی که بعضی از آنها برای جذب مخاطبان استفاده می‌کنند، اشاره کرده و می‌افزاید: «هر چند که در میان زنان خانم جلسه‌ای افراد صالح و شایسته‌ای نیز وجود دارند که بنابر اعتقادات قلبی خود فعالیت می‌کنند ولی متأسفانه این روزها شاهد افزایش ریا و چشم و هم‌چشمی در فعالیت دسته‌ای از این افراد هستیم که برای جذب مخاطبان جدید به سوی خود در مقابله با سایر رقبای خود از هر حيله و ترفندی استفاده می‌کنند. برای مثال یک خانم جلسه‌ای صدایش را با بلندگوزیبا می‌کند و دیگری همراه با دف زدن می‌خواند. به نظر من با چنین روش‌هایی و استفاده از ادوات موسیقی طبیعی است که زنان جوان بیشتر جذب چنین هیأت‌هایی می‌شوند تا شرکت در مراسمی که یک خانم حوزوی در آن خیلی معمولی ولی در عین حال بسیار پر محتوا مداحی می‌کند.»

آسیب‌زدایی از هیأت‌های زنانه و عناوینی از این قبیل، ما باید در مناسبت‌های مختلف مانند اعیاد مذهبی جلسات تشویقی برگزار کرده و خانم جلسه‌ای‌های موفق را که توانسته‌اند بدون مطالعه در حوزه‌های علمیه خواهران و یادگیری علمی شیوه‌های تبلیغ، گروهی را تحت تأثیر قرار داده و هدایت کرده‌اند، تشویق کنیم.»

به باور استاد عزیزی، هر چند مقابله با چالش‌های بوجود آمده با استفاده از این شیوه، ممکن است زمان بیشتری بگیرد، ولی نتایج حاصل از آن، از اطمینان بیشتری برخوردار است. وی با اشاره به این که بر خورده‌های عجولانه و باید و نبایدهای در حوزه دین نتیجه عکس دارد، تصریح می‌کند: «به نظر من، ما برای حل اساسی این معضل باید از این قالب وارد شده و کم‌کم به حل آفت‌های ناشی از این جلسات بپردازیم. درست است که بعضی از این افراد مسایل نادرستی را هم مطرح می‌کنند، ولی روحانیون و مسئولان ارگان‌های فرهنگی و مذهبی هستند که باید به آنها جهت داده و هدایت‌شان کنند تا خانم‌هایی که احساس ضعف دارند، خودشان انگیزه پیدا کرده و تلاش کنند که به راه درست وارد شوند.» به اعتقاد این مدرس حوزه علمیه قم، هرگونه اقدامی در خلاف این مسیر تنها باعث می‌شود که اذهان مردم نسبت به این افراد خراب شده و حتی ممکن است انگیزه آنها برای فعالیت‌های مذهبی از بین برود.

وی با اشاره به این که مسئولان به جای بر خورده‌های باید و نبایدهای در حوزه دین باید در تلاش برای حل ریشه‌ای مشکلات و ایجاد بستر مناسب برای فرهنگ‌سازی دینی باشند، تصریح می‌کند: «ما باید در هنگام مواجهه با هر مشکلی در حوزه دین و فرهنگ قبل از این که بخواهیم سریع واکنش نشان بدهیم، باید با مطرح کردن سؤالاتی برای خودمان سعی کنیم عواملی را که باعث ایجاد شرایط یا بروز مشکل خاصی شده‌اند، شناسایی کنیم. برای مثال، وقتی می‌بینیم که زنان جامعه ما از هیأت‌هایی که در منازل برگزار می‌شود بیشتر استقبال می‌کنند؛ ولی اگر همین جلسات در مساجد برگزار شود به آن اندازه مخاطب ندارد، باید از خودمان سوال کنیم، چرا؟»

بنابر اظهارات استاد عزیزی، وقتی در مواجهه با مشکلات اقدام به طرح سوال می‌کنیم، نشانه‌ها به تدریج آشکار شده سرچشمه مشکلات پیدا می‌شود و مشخص می‌شود که آیا مساجد و روحانیون ضعیف عمل کرده‌اند

نتیجه گرفت که این افراد نه تنها عامل صواب و خودسازی نیستند، بلکه بیشتر به عامل گمراهی و ترویج خرافه تبدیل شده‌اند و به همین علت لازم است که ارگان‌های فرهنگی و مذهبی برای جلوگیری از ادامه چنین روندی به سرعت وارد میدان شوند.

برخورد باید و نبایدهای در حوزه دین نتیجه عکس دارد

حجت الاسلام و المسلمین «عباس عزیزی» را بیشتر با داستان‌ها و حکایت‌های معروفش می‌شناسیم که با محوریت اهل بیت (ع) از منابع دست یک روایی، تهیسه و روانه بازار کرده است؛ کتاب‌هایی که شاید حجم زیادی نداشته باشند ولی سرشار از حکایت‌های ناشنیده‌ای هستند که با حسن سلیقه و انتخاب در جایی گرد آمده‌اند. حجت الاسلام

علیپور، کارشناس مسایل اجتماعی؛ ما باید گرایش معنوی به سوی مذهب را در زنان جامعه مان ارجح بنهیم؛ ولی از آنجایی که این گرایش خودجوش و بدون هیچ نظارتی به حرکت خود ادامه داده است، طبیعی است که در نتیجه عدم نظارت بر آنها برخی مشکلات نیز پیش بیاید.

و المسلمین عزیزی ضمن تذکر به این که برای مقابله با چالش‌ها و آفت‌های ناشی از اتخاذ روش‌های نامناسب، نباید بی برنامه وارد میدان شد، می‌گوید: «درست است که در نتیجه فعالیت‌های غیر اصولی برخی از خانم جلسه‌ای‌ها گهگاه روایت و مطالب غیر مستندی نیز بیان شده و موجب انحرافات شده است، ولی ما نباید به خاطر اشتباه چند نفر عملکرد تمام زنانی را که در این زمینه فعالیت می‌کنند، زیر سوال ببریم و خواستار متوقف شدن فعالیت تمام آنها شویم.»

استاد حوزه علمیه قم و مولف ۱۵۰ کتاب در زمینه‌های مختلف مذهبی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی در ادامه اظهارات خود با اشاره به این که موارد زیادی نیز وجود داشته و دارد که همین خانم جلسه‌ای‌ها در کارشان موفق هم بوده‌اند، می‌افزاید: «اصلاً این طور نیست که همه خانم جلسه‌ای‌ها مشکل داشته باشند. من معتقدم که به جای برگزاری کارگاه‌های

خانم سحری در همین خصوص با اشاره به این که وقتی کار مذهبی با هدف کسب درآمد انجام شود، نه تنها بحث کم و زیاد پیش می‌آید، بلکه دیگر نیات خالص و صواب نیز از بین می‌رود. می‌گوید: «قبلاً روحانیون در این جلسات شرکت می‌کردند و روضه می‌خواندند؛ ولی چند سالی است که تقریباً حضور روحانیون در هیأت‌های زنانه کاملاً از بین رفته است. به نظر من، یکی از دلایل کم‌رنگ شدن نقش روحانیون در هیأت‌های زنانه که منجر به بروز چنین اوضاعی شده همین خانم جلسه‌ای‌ها هستند. این خانم‌ها با این که کیفیت کارشان از روحانیونی که درس حوزه خوانده بودند، احکام می‌گفتند، سخنرانی می‌کردند و فضایل امامان را بیان می‌کردند، کمتر است، ولی در عمل دو برابر آنها پول دریافت می‌کنند. این در حالی است که خانم جلسه‌ای‌ها از همان اول که می‌آیند نه احکام می‌گویند و نه مردم را هدایت می‌کنند؛ فقط شروع می‌کنند از روی کتاب دعا خواندن و روضه خواندن و بعد سریع پول‌شان را می‌گیرند و می‌روند. پولی که بیشتر اوقات علاوه بر هزینه‌ای که صاحب مجلس باید پرداخت کند با پولی که از روضه‌هایی که برای سایر زنان حاضر در هیأت خوانده می‌شود، به بیش از ۲۰ الی ۳۰ هزار تومان در عرض کمتر از یک ساعت - برای افراد عادی و نه مشهور و معروف - می‌رسد!»

بنابر اظهارات خانم سحری، در کنار تمام این مسایل آنچه جالب است این است که این افراد چون یک بلندگو دارند، دیگر خودشان را در حد زنان حوزه رفته می‌بینند؛ ولی به اندازه آنها برای کار مایه نمی‌گذارند و وقتی ۲۰ الی ۳۰ دقیقه‌شان تمام می‌شود، می‌گویند وقتی که برای شما اختصاص داده بودیم تمام شده و باید به سرعت به جای دیگری برویم! آن هم در حالی که انتظار دارند علاوه بر دستمزدشان، هزینه آژانس را نیز برای آنها جداگانه حساب کنیم!

آن طور که خانم سحری اشاره می‌کند یک تصور اشتباه که در بین زنان به اشتباه شکل گرفته، این است که فکر می‌کنند که اگر از زنان حوزه رفته برای شرکت در مجالس‌شان دعوت کنند، باید پول بیشتری پرداخت کنند؛ ولی واقعیت این است که هزینه خانم جلسه‌ای‌ها بیشتر است. این در حالی است که زنانی که حوزه رفته باشند برای جذب مخاطب هر کاری نکرده و هر حرفی نمی‌زنند؛ ولی خانم جلسه‌ای‌ها دست‌شان بازتر است! به باور خانم سحری، با چنین اوصافی باید

یا اینکه عوامل دیگری دخیل بوده است.

همه کم کاری کرده اند

اظهارات استاد حوزه علمیه قم در خصوص تلاش برای حل ریشه‌ای آفت‌ها و مشکلات فرهنگی کشور در حالی صورت می‌گیرد که به اعتقاد وی، یکی از عوامل کم‌رنگ شدن نقش روحانیت در هدایت هیأت‌های مذهبی عدم حضور روحانیون مطلع و قدرتمند در این عرصه بوده است. حجت‌الاسلام و المسلمین عزیزی با اشاره به این که روحانیون باسواد و مطلع به دلایل مختلفی در مجالس زنانه شرکت نمی‌کنند و این بیشتر روحانیون سالخورده و نسل قدیم هستند که در این جلسات شرکت می‌کنند، می‌افزاید: «به نظر من این ایراد ماست؛ نبود روحانیون آگاه است که به افراد غیر مطلع اجازه فعالیت می‌دهد و در نهایت راه را برای بروز خرافه و شایعه هموار می‌سازد. این در حالی است که اگر روحانیون مطلع هدایت این جلسات را به دست گیرند خیلی از مسایل غلط در همان مجالس فیلتر شده و هرگز دهان به دهان به بیرون هیأت‌ها منتقل نمی‌شود. هر چند صدا و سیما و سایر سازمان‌های مسئول نیز در این زمینه عملکرد خیلی ضعیفی داشته‌اند، ولی آیا ما وارد این عرصه شده‌ایم و هدایت جریان را به عهده گرفته‌ایم که از دیگران انتظار داشته باشیم فعالیت‌های ما را پوشش بدهند؟»

خانم جلسه‌ای‌ها کیستند؟

«خانم جلسه‌ای‌ها کیستند؟ آیا آنها یک شبه رشد کرده و باعث کم‌رنگ شدن نقش روحانیت در هیأت‌های مخصوص بانوان شده‌اند؟ آیا وجود آنها یک آفت برای سیستم مذهبی ماست یا این که وجود آنها می‌تواند عاملی برای رشد و بهره‌گیری هر چه بیشتر از ظرفیت‌های موجود در هیأت‌های زنانه شود؟ من معتقدم به جای این که وقت‌مان را بر سر جدا کردن این اشخاص از خانم‌های حوزه رفته یا گرفتن جایگاه آنها و بازگرداندن دوباره اوضاع به سابق یعنی زمانی که روحانیون مرد عامل هدایت هیأت‌های زنانه بودند صرف کنیم، می‌توانیم با در کنار هم گذاشتن آنها، سه ضلع یک مثلث را تشکیل داده و برای پر کردن بخشی از خلاءهای موجود در سیستم

فرهنگی و اجتماعی مان از آنها استفاده کنیم.» این جملات بخشی از اظهارات «ابراهیم علیپور»، کارشناس مسایل اجتماعی است. او در همین خصوص با اشاره به این که ایجاد چالش‌های فعلی از سوی برخی از خانم‌های جلسه‌ای‌ها برای وی یک فرآیند کاملاً طبیعی و قابل پیش‌بینی بوده است، می‌گوید: «بهتر است قبل از این که بخواهیم برای مقابله فکر کنیم به این بیندیشیم که شرایط فعلی چگونه ایجاد شده است. من هر چند طرفدار فعالیت خانم‌های جلسه‌ای‌ها طبق یک روال اصولی و حساب‌شده هستم، ولی منکر این هم نیستم که علت ایجاد شرایط فعلی و چالش‌هایی که جامعه ما از این حوزه متوجه آن شده، نتیجه بی‌توجهی به نیازهای زنان و عدم تلاش مناسب برای تأمین احتیاجات فکری و معنوی آنهاست.»

عضو هیأت‌أمناء و از بنیانگذاران هیأت

آیت‌الله مکارم شیرازی: از جمله مراسم که نشانه درستی ندارد، ختم سوره انعام است؛ این سوره جایگاه عظیمی در قرآن دارد، ولی این که در لابلای آن، اذکار و اورادی را بیآورند، اصلاً درست نیست.

انصارالحسین (ع) در ادامه اظهارات خود می‌افزاید: «مسأله خیلی ساده است؛ با توجه به این که جمعیت بانوان در کشور ما بیشتر از مردان است، طبیعتاً گرایش زنان به عرصه‌های مختلف به‌ویژه مسایل مذهبی نیز بیشتر بوده است. در حال حاضر اگر بخواهیم شمارشی کنیم من مطمئن هستم که تعداد هیأت‌های بانوان در کل کشور از تعداد هیأت‌های آقایان بیشتر است. ما باید چنین گرایش معنوی به سوی مذهب را در زنان جامعه‌مان ارج بنهیم؛ ولی در همین حال از آنجایی که این گرایش خودجوش و بدون هیچ نظارتی به حرکت خود ادامه داده، طبیعی است که در نتیجه عدم نظارت بر آنها برخی مشکلات نیز پیش بیاید.»

بنابر اظهارات علیپور، آنچه در شرایط فعلی باید انجام داد این است که از این به بعد سعی گردد تا نه تنها هیأت‌های بانوان بلکه هیأت‌های آقایان را در مسیر درست هدایت کرد تا امکان انحراف در مسیر فعالیت چنین تشکلهای مذهبی‌ای پیش نیاید. علیپور در این خصوص می‌گوید: «وقتی تقاضا

زیاد باشد، باید عرضه هم مناسب باشد. در چنین شرایطی اگر قالب و محتوایی تعریف نشده باشد، نه تنها هیأت بانوان بلکه هیئات آقایان نیز ممکن است منحرف شده و کارکرد آن از مقابله با تحریف و خرافه به انعکاس آن تبدیل شود. پس اگر چنین اصلی را قبول داشته باشیم، باید بدون این که بخواهیم به دنبال مقصری برای متهم کردن و انداختن مشکلات به گردن او بگردیم، سعی کنیم تا با به کارگیری همه امکانات موجود در کشور، بهر هوری هیأت‌هایمان را افزایش دهیم.»

ضرورت ساماندهی جلسات مذهبی بانوان

در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به وجود تقاضای زیاد برای خانم‌های جلسه‌ای‌ها در جامعه، حذف آنها - آن هم به صورت سریع و ناگهانی - بدون در نظر گرفتن جایگزینی مناسب که بتواند نقش آنها را بهتر و علمی‌تر ایفا کند، می‌تواند اثرات نامناسبی در جامعه داشته باشد. از مجموع سخنان افرادی که در این گزارش به اظهارات آنها اشاره شد و سخنان تعدادی از مراجع و بسیاری از علما، ضرورت ساماندهی هیأت‌های مذهبی بانوان و جلوگیری از بیان و رواج خرافات در این محافل، امری است که در ضرورت آن تردیدی وجود ندارد.

برخی نقاط کشور زودتر از سایر مناطق به ضرورت آسیب‌زدایی از جلسات مذهبی بانوان پی برده‌اند و در این زمینه فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. به عنوان نمونه، کارشناس امور بانوان اداره کل تبلیغات اسلامی استان زنجان در نیمه مهرماه گذشته از آسیب‌شناسی هیأت‌های مذهبی بانوان این استان خبر داد. به گفته کبری ایمانی، برگزارکننده کارگاه‌های آموزشی، زمینه مناسبی در راستای تطبیق تشکلهای بانوان با الگوهای رایج شده فرهنگی به وجود آورده و به منظور ایجاد رقابت‌های سالم در بین گروه‌های فرهنگی و دینی بانوان بسترسازی‌هایی نیز صورت گرفته است.

وی افزود: «برگزاری کارگاه‌های آموزشی ویژه مسئولان تشکلهای و مبلغان و خریداری کتاب‌های مناسب مذهبی و تحویل آنها به هیأت‌های مذهبی از جمله فعالیت‌هایی بوده که تاکنون انجام شده است.»

در کنار حوزه‌های علمیه بانوان که در تأمین نیروی لازم برای جایگزینی افراد شایسته‌ای به جای «خانم جلسه‌ای‌ها» نقش مهمی بر عهده دارند، سازمان‌های فرهنگی به‌ویژه صدا و سیما و مطبوعات نقش بی‌بدیلی در آگاه ساختن مردم به ویژه بانوان بر عهده دارند. ■



برای مقابله با شیوع خرافات در هیأت‌های زنانه؛

باید حوزه‌های علمی‌خواهران را تقویت کرد

گفت‌وگو با سهیلا قربانی، مدرس حوزه و دانشگاه

نیروهای مردمی و تدارکات پشت جبهه و همچنین اعزام رزمندگان به جبهه‌های دفاع مقدس بوده‌اند. پس کاملاً روشن است که این مجالس زنانه - بدون هیچ هزینه و زحمتی که بخواند بر دوش ارگان‌های دولتی باشد - فی‌نفسه می‌توانند اهداف متعالی را تعقیب کرده و به ثمر برسانند؛ ولی برای تحقق چنین آرمانی باید ظرفیت چنین تشکلهایی را به درستی شناخت و در جهت اهداف متعالی از آن بهره برد. در غیر این صورت، اگر به این ظرفیت‌ها توجه نشود، نه تنها ممکن است این تشکلهای مذهبی منحرف شده و به سمتی خلاف آنچه شایسته آنهاست، حرکت کنند، بلکه ممکن است با از دست دادن جذابیت و کارایی لازم، امکان جذب نسل‌های جوان‌تر به این هیأت‌ها را نیز از دست بدهیم.

اهمیت این موضوع در این است که اگر ما آسیب‌شناسی درستی بر روی آفت‌هایی که تشکلهای مذهبی بانوان را تهدید می‌کنند، انجام ندهیم هرگز نمی‌توانیم آسیب‌زدایی درستی داشته باشیم. در صورتی که آسیب‌زدایی درست نباشد، امکان جذب نسل‌های جوان‌تر از اقشار مختلف جامعه را در این هیأت‌ها نخواهیم داشت. در حال حاضر هر چند زنان و دختران جوان نیز در این هیأت‌ها شرکت می‌کنند، ولی واقعیت این است که بیشتر شرکت‌کنندگان در این جلسات خانم‌های میانسال و مسن هستند.

و... را به ثبت رسانده است، در اظهارات خود همواره تاکید می‌کند که اگر درست فرهنگ‌سازی کنیم دیگر کسی نمی‌تواند در مجالس ائمه اظهار هر چه خواست بیان کند یا انجام دهد.

■ به باور کارشناسان مسایل مذهبی از آنجایی که در هیأت‌های زنانه به سبب نوع عملکرد و نحوه برگزاری آنها، امکان نظارت کمتری وجود دارد، آسیب‌پذیری این تشکلهای در مقابل آفت‌هایی که امروزه هیأت‌های مذهبی با آنها مواجه هستند، بیشتر است. به نظر شما نحوه آسیب‌شناسی هیأت‌های زنانه چگونه باید باشد؟

بدون شک امروزه مهم‌ترین اقدام برای حفظ اساس و پایه‌های دین در جامعه اسلامی ایران، حفظ حیات معنوی و سالم نگاه داشتن فضای روحانی و معنوی هیأت‌هاست. با توجه به این که جمعیت بانوان در کشور ما بیشتر است، به طور طبیعی گرایش زنان به عرصه‌های مختلف به‌ویژه مسایل مذهبی نیز بیشتر است و به همین علت، همیشه ظرفیت‌های بسیاری نیز در این هیأت‌ها برای بهره‌برداری وجود داشته و دارد.

برای مثال، نگاهی به نحوه عملکرد هیأت‌های زنانه در زمان انقلاب، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس نشان می‌دهد که هیأت‌های زنانه از مهمترین عوامل پیشبرد انقلاب و ترغیب

در کلام گرمش می‌توانستی نوعی نگرانی از عواقب بی‌توجهی به آفت‌هایی که امروزه هیأت‌های مذهبی بانوان را تهدید می‌کند و راه رشد و شکوفایی این‌گونه تشکلهای را سد کرده است، احساس کنی! می‌گفت که هیأت‌های مذهبی چه زنانه و چه مردانه، مکانی برای فرهنگ‌سازی و رشد هستند؛ ولی عدم استفاده مناسب از چنین ظرفیت‌هایی باعث شده امروزه به جای اینکه بیشتر از ثمرات ارزشمند برگزاری این مجالس استفاده کنیم، به فکر مقابله با چالش‌های ناشی از عدم فرهنگ‌سازی برای برگزاری هر چه شایسته‌تر این مجالس و مبارزه با بیان و ترویج انواع خرافات باشیم.

هر چند بسیاری معتقدند که هیأت‌ها به خاطر اهداف والا و کارکردهایی که دارند، کمتر دچار آسیب‌های معنوی می‌شوند، اما «سهیلا قربانی» معتقد است که این‌گونه تشکلهای مردمی هم مانند هر ساختار فرهنگی دیگر، اگر بدون نظارت رها شوند، می‌توانند در مدت کوتاهی راه انحراف را در پیش گرفته و در نهایت سبب گسترش خرافه و تضعیف ارزش‌های مذهبی شوند. او که در کارنامه فعالیت‌های دینی خود، تدریس در دانشگاه و حوزه‌های علمی‌خواهران، مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی، تالیف کتب مذهبی با محوریت آموزه‌های قرآنی، همکاری‌های متنوع با سازمان رسیدگی به امور مساجد

اگر ما بتوانیم جوانان را جذب هیأت‌ها کنیم، از آنجایی که آنها مستعدتر و منشا اثر بیشتری هستند، به طور طبیعی میزان بهره‌وری این هیأت‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

■ به نظر شما آیا آسیب‌زدایی از هیأت‌ها

نقشی در جذب جوانان به هیأت‌ها دارد؟

بله؛ امروز مادر جامعه با جوانانی سر و کار داریم که روحیات و گرایش‌های جدیدی دارند. یکی از دلایلی که باعث شده است دختران و زنان جوان ما آن چنان که باید و شاید در هیأت‌ها حضور نداشته باشند، این است که توقعات آنها از این محافل خیلی بیشتر است؛ ولی این هیأت‌ها در شرایط فعلی جوابگوی تمامی نیازهای آنها نیستند.

■ مثلاً چه نیازهایی؟

دختران و زنان تحصیل کرده ما دوست دارند وقتی در این جلسات شرکت می‌کنند، در کنار بهره‌برداری معنوی بتوانند از مسایل جهان اسلام یا مسایل جهانی نیز مطلع شده و یا حتی بتوانند مشکلات خودشان را با دیگران به‌ویژه افراد دارای اطلاعات حوزوی و آگاه به امور دینی در میان بگذارند. ولی متأسفانه حضور خانم‌هایی (منظورم حاج‌خانم جلسه‌ای هاست) که تحصیلات دینی نداشته،

به فنون تبلیغ مجهز نشده، و در عین حال هم نمی‌توانند به خوبی بانسل‌های جوان ارتباط برقرار کنند، نه تنها باعث بی‌محتوا شدن و طرد قشر جوان و فرهیخته از این مجالس می‌شود، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بروز بسیاری از مشکلات دیگر نیز باشد.

واقعیت این است که بیشتر شرکت‌کنندگان در مجالس مذهبی زنانه، افراد میانسال و مسن هستند. اگر بتوانیم جوانان را جذب هیأت‌ها کنیم، از آنجایی که آنها مستعدتر و منشأ اثر بیشتری هستند، میزان بهره‌وری این هیأت‌ها افزایش خواهد یافت

■ منظور تان چه مشکلاتی است؟

باید واقعا خدا را شاکر بود که زنان جامعه ما این قدر مشتاق قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند. همین عشق و اشتیاق، همیشه آنها را به سوی مجالس مذهبی می‌کشاند؛ ولی از آنجایی که عموم

مردم تسلط قابل‌قبولی به مسایل دینی و فقهی ندارند، لذا قدرت تشخیص اهل فن و علم را از غیره ندارند. متأسفانه در بسیاری از موارد ما شاهد هستیم که در جلسات مذهبی یک حاج‌خانم جلسه‌ای صرف داشتن یک بلندگو و خواندن ادعیه پربرکاتی مانند زیارت عاشورا (آن هم با کلی غلط) خیلی زود در بین مردم محبوب می‌شوند و پس از اینکه این امر به خود این خانم‌ها نیز مشتبه شد، خیلی زود خودشان را ذیصلاح تصور کرده و وارد مقوله‌های بسیار حساسی مثل احکام، تفسیر قرآن، تعبیر خواب و بیان ادعیه و اذکاری که در بسیاری از موارد هیچ‌سندی هم ندارند، می‌شوند.

ورود به چنین موضوعات و مسایلی نیازمند داشتن علم کافی است، ولی عدم اطلاع بیشتر مردم از درست و نادرست بودن موضوع‌های بیان شده در این جلسات، عاملی برای دامن زدن به خرافاتی شده که امروزه ما در سطح جامعه شاهد آن هستیم؛ خرافاتی مانند اینکه اگر مثلاً ۱۰۰ عدد تسبیح خریده، آن را نذر کرده و بین مردم تقسیم کنید، گره از مشکلات زندگی‌تان باز می‌شود! من همیشه گفته‌ام که اگر «آب باشد، مردم تیمم نمی‌کنند» و مطمئنم اگر زنان ما از غلط بودن





و به ویژه زنان شناسانده نشده است. گلابه دوم من از خود روحانیون زن است که احتیاط بیش از حد می کنند و وارد عرصه تبلیغ نمی شوند، یعنی حضورشان را در جامعه برای اداره کردن محافل اعلام نمی کنند و تصور می کنند که کناره گیری عمل مثبتی است. البته این تصور ناشی از بعضی احتیاط‌هایی است که برای خودشان لازم می دانند که این احتیاط‌ها را به امر تبلیغ نیز تعمیم می دهند. عامل دیگری که در این خصوص می توان به آن اشاره کرد، شاید عدم ترغیب، تشویق و پشتیبانی این نیروها توسط متصدیان امور فرهنگی کشور و مدیران حوزه‌ها باشد.

■ **تا زمانی که کارت یا شناسنامه‌ای برای این گونه افراد صادر شود، آیا شما با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای آسیب‌شناسی هیأت‌های مذهبی بانوان و شرکت این دسته از افراد در آن موافق هستید؟**

این کار می تواند هم نتایج مثبت و هم منفی در پی داشته باشد. اگر مدعوین این کارگاه‌ها حداقل تحصیلات لازم را دارا باشند، یقیناً

من همیشه گفته‌ام که اگر «آب باشد، مردم تیمم نمی کنند» و مطمئنم اگر زنان ما از غلط بودن مسائلی که برای آنها گفته می شود، آگاهی داشته باشند، حتماً با آن مقابله می کنند

برگزاری چنین کارگاه‌هایی لازم، مفید و مؤثر است، کما اینکه ما طی سال‌های گذشته اردوهای آموزشی برای گروهی از بانوان طلبه‌مان داشته‌ایم که طی این اردوها به مسال تبلیغ و آسیب‌های تبلیغ اشاره می شد. تعداد این جلسات هر چند کم بود ولی اثراتش برای ما بسیار زیاد بوده است. با این حال، نکته قابل توجه در انجام چنین کارهایی این است که چنین ارتباطات و فعالیت‌هایی

خرافات می شود. علما به تعبیر ائمه اطهار (علیهم السلام) مرزبانان دین هستند که مراقبند اغیار وارد نشوند، خرافات و زوایدی به دین اضافه نشده و از واجبات هم کم گذاشته نشود. البته باید گفت که در مجالس و هیأت‌های مردانه چنین مشکلی وجود ندارد و روحانیون به سبب تفاوت پوشش و لباس به راحتی برای مردم قابل تشخیص هستند. ولی در مورد خواهران روحانی چون نوع پوشش یکسان است، این امکان وجود ندارد. لذا برای حل این مشکل می توان پس از تایید، تجهیز و تغذیه علمی مستمر با صدور کارت برای آنان، پرچم خاصی که بر سر در منزل نصب شود یا حتی گل سینه‌ای و ... با توجه به تخصص و صلاحیت، هر کدام از آنها را از دیگری متمایز کرد.

در این صورت مردم نیز با خیال راحت در مجالس مذکور شرکت کرده، از آب زلال و ظهور قرآن و اهل بیت استفاده خواهند کرد و خیالشان مطمئن خواهد بود که اظهاراتی که این خانم جلسه‌ای بیان می کند، از فیلتر تشخیص مطالب درست از نادرست عبور کرده است.

■ **با وجود چنین اظهاراتی آیا شما احساس نمی کنید که هیأت‌های زنانه از کمبود مبلغان آگاه و با تجربه زن رنج می برند؟**

در طول سال‌های گذشته چنین کمبودی بیشتر وجود داشت. ولی بعد از انقلاب و با تأسیس مدارس علوم دینی و حوزه‌های علمیه خواهران در سراسر کشور این کمبود کمتر شده است. در واقع می خواهیم بگویم که بنده دو عامل را در پرتنگ شدن فعالیت حاج خانم جلسه‌ای‌ها، مؤثرتر از سایر موارد می دانم:

اول این که حوزه‌های علمیه خواهران و پیشنهاد استفاده از کارشناسان آنها - آن چنان که باید و شاید - به وسیله متصدیان امور فرهنگی و تربیون‌های ائمه جماعات به مردم

مسایلی که برای آنها گفته می شود، آگاهی داشته باشند، حتماً با آن مقابله می کنند.

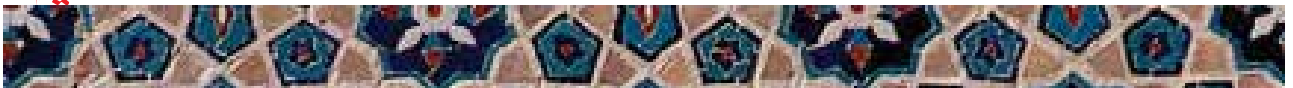
■ **با توجه به مسائلی که به آنها اشاره کردید، آیا بهتر نیست خانم‌هایی که در هیأت‌های زنانه به عنوان سخنران یا روضه‌خوان فعالیت می کنند، دارای مدرکی از سازمان‌های مذهبی و فرهنگی باشند؟**

ما هر چند شاهد فعالیت زنانی هستیم که مرتکب اشتباهاتی می شوند ولی در همین حال، بانوان مداح بسیار خوبی نیز داریم که حدود خودشان را رعایت کرده و بدون اینکه

یکی از دلایلی که باعث شده دختران و زنان جوان مآن چنان که باید و شاید در هیأت‌ها حضور نداشته باشند، این است که توقعات آنها از این محافل خیلی بیشتر است ولی این هیأت‌ها در شرایط فعلی جوابگوی تمامی نیازهای آنها نیستند

در حوزه درس خوانده باشند، با تمام وجود برای رضای اهل بیت (ع) فعالیت می کنند. بنده چنین افرادی را رد نمی کنم؛ یعنی اگر یک مداح تحصیلات حوزوی نداشته باشد، مانعی برای مداحی نیست؛ ولی آنها هم باید حداقل مطالعاتی در زمینه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) داشته باشند و توجیه باشند که در حد بضاعت خودشان، فعالیت کنند و وارد عرصه‌هایی که نیازمند تحصیلات عالی است، نشوند.

در همین حال یکی از دلایل اصلی آسیب‌های محافل بانوان، عدم تفاوت ظاهری بین مبلغان اهل علم و تجهیز شده به علوم لازم، با بانوانی است که بدون صلاحیت لازم گردانندگی این مجالس را برعهده گرفته‌اند. من معتقدم که اگر عالمی (چه زن و چه مرد) در مجلسی حضور داشته باشد، خودش مطالب بیان شده را تصفیه می کند و مانع از بیان



بین مراکز فرهنگی، مذهبی و اعضای این واحدها همیشگی باشد تا اطلاعات آنها نیز با توجه به اقتضائات روز جامعه باشد. با وجود این، جنبه منفی برگزاری چنین کارگاه‌هایی وجود افرادی خواهد بود که حداقل معلومات و سواد لازم را ندارند و بانیت سودجویی وارد این عرصه شده‌اند. این افراد با چند جلسه شرکت در چنین کارگاه‌هایی مدعی خواهند شد که ما دوره آموزشی دیده‌ایم و مخاطبان هم باور می‌کنند که این افراد هر چه بگویند، درست است.

■ البته در زمینه آسیب‌زدایی از هیأت‌های زنانه پیشنهاد دیگری نیز وجود دارد و آن ضابطه‌مند کردن فعالیت‌ها و برنامه‌های هیأت‌هاست. برای مثال در مدل ارائه شده توسط اداره کل تشکل‌های دینی و مراکز فرهنگی، هر هیأت باید در برنامه‌های خود، زمان معینی را به اقامه نماز جماعت، قرائت قرآن، بیان احکام، وعظ و خطابه، مداحی و اقامه مراسم مولودی یا عزاداری اختصاص دهد. عقیده بر این است که با چنین برنامه‌ای، تمام مدت زمان یک مراسم صرف مداحی نمی‌شود و فرصتی نیز برای وعظ و خطابه باقی می‌ماند. نظر شما در این مورد چیست؟

به نظر من در ارائه چنین مدل‌هایی باید با انعطاف شرایط خاص مجالس زنانه و همچنین مناسبت‌ها را در نظر گرفت؛ چون نمی‌شود بدون توجه به عوامل مختلف برای یک هیأت زنانه به صورت خیلی دقیق زمان بندی کرد. مثلاً شاید بعضی از ایام لازم باشد که از موارد ذکر شده در پرسش شما، به لحاظ زمانی قسمتی کم شود و به دیگری اضافه شود، یا اصلاً یکی را حذف کرد. مثلاً در شب ولادت امامان معصوم که مردم مشتاقانه برای شادی حاضر می‌شوند، شاید دیگر طبق برنامه لازم نباشد که ذکر مصیبت خوانده شود و باید برای اجرای مراسم شاد بیشتر وقت گذاشت. در مجموع آنچه من می‌خواهم بگویم این است که مقوله مسائل فرهنگی و مذهبی آن‌قدر پراهمیت است که در این حوزه‌ها به هیچ وجه نباید تصمیمات آنی و سطحی گرفته شود.

■ شما چه پیشنهادی می‌دهید؟

اگر به طور جزئی بخواهم بگویم، پیشنهادم این است که مراجع عظام تقلید، بزرگان دین و ائمه جماعات باید به طور مکرر اعلام کنند که بعد از انقلاب - بحمد الله - حوزه‌های علمیه‌ای داریم که روحانیون زن از آن

در زمینه دین امر مهمی است که بدون حمایت‌های اساسی دولت و ارگان‌هایی نظیر سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه‌ها و از همه مهم‌تر صدا و سیما امکان‌پذیر نمی‌شود. به نظر من، چنین اتحادی بین مراکز فرهنگی، مذهبی و رسانه‌ای به‌ویژه در این برهه که فشارهای مختلفی از بیرون و درون، مردم ما را مورد آماج خودش قرار داده، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. ایجاد چنین تعاملی بین نهادها و سازمان‌های مختلف، هر چند در ابتدا ممکن است دشوار باشد، اما به تدریج اثرگذار خواهد بود. اعتقاد بر این است که تصمیماتی که تا به امروز برای این مسائل گرفته شده است، از جامعیت برخوردار نبوده و تنها با مشارکت تمام نهادها و سازمان‌های مرتبط با این موضوع است که می‌توان با توجه به شرایط امروز جامعه، تصمیمی توأم با تدبیر برای حل چنین موضوعات حساسی گرفت.

■ موضوع دیگری مانده که بخواهید خودتان به آن اشاره کنید؟

حرف آخرم این است که همه ما خواهران و برادران باید به خاطر خدا، برای خدا و در راه خدا با یکدیگر متحد شده و با تجهیز خودمان به علم، اخلاق و شیوه‌های جدید تبلیغ از تمام ظرفیت‌های موجود در کشورمان برای پیشبرد اهدافمان در حوزه دین و فرهنگ استفاده کنیم.

به نظر من قبل از اینکه ما بتوانیم از ظرفیت‌های بزرگمان استفاده کنیم، باید شروع به استفاده از ظرفیت‌های کوچک ولی بسیار مهمی که در دسترس مان است، کنیم. برای مثال، یکی از همین ظرفیت‌های خوب، ظرفیت موجود در مدارس است. در مدارس می‌توان دانش‌آموزان را بدون هیچ هزینه‌ای در کنار هم جمع کرد و تنها با یک ساعت سخنرانی مناسب آنها را به قرآن و اهل بیت متصل کرد. چیزی که به صورت درس به دانش‌آموزان آموخته می‌شود، بعد از امتحان از یاد آنها می‌رود ولی آموزشی که با عشق، علاقه قلبی و اتصال معنوی و روحانی به اهل بیت (علیهم‌السلام) و قرآن توأم باشد، همیشه در دل آنها می‌ماند. از سوی دیگر، اگر ما امروز که شیوع خرافه بین هیأت‌های بانوان هنوز آن‌چنان جدی نشده، برای مقابله با آن اقدامات درستی انجام دهیم، می‌توانیم این جریان را به تدریج محدود کرده و مانع از سرایت آن به سایر بخش‌های فرهنگی و اجتماعی کشورمان شویم. ■

باید با تبلیغات رسانه‌ای به‌ویژه در صدا و سیما و حمایت مادی از حوزه‌های علمیه بانوان، برای رفع مشکلات آنها کوشید تا حوزه‌های علمیه خواهران بتوانند با تربیت مبلغان آگاه و توانمند به مقابله با شیوع خرافات در هیأت‌های زنانه بپردازند

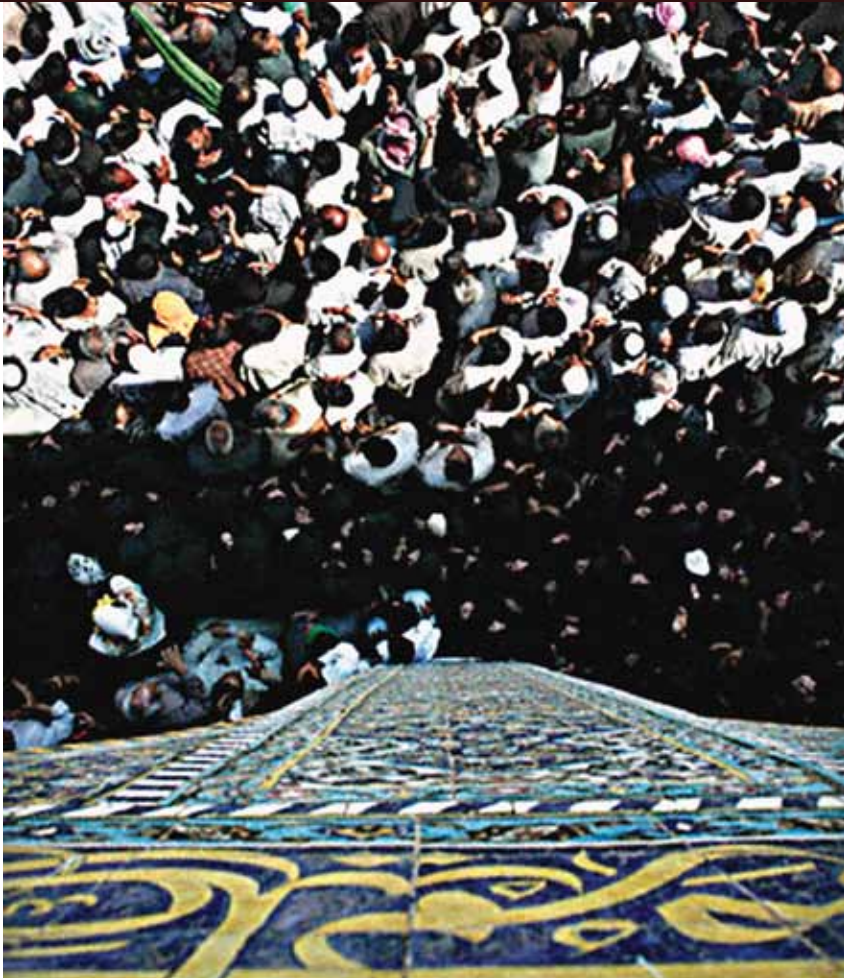
فارغ التحصیل شده و وارد جامعه می‌شوند. در همین حال باید با تبلیغات رسانه‌ای به‌ویژه در صدا و سیما و حمایت مادی از حوزه‌های علمیه بانوان، برای رفع مشکلات آنها کوشید تا حوزه‌های علمیه خواهران بتوانند با تربیت مبلغان آگاه و توانمند به مقابله با شیوع خرافات در هیأت‌های زنانه و مقابله با افرادی که چنین اقداماتی می‌کنند، بپردازند.

به نظر من در صورتی که از حوزه‌های علمیه خواهران حمایت شود، این حوزه‌ها می‌توانند با پرورش نیروهای انسانی و مجهز کردن این نیروها یا هماهنگ کردن علما و واحدهایی که مداح تربیت می‌کنند و همچنین حضور علنی در جامعه، فعالیت‌های خوبی را آغاز کرده و جای خودشان را در محافل مذهبی باز کنند و یقیناً توده مردم هم آماده استقبال از چنین مبلغانی هستند.

در مجموع باید بگویم که مساله فرهنگ‌سازی

ضرورت‌های توسعه گردشگری مذهبی در ایران

ساناز عرب‌خداری



اشاره:

یکی از انواع گردشگری، گردشگری مذهبی است. صاحب‌نظران صنعت گردشگری بر این باورند که به لحاظ موقعیت فرهنگی - مذهبی خاص ایران در میان کشورهای دیگر، گردشگری مذهبی جای رشد و توسعه بسیاری در کشور ما دارد؛ با این وجود گردشگری مذهبی در ایران با وجود ۸ هزار و ۹۱۹ مکان مذهبی مقدس، هنوز فاقد ساماندهی تخصصی و متمرکز بوده و این وضعیت نابسامان حتی در شهرهای مهمی چون مشهد و قم نیز مشاهده می‌شود.

این در حالی است که از این تعداد، دست‌کم ۴ هزار و ۳۱۹ اثر در زمره آثار ثبت شده در فهرست میراث ملی نیز قرار دارند و علاوه بر داشتن جاذبه زیارتی، دارای جاذبه‌های فرهنگی - تاریخی هم هستند.

به جز کلانشهر مشهد که به تازگی سرمایه‌گذار خارجی برای گردشگری مذهبی در آن فعال شده، برای هیچ‌یک از این ۸ هزار و ۹۱۹ نقطه، بست سرمایه‌گذاری مشخصی از نظر زیرساخت‌های گردشگری اعم از هتل، وسایل حمل‌ونقل و تور تعریف نشده است. در این گزارش سعی شده است که به اختصار نگاهی به اهمیت و ضرورت توجه به گردشگری مذهبی از ابعاد مختلف به‌ویژه ابعاد اجتماعی، مذهبی و اقتصادی آن داشته باشیم.

جایگاه گردشگری در فرهنگ اسلامی

در فرهنگ اسلامی، سیاحت به عنوان سیر آفاق در برابر سیر انفس مورد توجه قرار گرفته است. اسلام به انسان و نیازهای او نگاه ویژه‌ای دارد و آنچه را که به واقع زندگی را لذت بخش و آسان می‌کند و در جسم و روح و روان انسان موثر است، به رسمیت می‌شناسد.

در دنیای ماشینی امروز، انسان بیش از گذشته به استراحت و گردش نیازمند است تا آثار ناشی از فشارهای روحی و روانی را حتی المقدور خنثی کند؛ زیرا از این منظر، گردشگری و سیاحت یک تجربه درون‌گرایانه است. بشر می‌خواهد لحظاتی را بدست آورد که جان و روح خسته، مکدر، تاریک و متلاشی شده‌اش به آزادی، فراخی، لذت و

زیبایی‌های غلط و ضد ارزش‌های اسلامی و اخلاقی و همچنین عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان پرداخت.

از نظر قرآن علاقه‌مندی به کمال و تفریح و تفرج، کسب روزی حلال و رفع نیازها، تقویت حس پرستش خالق و از بین رفتن جهالت‌ها از دیگر فواید سفر است. از مهم‌ترین آیاتی که به طور مستقیم به مقول جهانگردی پرداخته است، می‌توان به سوره مبارکه آل عمران (آیات ۱۳۷-۱۳۸)، سوره مبارکه توبه (آیه ۴۲)، سوره مبارکه یونس (آیه ۲۲)، سوره مبارکه نحل (آیه ۸۰)، سوره مبارکه انعام (آیه ۱۱)، سوره مبارکه یوسف (آیات ۱۰۹ و ۱۱۱)، سوره مبارکه عنکبوت (آیه ۲۰) و سوره مبارکه روم (آیات ۱۰ و ۱۱) اشاره کرد.

زیارت بخش مهمی از فعالیت‌های مربوط

ز بیایی‌های ماورایی برسد؛ می‌خواهد از این راه معنویت زندگی‌اش را تأمین و فرور یختگی‌اش را جبران کند.

مسافرت از سنت‌های پسندیده در جوامع مختلف بوده است. انسان‌ها هنگام سفر از نقطه‌ای به نقطه دیگر و از زمانی به زمان دیگر در راستای رشد و کمال حرکت می‌کنند. قرآن کریم در آیات بسیاری بر سیر و سفر تأکید داشته و به انسان توصیه می‌کند که به مسافرت بپردازد. به ترتیبی که می‌فرماید: «قل سیروا فی الارض... فسیروا فی الارض...»

با اندک تأملی بر آیات راهگشای قرآن، به روشنی در می‌یابیم که با سفر کردن می‌توان به مطالعه آفاق و انفس و کسب علم و تجربه، خداشناسی از طریق مردم‌شناسی و شناخت عظمت خلقت، اعتقاد به معاد، مطالعه

به گردشگری مذهبی را در برمی گیرد. اگر نگاهی به آیه ۱۵۶ سوره بقره بیندازیم، درمی یابیم که در فرهنگ اسلامی هدف اصلی از خلقت، رشد و ارتقای معنوی است؛ از این رو یکی از راه‌های تقویت معنویت و ایجاد ارتباط با معبود، زیارت است. انسان وقتی به معنای عمیق زیارت‌نامه‌ها توجه کند و با عشق و علاقه به زیارت پردازد، احساس می‌کند از طریق مکانی که مشغول زیارت است، به معبود خود نزدیک‌تر شده است. بسیاری از اوقات، مسیر زیارت همراه با عشق و از خودگذشتگی است. زیارت پیوند قلبی است نه محاسبه عقلی، لذا عمق و تأثیر گذاری آن نسبت به امور مادی به مراتب بیشتر است. آنچه زائر را به پیمودن راه‌ها و طی مسافت‌ها و تحمل رنج و سفر و استقبال از خوف و خطر وامی‌دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست و هر جا که عشق بیاید، خستگی رخت بر می‌بندد.

مذهب و گردشگری

گردشگری وسیله‌ای است که افراد را با مذاهب و فرهنگ‌های متفاوت به یکدیگر پیوند می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا همدیگر را با وجود تنش‌های سیاسی و اجتماعی، بهتر درک کنند. از نظر سازمان جهانی جهانگردی، مذهب به عنوان یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های سفر شناخته شده است. از نمونه سفرهای مذهبی می‌توان به روز جهانی جوان اشاره کرد که به ابتکار واتیکان برای قوی‌تر کردن باورهای دینی در بین جوانان کاتولیک به صورت جهانی برگزار می‌شود. این سفر، یکی از بزرگ‌ترین آیین‌های مذهبی برای جوانان دنیا است و به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۵ که در آلمان برگزار شد، بیش از ۴۳۵ هزار زائر از ۱۹۷ کشور در این مراسم مذهبی شرکت کردند.

در اسلام نیز، آیین حج به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراسم مذهبی جهان سالانه بیش از ۲ میلیون زائر را در شهر مکه گردهم می‌آورد. پیش‌بینی می‌شود که گردشگری مذهبی عربستان سعودی در دهه آینده، هر ساله از رشدی ۲۰ درصدی بهره‌برد و تا سال ۲۰۲۰، تعداد ۴۳/۲۴ میلیون نفر از شهرهای مکه و مدینه دیدن کنند که این امر، مستلزم ۵۰ هزار اتاق اضافی در هتل‌ها و ۷۴ هزار واحد مبله در این مناطق خواهد بود.

گردشگری حلال

بنا بر بررسی‌های سازمان جهانی گردشگری، گردشگری حلال به صورت نوع خاصی از گردشگری مذهبی، منافع کشف نشده بسیار

و شانس‌های تجاری زیادی را به کشورهای مسلمان و به‌ویژه آسیای میانه ارائه می‌کند. گردشگری حلال، نوعی از گردشگری مذهبی است که تمام فعالیت‌های آن از نظر قوانین اسلامی مجاز شمرده می‌شود.

در این باره، واتیکان در سال ۲۰۰۷ خطوط هواپیمایی مخصوص به زائران خود را راه‌اندازی کرد که می‌تواند الگویی برای خطوط حلال باشد. این خطوط می‌توانند فاکتورهایی مانند ارائه غذای حلال، در نظر گرفتن وقت نماز و... را در برگیرند تا سفر را برای مسلمانان به‌ویژه هنگامی که برای زیارت و یا سایر مسائل مذهبی مسافرت می‌کنند، راحت‌تر و لذت‌بخش‌تر کند.

بر اساس آمارهای به دست آمده، مردم ایران گردشگری اسلامی (مذهبی) را در اولویت قرار می‌دهند. سازمان حج و زیارت به عنوان یکی از سازمان‌های مهم متولی گردشگری مذهبی در کشور است. این سازمان عهده‌دار یکی از انواع گردشگری است که نقش

گردشگری مذهبی در ایران با وجود ۸ هزار و ۹۱۹ مکان مذهبی مقدس، هنوز فاقد ساماندهی تخصصی و متمرکز بوده و این وضعیت نابسامان حتی در شهرهای مهمی چون مشهد و قم نیز مشاهده می‌شود

عمده‌ای را در زندگی اجتماعی ایرانیان و کشورهای اسلامی ایفا می‌کند. گردشگری مذهبی، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و مالی خود، باعث ارتباط اسلامی با سایر کشورها شده و تعامل بین ملل و فرهنگ‌هایی را که نقاط مشترکی دارند، سبب می‌شود. می‌توان چنین ادعا کرد که مهم‌ترین قسمت هماهنگی صنعت گردشگری ایران با کشورهای اسلامی یعنی تنظیم مناسبات سیاسی و دیپلماتیک بر عهده سازمان حج و زیارت است. از این رو با برنامه‌ریزی دقیق و صحیح می‌توان آن را به عنوان اساس و بنیان گردشگری فرهنگی مطرح کرد و در جهت توسعه گردشگری ملی و بین‌المللی به کار گرفت.

خلاصه اینکه با بهبود قوانین و مقررات سازمان حج و زیارت و اجرا و نظارت بر اجرای آنها، این سازمان می‌تواند به عنوان سازمانی که فعالیت‌های گردشگری مذهبی

را جهت‌دهی، هدایت و کنترل می‌کند، مطرح شود و با ایفای نقش هدایتی، بخش خصوصی و مردم محلی را در انجام این امر که می‌تواند اوضاع اقتصادی و انگیزه‌های معنوی آنها را تأمین کند، یاری رساند. از این رو تعامل با دنیای اسلام و برقراری ارتباط میان فرهنگ‌ها از این طریق میسر و بسیار قابل توجه است.

نابیده گرفتن قابلیت‌های کشور

صاحب‌نظران صنعت گردشگری بر این باورند که به لحاظ موقعیت فرهنگی-مذهبی خاص کشورمان در میان کشورهای دیگر، توریسم مذهبی جای رشد و توسعه بسیاری در کشور ما دارد، چنانکه رئیس سابق پژوهشگاه



سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تنوع مراکز، آثار و ابنیه تاریخی و عبادتگاه‌های ادیان مختلف موجود در کشور را در تمام دنیا بی‌نظیر دانسته و می‌گوید: «کشور ایران در تمام حوزه‌های مذهبی دنیا، توانایی جذب توریسم را دارد و فضای خاص فرهنگی موجود، توسعه توریسم مذهبی-فرهنگی را در آن امکان‌پذیر می‌کند.»

سید طه هاشمی معتقد است: «ایران علاوه بر حضور پر فیض حرم‌های اسلامی، دارای معابد و کلیساهای بی‌بدیلی است که در کشورهای دیگر وجود ندارد. به طور مثال قدیمی‌ترین کلیسای جهان در ایران قرار دارد.» او ادامه می‌دهد: «همچنین می‌توان با توجه به حضور ادیان توحیدی متفاوت و وجود پیروان و معتقدان بسیار آنها در ایران، انواع توریسم

برای کشورمان به وجود آورده است.»
وی به سایر اماکن مذهبی اشاره کرد و اظهار داشت: «۳ هزار و ۱۱۹ مکان مذهبی مقدس ثبت شده شامل حسینیه‌ها، مساجد، مدارس مذهبی و حوزه علمیه، کلیسا، کنیسه، آتشگاه و نیایشگاه از ادیان مختلف در ایران وجود دارد که می‌تواند فرصت خوبی برای گردشگری زیارتی باشد.»

این اماکن در حالی در کشورمان واقع شده‌اند که کارشناسان معتقدند پایدارترین گردشگران آنها را هستند که بر پایه مذهب به زیارت اماکن مذهبی مشغول می‌شوند. بررسی توزیع اماکن می‌تواند نحوه سرمایه‌گذاری و ساماندهی گردشگری مذهبی را تحت تأثیر قرار دهد.

در حال حاضر مشخص‌ترین و واضح‌ترین تمرکز گردشگری مذهبی مسلمانان ایران در شهر مشهد و سپس قم رقم خورده است و امکانات اقامتی نیز به همین تناسب توزیع شده است. در خصوص اماکن مقدس مسیحیان نیز تمرکز متوجه ۲ استان آذربایجان غربی و شرقی است و اماکن مقدس زرتشتیان نیز در مرکز ایران در محدوده یزد، اصفهان و فارس واقع شده‌اند. اما در مورد بقاع متبرکه امامزادگان باید گفت، پس از ۲ شهر مشهد و قم باید متوجه استان فارس بود.

وعده حمایت از بخش خصوصی

رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیز توسعه توریسم زیارتی را اولویت اول سیاست‌ها و برنامه‌های این سازمان دانسته و می‌گوید: «امروز بیشتر گردشگران مسلمان گرایش زیادی برای زیارت حضرت رضا (ع) و حضرت معصومه (س) و مسجد مقدس جمکران دارند، به همین دلیل اماکن زیارتی ظرفیت خوبی محسوب می‌شوند که باید برای جذب گردشگر به آنها اطلاع‌رسانی مناسبی انجام داد.»

اسفندیار رحیم‌مشایی می‌افزاید: «به دلیل توسعه زیرساخت‌های اقامتی و پذیرایی در استان‌های خراسان رضوی و قم، افزایش سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات به بخش خصوصی در اولویت برنامه‌های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قرار دارد.»

استقبال از سرمایه‌گذاران معاون سرمایه‌گذاری و طرح‌های سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیز در خصوص میزان توجه سرمایه‌گذاران به توریسم مذهبی و زیارتی گفت: «بازار هدف ما چیزی حدود ۳۰۰ میلیون نفر از

و... را داریم که متأسفانه این رسانه‌ها نیز در بحث اطلاع‌رسانی تا به حال نتوانسته‌اند به طور شایسته عمل کنند. علاوه بر آن در نمایشگاه قرآن باید جاذبه‌هایی را برای گردشگر خارجی در نظر بگیریم و رسیدن به این مرحله نیز، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های دقیق و اصولی است.

برنامه‌ای برای توقف بی‌برنامه‌گی نیست

با وجود تشکیل کمیته گردشگری مذهبی در معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و تعیین دبیر برای آن و در حالی که اعضای این کمیته چندی پیش در شهر مقدس مشهد گردهم آمده‌اند، اما هنوز دورنما و اهداف آن به طور روشن مشخص نیست و هیچ برنامه راهبردی در این زمینه ارائه نشده است.

این در حالی است که تنها اگر از جمعیت ۳۰۰ میلیون نفری شیعیان یک درصد را بتوانیم به ایران جذب کنیم، رقم ۳ میلیون گردشگر خارجی مذهبی برای اقتصاد ما

تنها اگر از جمعیت ۳۰۰ میلیون نفری شیعیان یک درصد را بتوانیم به ایران جذب کنیم، رقم ۳ میلیون گردشگر خارجی مذهبی علاوه بر ارائه چهره واقعی از کشورمان در دنیا، برای اقتصاد ما نیز تعیین‌کننده خواهد بود

تعیین‌کننده است.

این جدا از همجواری ایران با ۳ کشور ارمنستان، آذربایجان و گرجستان در محدوده آذربایجان شرقی و جلفاست که با وجود کلیساهای متعدد می‌تواند میزبان مسیحیان و ارامنه بسیاری باشد.

دبیر ستاد بقاع متبرکه و بناهای مذهبی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری درباره تعداد اماکن مقدس کشورمان می‌گوید: «در کل کشور، ۵ هزار و ۸۰۰ بقعه متبرکه به‌عنوان آرامگاه‌های امامزادگان ثبت شده است که از این تعداد، یک هزار و ۲۰۰ بقعه به دلیل حائز شرایط معماری، فرهنگی و تاریخی بودن در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند.» حجت‌الاسلام صابری افزود: «آرامگاه یک امام معصوم (ع) در مشهد و ۲ فرزند بدون واسطه معصوم (ع) یعنی حضرت معصومه (س) و موسی مبرقع، فرزند امام جواد (ع) در ایران موقعیت ممتازی

مذهبی را در کشور ایجاد کرد. همان‌گونه که مسلمانان سالانه به سفرهای متعدد مذهبی مثل، سفر حج، عتبات عالیات و اماکن مقدسه کشور سوریه می‌روند و اثرات مختلف در این مناطق بر جای می‌گذارند، ایران نیز می‌تواند جزء اهداف گردشگری بسیاری از مسلمانان جهان به شمار آید.»

استفاده نکردن از قابلیت‌های ماه رمضان در جذب گردشگر

یکی از فرصت‌های مغتنم در عرصه جذب گردشگر مذهبی به ایران ماه مبارک رمضان، آداب و رسوم مرتبط با این ماه و نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم است که همزمان با این ماه پرفیض برگزار می‌شود. نمایشگاهی



که می‌تواند هزاران مسلمان را از سراسر دنیا به ایران جذب کند. اما آیا برگزاری نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم که با فرهنگ ملی و اسلامی ما هماهنگ است، به عنوان یک نمایشگاه دائمی و فرصتی مغتنم در جهان اسلام مطرح می‌شود؟ در صورت تحقق چنین مهمی که با برنامه‌ریزی‌های دقیق و اصولی دور از ذهن نیست، این قابلیت می‌تواند به راهکاری برای جذب توریست مذهبی تبدیل شود.

بحث اطلاع‌رسانی به طور کل در جهان اسلام و میان کشورهای اسلامی بسیار ضعیف است. این امر باعث می‌شود که حتی در برگزاری نمایشگاه بین‌المللی قرآن نیز آن چنان که باید نتوانیم کاری از پیش ببریم. در این حوزه ما رسانه‌هایی چون العالم، الکوثر

شیعیان جهان، سایر مسلمانان، مسیحیان و یهودیان دنیا را شامل می‌شود، اما از حیث سرمایه‌گذاری، طبیعی است که شهرهای زیارتی قم و مشهد در کانون توجه هستند و حتی در مشهد ما سرمایه‌گذار خارجی هم جذب کرده‌ایم.»

مهدی جهانگیری تأکید کرد: «ما کاملاً از ورود به این بحث و طرح‌هایی که در این زمینه ارائه شود، استقبال می‌کنیم و باید بر این موضوع تصریح کنم که توریسیم زیارتی از جمله راهبردهای مهم سازمان ما محسوب می‌شود و در شورای معاونان هم به‌تازگی از رشد این نوع توریسیم خبر داده‌اند.»

جهانگیری به خصوصیات ایران و فرهنگ آن برای یک مقصد پاک گردشگری اشاره کرد و افزود: «اگر به‌درستی به تبلیغ و معرفی بپردازیم، آن دسته از کسانی را که دنبال محیط مناسب و سالم هستند، می‌توانیم جذب کنیم که در این زمینه کشورهای مسلمان حاشیه خلیج فارس فرصت مغتنمی به‌شمار می‌آیند.»

کمیته‌های بی‌بازده

گرچه موقعیت کشورمان سبب شده ما را به نوعی کانون ادیان الهی بدانند، اما از این فرصت ممتاز بهره‌برداری درستی صورت نمی‌گیرد؛ تا آنجا که با وجود تشکیل کمیته‌ای در معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تحت عنوان «کمیته گردشگری مذهبی»، هنوز هیچ برنامه‌ای در این زمینه برای رونق سفرهای زیارتی و مذهبی داخلی وجود ندارد.

هوشنگ غفارپور، یکی از فعالان عرصه توریسیم و رئیس هیأت مدیره مؤسسه گابین، که نخستین بار طرح ایجاد «جاده ولایت» در کشور را برای رونق گردشگری مذهبی مطرح کرد، با زیر سؤال بردن تشکیل کمیته‌هایی این چنینی تصریح می‌کند: «نکته اینجاست که ما در تشکیل کمیته تبصر خاصی داریم ولی در خروجی گرفتن از این کمیته‌ها نه. باید از این کمیته گردشگری مذهبی پرسیده شود طرح پایه و اصلی شما برای گردشگری مذهبی چیست و قرار است چه زمانی به اجرا درآید و تا چه زمانی به بازدهی برسد؟ برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت آن چیست؟ اگر پاسخی بود، تازه باید ببینیم چشم‌انداز آنها از اماکن مذهبی چیست؟ مشکل دیگر این است که ما همواره روی موج حرکت کرده‌ایم. الان تب نوع گردشگری بالاست و ما به سراغش می‌رویم، اما برایش برنامه نداریم؛ فقط برایش مجموعه درست می‌کنیم، اما هیچ شناسنامه‌ای ندارد و نقطه ثقلش هم مشخص نیست.»

وی می‌افزاید: «اگر نقطه ثقل را به درستی مشخص کنیم، می‌توانیم از ایران به‌عنوان پایگاه شیعیان دنیا یاد کنیم و این در حالی است که دست کم ۳۰۰ میلیون شیعه در جهان وجود دارد. اگر ما بتوانیم فقط یک درصد از این تعداد را به ایران جذب کنیم، می‌شود ۳ میلیون نفر که برای اقتصاد گردشگری ما یک پیروزی محسوب می‌شود. این جدا از توریسیم داخلی است که همواره تأکید من بر این بوده که ما تا توریسیم داخلی خود را رونق ندهیم، نمی‌توانیم میزبان خوبی برای خارجی‌ها باشیم.»

این فعال عرصه گردشگری، مشکل اصلی را در مشخص نبودن متولی برای گردشگری مذهبی دانسته و تصریح می‌کند: «به‌درستی مشخص نیست چه کسی مسئول و متولی این‌گونه مسافرت‌ها و برنامه‌هایش است. البته این مشکل تنها به کشور ما بر نمی‌گردد و وقتی خاورمیانه را می‌نگرید، می‌بینید

در کل کشور ۵ هزار و ۸۰۰ بقعه متبرکه به‌عنوان آرمگاه‌های امام‌زادگان ثبت شده است که از این تعداد، یک هزار و ۲۰۰ بقعه به‌دلیل حائز شرایط معماری، فرهنگی و تاریخی بودن، در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است

مهم‌ترین سایت‌های گردشگری دنیا هیچ‌کدام ۵ میلیون توریست هم ندارند، چه رسد به اینکه یک نوع خاص توریست داشته باشند؛ در حالی که مثلاً اسپانیا ۶۰ تا ۶۳ میلیون گردشگر در سال را پذیراست.»

غفارپور تصریح می‌کند: «ما از نظر بافت‌شناسی و آشنایی با ادبیات توریستی در کشور مشکل داریم. الان فقط در مشهد است که با وجود زیرساخت‌های خوب اقامت، مردم با ادبیات مسافران و زائران آشنا هستند و به‌سادگی می‌توان در آن خانه اجاره کرد، اما سایت‌های غیر مذهبی‌مان مثل شیراز و اصفهان هنوز مشکل زیرساختی دارند.»

به اعتقاد وی، موضوع دیگر شناخت مسافر مذهبی است و این مسافر با مسافر معمولی تفاوت دارد. یک توریست کلاسیک با توری ۲

شب و ۳ روز» برای یک مقصد راضی است، اما زائر، مدل اقامتش فرق می‌کند. او می‌خواهد یک سری اعمال را در مقصد انجام دهد؛ دیگر با ۲ شب و ۳ شب راضی نمی‌شود. او حتی مکان اقامتش هم متفاوت است و برای همین است که در مشهد ما «هتل آپارتمان» می‌بینیم و این مدل مکان اقامتی مورد توجه قرار گرفته است. وی می‌افزاید: «به همین دلایل است که معتقدم ما هنوز نتوانسته‌ایم این فرصت را بشناسیم و هنوز زیارت و گردشگری مذهبی ما به صورت کاروان‌داری اداره و ساماندهی می‌شود.»

غفارپور با بیان این که اکنون در دنیا، بر اساس برنامه سازمان جهانی گردشگری ۱۵۰ تور باعلاق و ویژه طراحی شده است، اظهار می‌کند: «توریسیم کلاسیک دیگر رو به تغییر نهاده است. ببینید اگر کسی یک بار رفت برج ایفل در پاریس را دید، برای بار دوم رغبتی ندارد، ولی هر کس به خانه خدارفته است باز هم دوست دارد این امکان برایش فراهم شود. اصلاً به آداب و رفتارهای زائران توجه کنید! می‌بینید هیچ زائری هنگام خروج از مقصد زیارتی پشت نمی‌کند تا دوباره هم طلبیده شود. اینها فرصت‌های معنوی مهمی هستند که ما قدرش را نمی‌دانیم.»

پایگاهی برای شیعیان دنیا

بر اساس تحقیقات انجام شده هم اکنون زیارت، هدف اول سفر بسیاری از مردم کشورهای مسلمان و عربی است، بنابراین می‌توان از این امکان استفاده کرد و با تبلیغات در این‌گونه کشورها زمینه ورود گردشگران مذهبی و توسعه توریسیم زیارتی را فراهم کرد؛ البته این در شرایطی است که ابتدا زیرساخت‌های موردنیاز ورود گردشگران فراهم باشد.

در مجموع، در شرایطی که رونق صنعت گردشگری می‌تواند موجب تحول اقتصادی، کسب درآمد و همچنین اشتغال‌زایی در کشور شود و حضور گردشگران به‌ویژه گردشگران مسلمان در ایران می‌تواند در زدودن تصویر نامناسب و غیرواقعی که کشورهای غربی با تبلیغات گسترده خود علیه کشورمان ترسیم کرده‌اند، مؤثر باشد، آیا بهتر نیست مسئولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و برنامه‌ریزان کشور توجه ویژه‌ای به ظرفیت‌های موجود به‌ویژه در بخش زیارتی و مذهبی داشته باشند تا شاید از این طریق بتوانیم در آینده‌ای نه‌چندان دور، شاهد رونق صنعت توریسیم و جذب توریست زیارتی بیشتری به کشور باشیم. ■

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش و خبر



ادعای عجیب مصری‌ها:

عذرخواهی به خاطر قتل امام حسین (ع)
تعدادی از اهالی مصر که خود را بواسطه رسیدن نسبشان به ائمه شیعه «اشراف» می خوانند، در نامه‌ای به یک روزنامه مصری خواستار عذرخواهی شیعیان و دولت ایران به خاطر قتل امام حسین (ع) شدند! بنا بر این گزارش این افراد همچنین درخواست کرده اند اموال خمس و همچنین «فیء» به ایشان پرداخت شود. آقایان «اشراف» خود را در جایگاه صاحبان دم نشانده و در نامه خود یادآور شده‌اند که به عنوان «اشراف» (معادل سید) مسئولیت قتل امام حسین (ع) را به عهده شیعیان می دانند. مسئول این گروه در نامه خود آورده است: «به دلایل قطعی ثابت شده است که اجداد شیعیان فعلی که در عراق و ایران پرانگنده‌اند همان کسانی هستند که در جنگ (امام) حسین (ع) را کشتند، روایات شیعه هم به این جنایت شیعیان تصریح می کند! «همچنین این شخص با ذکر روایاتی از عالمان شیعه و به نقل از ائمه در مذمت کوفیان، این مذمت‌ها را خطاب به شیعیان فرض کرده است. البته نویسنده این مطلب خیلی زود و در همین نامه هويت و انگیزه خود را لو داده و از همه نوادگان امام حسین (ع) دعوت کرده است تا با اتحاد، انتقام خود را از شیعیان یهودی بگیرند. گفتنی است نویسنده اشاره نمی کند که امام حسین (ع) در راه دفاع از همین مذهب و بدست دشمنان شیعه به شهادت رسید. بهرغم این که اهل سنت و جوب خمس را تنها در غنائم جنگی صحیح می دانند، این افراد از شیعیان قم و نجف و دیگر مناطق خواسته‌اند تا اموالی را که تاکنون از راه خمس و دیگر اموال که از نظر شرعی متعلق به ائمه است، به آنها برگردانند!

آیت الله سبحانی:

باید از چاپ تصاویر وهن آمیز ائمه (ع)، جلوگیری شود

این مرجع تقلید در مراسم سالگرد شهادت امام صادق (ع) در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س)، با بیان این که «هیچ کس پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) را ندیده است، بلکه این افراد براساس تخیلات درونی خود، تصاویر آنها را منتشر می کنند»، افزود: «متأسفانه گاهی تصاویری منتسب به پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) آنها را خشونت طلب، خشمگین نمایش می دهد.» وی خاطر نشان کرد: «حضرت علی (ع) مظهر

رحمت، عاطفه و اخلاق است ولی در این تصاویر آن امام همام فردی خشمگین و خشن نشان داده می شود و معلوم است که دشمنان در این مساله دست دارند.» استاد حوزه علمیه قم با بیان این که «مسئولان نباید اجازه چاپ و انتشار این تصاویر را بدهند و با دستفروشی که این اقدام را انجام می دهند، برخورد کنند»، گفت: «مردم نیز باید از خرید این تصاویر خوداری کرده و بدانند که دشمنان از این طریق قصد ضربه زدن به اهل بیت (ع) را دارند.»

رئیس ستاد اقامه نماز کشور:

ضرورت توجه به روحیات جوانان

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی در جمع مدیران معاونان و روسای ادارات اوقاف و امور خیریه سراسر کشور، با اشاره به این که «خلوتی مساجد به دلیل این است که ما متولیان امور دینی تنها به نصف دستورات قرآن عمل کرده‌ایم»، افزود: «برای جذب اقشار مختلف مردم به ویژه نسل جوان به مساجد و دین باید ضمن توجه به اصول کار فرهنگی، اجرای کارهای واجب و بر زمین مانده و پر مخاطب و میلیونی از نسل جوان طلاب و دانشجویان جوان و فرهیخته در اقامه نماز و تشکیل هیات امنای مساجد بهره جست. به نظر من بسیاری از مساجدی که خلوت است امام جماعت آنها بسیار مسن و یا بیمار هستند. جماعت ۸۰ ساله نمی تواند با جوان ۱۶ ساله ارتباط برقرار کند باید از جوانان طلبه و دانشجو برای اقامه نماز جماعت و امور اجرایی و تشکیل امنای مساجد استفاده کرد، این کار را باید خود امامان جماعت انجام بدهند و از همه اقشار استفاده کنند. خود قرآن هم تاکید می کند مساجد باید جذاب باشند؛ اذان گو، خوش لحن باشد و اذان به طور زنده و حلقومی پخش شود، چرا که بزرگسالی چون آیت الله بهشتی، آیت الله شهید مطهری، آیت الله میانجی و آیت الله گلپایگانی تا زنده بودند خود در خانه اذان می گفتند.»

برای شبکه یک سیما:

مظفری مجموعه‌ای درباره آیین‌های مذهبی می‌سازد

مجید مظفری در گفت‌وگو با خبرنگار خیمه گفت: «پس از دیدن برخی سریال‌ها و تله فیلم‌های تلویزیونی که کم‌محتوا، تکراری و ضعیف بود، با آقای احدی، یکی از نویسندگان

که طرح چنین مجموعه‌ای را در ذهن داشت، تصمیم گرفتیم آن را عملی کنیم.» این کارگردان افزود: «برای ساخت این سریال از بیشتر شهرستان‌ها دیدن کردیم و آیین‌ها و مراسمی را که بتوان جلوی دوربین برد، یادداشت کردیم و در نهایت تصمیم گرفتیم آنها را با اضافه کردن یک خط درام، به تصویر بکشیم.» این بازیگر تلویزیونی با بیان این که «۳۰ دقیق هر قسمت به نمایش مستندی از مراسم اختصاص دارد و مردم هر منطقه مراسم خودشان را انجام می دهند و در کنار آن، داستان و خط درامی نیز اضافه شده است»، بیان کرد: «هر بخش از این مجموعه یک کارگردان مستقل و یک نام مخصوص دارد و من نیز به عنوان تهیه کننده آن حضور دارم.»

مظفری با اشاره به این که «در مرحله اول چهار قسمت از این مجموعه آماده و از تلویزیون پخش می شود»، تصریح کرد: «در این چهار بخش، یکی از آیین‌های مذهبی مردم مناطق آذربایجان، خراسان جنوبی، ترکمن صحرا و تهران را تصویربرداری کردیم.» وی در مورد آیین مردم ترکمن صحرا به خبرنگار خیمه گفت: «مراسم "آق آش" یا "آق قویون" در ترکمن صحرا برای افرادی است که به سن ۶۳ سالگی می‌رسند و به افتخار ۶۳ سال زندگی پر ارج و با عزت پیامبر اکرم (ص) جشنی بر پا می‌کنند که ما این بخش را به کارگردانی مهدی کرم‌پور و با نام "روز هفتم" آماده پخش کرده‌ایم.»

مجیدی با اشاره به این که «برای پخش این مجموعه می‌خواهیم با گروه اجتماعی شبکه یک سیما قرارداد ببندیم»، گفت: «قراردادمان با شبکه به صورت کلی خواهد بود تا پس از اتمام کار از تلویزیون پخش شود، زیرا با این مجموعه به دلیل ظرافت موضوع و فیلمبرداری در شهرهای مختلف نمی‌توان مثل برنامه‌ها و سریال‌های دیگر که در حین فیلمبرداری پخش هم می‌شود، برخورد کرد.»

وی افزود: «برای این مجموعه بیش از ۵۰ قسمت در نظر گرفته شده است و ممکن است برای هر آیینی، بیش از یک قسمت اختصاص پیدا کند.»

برای شخصیت امام حسین (ع)، عروسک ساخته نمی‌شود

بهروز غریب‌پور گفت: «عروسکی برای شخصیت‌های اصلی دینی واقعه عاشورا در

«اپرای عروسکی عاشورا» ساخته نمی‌شود. کارگردان «اپرای عروسکی عاشورا» در گفت‌وگو با خبرنگار خیمه افزود: «در حال حاضر ضبط موسیقی به پایان رسیده است و ساخت عروسک‌ها نیز در حال پایان یافتن است.»

وی با بیان این که «تمام عروسک‌های دشمنان و سپاه مقابل امام حسین (ع) ساخته شده است»، تصریح کرد: «برای نمایش شخصیت‌های اصلی دینی واقعه عاشورا عروسکی ساخته نمی‌شود و برای حفظ تازگی و جذابیت آن تدبیری اندیشیده شده است که بهتر است صحبت درباره آن را به زمان اجرای کار موکول کنیم.»

غریب‌پور به گروه عروسک‌ساز این اپرا اشاره کرد و خاطر نشان کرد: «عروسک‌ها را علی پاکدست طراحی می‌کند و مریم اقبالی سرپرستی ساخت عروسک‌ها را برعهده دارد که این کار با مشارکت گروه آرآن ادامه دارد.» کارگردان «اپرای عروسکی عاشورا» ادامه داد: «اندازه عروسک‌ها همانند اپرای رستم و سهراب، ۶۰ سانتی‌متر است که با به کارگیری تمهیداتی، برای مخاطب حدود ۲ متر به نظر می‌آید.»

وی در خصوص موسیقی این اثر به خبرنگار خیمه گفت: «موسیقی کار توسط بهزاد عبدی از هنرمندان ایرانی مقیم اوکراین، در کی‌یف ضبط شده است و در این کار شیوه جدیدی از اپرا رایج خواهد شد که در ادامه شیوه‌ها و روش‌های متداول در تعزیه ایرانی است.» غریب‌پور افزود: «خوانندگان این اپرا همگی ایرانی هستند و در دستگاه‌های ایرانی نیز آواز می‌خوانند و اشعار آن نیز از محتشم کاشانی است.»

کارگردان «اپرای عروسکی عاشورا» از مصطفی محمودی و محمد معتمدی به عنوان خوانندگان اپرای عروسکی عاشورا نام برد و افزود: «تاکنون از خواننده زن برای این کار دعوت نکرده‌ایم ولی در صورتی که نیاز آن احساس شود، این کار را انجام خواهیم داد.»

اپرای عروسکی عاشورا، محرم امسال در سالن فردوسی به مدت ۵ شب روی صحنه می‌رود.

با موضوع عزاداری مردم در محرم **سریال «زمانی برای بیداری» زنجان کلید خورد**

مدیرکل صدا و سیمای مرکز زنجان در مراسم آغاز ساخت این سریال گفت: «هدف

از این سریال نشان دادن توانمندی‌های مردم زنجان در برگزاری مراسم تاسوعا و عاشورای حسینی است، که بدون پیرایه و خرافه صورت می‌گیرد و مورد تأیید مراجع و مسئولین عالی رتبه کشور بوده به گونه‌ای که یکی از شاخصه‌های بی‌نظیر و متفاوت استان در مقایسه با دیگر نقاط کشور است.»

ابوالحسن صادقی جهانی با اشاره به این که «بیش از ۱۸ ماه کار مطالعاتی و تحقیقاتی روی فیلمنامه صورت گرفته است»، افزود: «از دیگر موضوعات مطرح شده در این فیلم معرفی شیوه صحیح و اصیل عزاداری در مقابل انحرافات عرفانی و ترویج خرافات و همچنین خودباوری ملی است.»

وی با بیان این که «سال گذشته بیش از ۵۰ ساعت برنامه از شبکه‌های مختلف ملی در خصوص دسته‌عزاداری حسینی و زینبیه پخش شد»، خاطر نشان کرد: «این سریال فرصتی بی‌نظیر است؛ چرا که به موضوعی بی‌نظیر می‌پردازد؛ اما باید دانست هر چیزی که بی‌نظیر باشد، تهدید مهم است و باید مراقب بود این فیلم در شأن موضوعش باشد و ما تنها یک بار اجازه استفاده از این واژه را خواهیم داشت.»

مجموعه تعزیه‌ها و خاطرات هاشم فیاض منتشر می‌شود

دبیر چهاردهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی - سنتی از چاپ مجموعه تعزیه‌ها و خاطرات هاشم فیاض در جشنواره امسال خبر داد.

دکتر محمدحسین ناصر بخت گفت: «امسال در نظر داریم در صورت امکان کتاب مجموعه تعزیه‌ها و خاطرات مرحوم هاشم فیاض، تعزیه‌خوان به نام تاریخ معاصر را به چاپ برسانیم.»

وی افزود: «در ادامه چاپ و انتشار دفاتر تعزیه که تاکنون هشت دفتر از آن توسط انتشارات نمایش مرکز هنرهای نمایشی به چاپ رسیده، سه دفتر دیگر برای چاپ و نشر آماده شده که در صورت امکان در چهاردهمین جشنواره تئاتر آیینی - سنتی ارائه خواهد شد.»

دبیر چهاردهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی - سنتی تصریح کرد: «چهاردهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی - سنتی از بخش‌های صحنه‌ای، ویژه، مرور، نمونه‌سازی، مجالس شبیه‌خوانی، آیین‌ها و بازی‌های نمایشی

بین‌الملل و همایش بین‌المللی نمایش‌های آیینی - سنتی تشکیل می‌شود.» ناصر بخت اظهار داشت: «در حال حاضر حدود ۹۰ متن در بخش صحنه‌ای به دبیر خانه رسیده و به بازخوانی جشنواره ارائه شده و قرار است تا ۱۵ آذر نظرات هیئت بازخوانی این بخش از جشنواره اعلام شود.»

وی خاطر نشان کرد: «علاقه‌مندان شرکت در بخش مرور چهاردهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی - سنتی تا پایان سال جاری فرصت دارند که آثار خود را به صورت لوح فشرده CD به دبیر خانه این جشنواره ارائه کنند، اما نتایج شرکت کنندگان بخش تعزیه، به همراه بخش صحنه‌ای این جشنواره ۱۵ آذر ماه اعلام خواهد شد.»

دبیر جشنواره نمایش‌های آیینی - سنتی با اشاره به این که «شورای سیاستگذاری جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی - سنتی همواره تشکیل جلسه می‌دهد»، تصریح کرد: «این جلسات از فصل بهار به صورت مرتب در حال برگزاری جلسه است و برای بخش نمونه‌سازی با اساتید زیادی تماس گرفته شده که خوشبختانه بسیاری از آنان برای شرکت در این جشنواره ابراز تمایل کرده‌اند.»

ناصر بخت همچنین از احتمال انجام کاری مشترک با چند کارگردان خارجی در جشنواره نمایش‌های آیینی - سنتی خبر داد

سوگواره پوستره‌های عاشورایی به نام قمر بنی‌هاشم (ع) مزین شد

محمد خزایی گفت: «سومین سوگواره پوستره‌های عاشورایی در سه بخش طراحی شده که بخش اصلی به حماسه عاشورا اختصاص دارد و بخش ویژه که از این دوره اجرامی شود، مختص به آثاری با موضوع ابوالفضل العباس (ع) است.»

وی با بیان این که «بخش ویژه دوره‌های آینده سوگواره پوستره‌های عاشورایی به دیگر شهدای واقعه کربلا اختصاص خواهد داشت»، افزود: «برای این دوره بخش کتیبه‌نویسی نیز طراحی شده که روی پارچه و بارویکردی نو برگزار می‌شود.»

سومین سوگواره پوستره‌های عاشورایی به همت حوزه هنری دی ماه در تهران برگزار می‌شود؛ این سوگواره با نظر شورای سیاستگذاری قرار است در دوره‌های آینده در دیگر شاخه‌های هنرهای تجسمی نظیر نقاشی، تصویرگری و مجسمه نیز برگزار شود.

۱۰ هزار جلسه گفتمان دینی در سال جاری برگزار می‌شود

حجت‌الاسلام حسین روحانی‌نژاد در جمع خبرنگاران در استان خراسان جنوبی گفت: «در ۶ ماهه دوم سال جاری ۱۰ هزار جلسه گفتمان دینی در استان‌های کشور برگزار خواهد شد.»

وی همچنین برگزاری کنگره شعر اهل بیت (ع) در آستانه ماه محرم، برگزاری نمایشگاه مناسبت‌های مذهبی با هدف پالایش اقلام فرهنگی، تربیت خطیب جهت توانمندسازی خطبا و اجرای طرح عفاف و حجاب در استان‌های کشور را از جمله اقدامات دیگر این سازمان در ۶ ماهه دوم سال جاری برشمرد.

معاون امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی تصریح کرد: «در کل کشور ۷۲ هزار مسجد وجود دارد که از این تعداد ۵۸ هزار مسجد با سازمان تبلیغات اسلامی کشور در ارتباط است.»

وی با اشاره به جلسه‌ای که با حضور ۱۷۰ نفر از علمای خراسان جنوبی تشکیل شد، گفت: «جمع علمای استان نگران تهدیدات دروغین مدعیانی بودند که در صدد آسیب رساندن به مهدویت و عزاداری‌های جامعه اسلامی هستند.»

در گرگان؛

پنجمین نشست هیات رئیسه شورای هیات‌های مذهبی برگزار شد

در این نشست رؤسای هیات‌های مذهبی از شهرهای زنجان، خراسان شمالی، استان شیراز (فارس)، کهگیلویه، مدیرکل تشکل‌های دینی سازمان تبلیغات اسلامی و جمعی از مسئولان تشکیل شد. مدیرکل تبلیغات اسلامی استان گلستان گفت: «بررسی جایگاه و نقش هیات‌های مذهبی در تاریخ شیعه بیانگر وسعت و تلاش مخلصانه فرزندان معنوی قرآن و اهل بیت (ع) در حفظ شاعران اسلامی است.»

زین‌العابدین روحانی‌نیا افزود: «برای پیشبرد اهداف و اصلاح وضعیت موجود و ساماندهی هیات‌های مذهبی وجود یک برنامه جامع و منسجم فرهنگی و مذهبی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است تا زمینه مشارکت هر چه بیشتر مردم در تشکیل و تقویت هیات‌ها فراهم گردد تا بتوان ضمن استفاده از امکانات موجود دولتی و مردمی حداکثر بهره‌گیری به

منظور استفاده بهینه در هیات‌ها بعمل آید.» وی نحوه شکل‌گیری شورای هیات‌های مذهبی در استان را از اسفند ۸۴ اعلام کرد و ادامه داد: «در ۱۱ شهرستان و شهر اداره کل تبلیغات اسلامی در آن دارای دفتر و نمایندگی بوده که پس از مشخص شدن ترکیب اعضاء با هماهنگی اداره کل مکان‌هایی در خارج و داخل دفاتر برای فعالیت آنها در نظر گرفته شده و امکاناتی در حد توان به آنها اختصاص یافت.» مدیرکل تشکل‌های دینی اهداف تشکیل شوراهای را در سه سطح مختلف دانست و مهمترین کار شوراهای را کمک به تصمیم‌گیری و کمک به سازمان تبلیغات اسلامی در رده‌های مختلف اعلام کرد. دیلمقانی با اشاره به این که «اوج موفقیت شوراهای در محرم سال گذشته بود»، ادامه داد: «از جمله برنامه‌های آتی می‌توان به برگزاری کنگره شعر عاشورایی در ۱۹ استان در ایام محرم، برگزاری نمایشگاه مناسبت‌های مذهبی در ۱۵ استان، دیدار مداحان با مراجع قبل از ماه محرم، دیدار مسئولان شورای هیات مذهبی با مسئولان فرهنگی نظام در تهران اشاره کرد.»

گزیده غزل‌های عاشورایی منتشر شد

کتاب «هم‌آینه‌ها» در برگیرنده ۳۱۷ غزل عاشورایی از شاعرانی چون زنده‌یاد قیصر امین‌پور، اسماعیل امینی، ساعد باقری، پرویز بیگی حبیب‌آبادی، مصطفی محدثی خراسانی، علیرضا قزوه، سیدضیاء قاسمی، عبدالجبار کاکایی و بسیاری شاعران دیگر است که با مقدمه مهدی مظفری ساوجی منتشر شده است.

کتاب «هم‌آینه‌ها» در ۳۲۶ صفحه با شمارگان ۲۲۰۰ نسخه و با قیمت ۳۲ هزار ریال از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

کنگره بزرگ شعر عاشورایی در تبریز برگزار می‌شود

کنگره شعر عاشورایی در بخش شعر و نثر ادبی شامل مقتل، مدیحه، پیام‌های عاشورا، عدالت‌طلبی، رویدادها و سیر تاریخی قیام و سایر موضوعات مربوطه به صورت همزمان در نه استان تهران، خوزستان، قم، فارس، خراسان رضوی، اصفهان، اردبیل و آذربایجان شرقی برگزار می‌شود.

شاعران، فرهیختگان، نویسندگان و اهل قلم می‌توانند آثار خود را تا دهم آذر به دبیرخانه

کنگره واقع در تبریز - میدان دانشسرا - اداره کل تبلیغات اسلامی استان ارسال کنند.

در الیگودرز؛

کنگره سراسری شعر عاشورا «حجره‌های سرخ» برگزار می‌شود

مسئول اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی الیگودرز از شاعران سراسر کشور دعوت کرد با ارسال دو اثر تایپ شده از تازه‌ترین سروده‌های خود که در کنگره‌های مشابه قبل از سال ۸۶ ارائه نگردیده و در مجلات، نشریات و کتاب‌ها چاپ نرسیده باشد به دبیرخانه این کنگره واقع در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی الیگودرز در این کنگره شرکت نمایند. مسئول اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی الیگودرز گفت: «قالب اشعار ارسالی، آزاد بوده و به اشعاری که در نگرش و سرایش آنها نوآوری صورت گرفته باشد، امتیاز ویژه تعلق خواهد گرفت.» محمدی بیان کرد: «آخرین مهلت ارسال آثار روز پنجشنبه ۱۹/۱۰/۸۷ و زمان برگزاری کنگره سه‌شنبه و چهارشنبه، یکم و دوم بهمن ماه ۱۳۸۷ خواهد بود.»

ثبت‌نام مرحله جدید عتبات عالیات از ۷ آذرماه آغاز می‌شود

حسین اکبری با بیان این که «ثبت‌نام مرحله جدید اعزام زائران به عتبات عالیات از ۷ آذرماه آغاز می‌شود»، گفت: «سه‌میه اعزام زائران به عتبات تا ۷ دی‌ماه تکمیل است و ثبت‌نام مرحله جدید نیز یک ماه قبل از این تاریخ آغاز خواهد شد.»

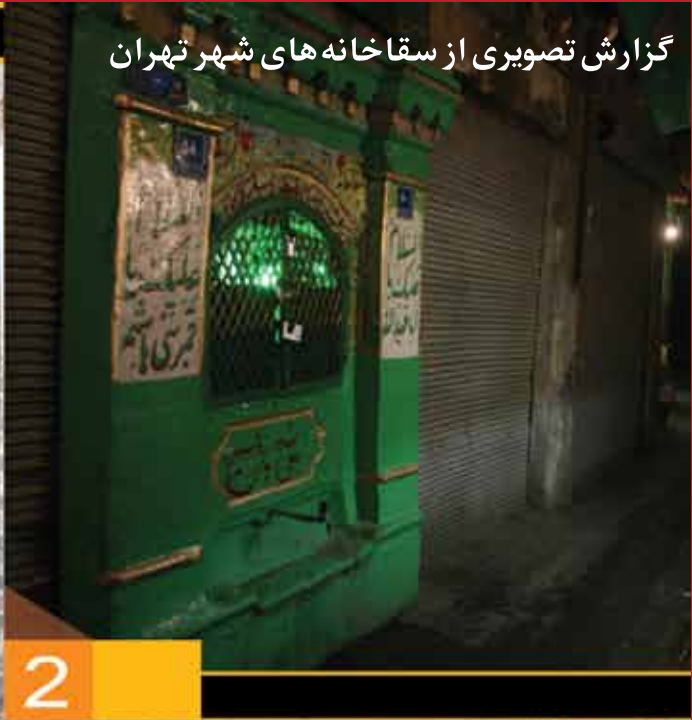
وی افزود: «اعزام زائران معمولاً یک تا ۳ ماه به طول می‌انجامد و به طور متوسط مشتاقان باید ۲ ماه برای سفر منتظر بمانند و همچنین از این دوره سه‌میه‌ای نیز برای ثبت‌نام اینترنتی زائران در نظر گرفته خواهد شد که در صورت استقبال از دوره بعد این سه‌میه بیشتر خواهد شد.»

معاون عتبات عالیات سوریه و عراق سازمان حج در خصوص اعزام هوایی زائران به عتبات تصریح کرد: «در حال حاضر منتظر تکمیل فرودگاه نجف هستیم و مسئولان عراقی عنوان می‌کنند که به‌زودی آماده می‌شود.»

1



2



3



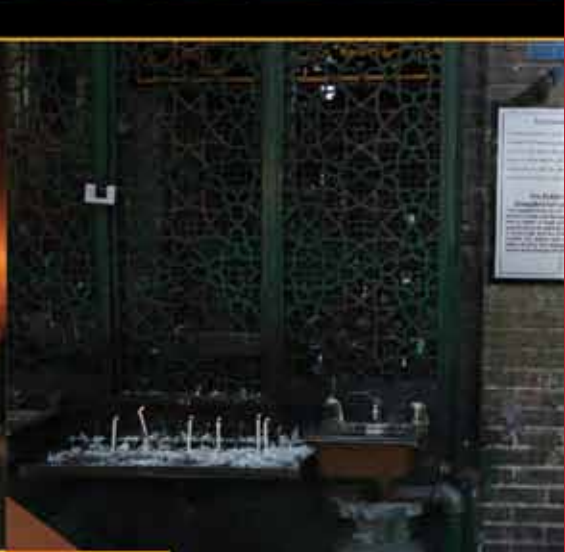
4



5



6



از سوی مرکز مطالعات راهبردی خیمه منتشر می شود؛

دانشنامه امام حسین علیه السلام

مرکز مطالعات راهبردی خیمه، تا پایان امسال ۵ جلد نخستین دانشنامه امام حسین (ع) را روانه بازار خواهد کرد. این دانشنامه به سفارش سازمان اوقاف و امور خیریه و توسط مرکز مطالعات راهبردی خیمه تهیه شده است. برای معرفی بیشتر این اثر، گفتگویی داشتیم با استاد محمد اسفندیاری مدیر این پروژه که در ادامه می آید:

■ محتوای دانشنامه امام حسین (ع) چیست؟

آنچه به عنوان دانشنامه امام حسین (ع) آماده شده است، گزیده‌ای از بهترین مقالات درباره آن حضرت است؛ که مقالات این مجموعه به چند بخش تقسیم می شود.

مقاله‌ای که عهده دار گزارش از حیات و قیام امام حسین (ع) و از تحریفات و خرافات و مجعولات پیراسته است؛ مقاله‌ای که در باره هدف‌شناسی آن حضرت از قیام است و در آن رویکردهای مختلف درباره فلسفه قیام کاویده شده است.

مقاله‌ای که ویژه کتاب‌شناسی و یادواره یک تک‌نگاری مهم است و مقاله‌ای که در آن به پیرایه‌زدایی از قیام امام حسین (ع) پرداخته شده و نمونه‌هایی از تحریفات و مجعولات، به صورت مستدل و مستند، نقد شده است.

■ معیار انتخاب این مقالات چه بوده است؟

در گزینش مقالات، چندین معیار در نظر گرفته شده و بدون هیچ گونه اغماض و مسامحه علمی، با این معیارها به گزینش پرداخته شده است.

مقاله‌ای که به لحاظ محتوا، غنی و ارزنده است و با زبان علمی و کاملاً روشمند فراهم آمده است؛ مقاله‌ای که به لحاظ تحلیل، مشتمل بر نظریاتی جدید است و در آن نوآوری و گره‌گشایی ملاحظه می شود.

مقاله‌ای که در تحریف‌زدایی و پیراستن خرافات از قیام امام حسین (ع) ارزنده و آموزنده است؛ مقاله‌ای که گزارشی مستند و دقیق از قیام آن حضرت ارائه کرده و در شمار نصوص دست اول قلمداد می شود.

مقاله‌ای که ضمن علمی و ارزنده بودن، مکتوم



و مغفول مانده بود و در مطاوی مجموعه‌ها و کتابهای نایاب وجود داشت و بسیاری از عاشورا پژوهان از آن اطلاع نداشتند.

■ چند نمونه از این مقالات را نام برید؟

از میان مقالات دور از دسترس، می توان به مقالات حکمت شهادت سیدالشهدا، از علامه مجلسی؛ عزادارپهای نا مشروع، از علامه سید محسن امین؛ اسرار و آثار واقعه کربلا، از علامه جلال‌الدین همائی؛ حسین منی و انا من حسین، از استاد محمد باقر بهبودی؛ عاشورا، عزاداری، شادی، روزه، از علامه محدث ارموی اشاره کرد.

با قاطعیت می توان گفت که در حدود بیست مقاله این مجموعه، یکسره نایاب بوده است و یافتن آن را می توان از مقوله «کشف» دانست. شاید کمتر کسی بداند که علامه محدث ارموی، در ضمن تعلیقاتی که بر کتاب الرساله العلیه فی الاحادیث النبویه نگاشته است، بحثی بسیار گرانسنگ و طولانی درباره عاشورا و شادی دارد که با لحاظ استقصاء مطالب و شواهد، بی نظیر است.

همچنین مقاله استاد جلال‌الدین همائی که در اصل، سخنرانی رادیویی ایشان در پنجاه سال پیش بود و فقط یک بار منتشر شد و نسخه‌های آن سالهاست که وجود ندارد و حتی در ضمن مجموعه مقالات ایشان چاپ نشده است و شاید خانواده ایشان نیز از آن بی اطلاع باشد.

به هر حال، در حدود بیست مقاله این دانشنامه، یکسره دور از دسترس بوده و

انتشار آن در این مجموعه، در واقع احیای آنهاست؛ همه مقالات این دانشنامه، در نوع خود بی نظیر و از بهترین مقالاتی است که تا کنون منتشر شده است.

هیچ مقاله ضعیف و حتی متوسطی در این مجموعه آورده نشده است؛ بی تردید در دهه‌های اخیر، دهها هزار مقاله درباره امام حسین (ع) نوشته و منتشر شده است، اما گزینش کمتر از صد مقاله از میان این همه آثار، نیازمند چندین و چند صافی نقد بوده است تا گلچینی از بهترین آثار گرد آید.

یکی از شاخصه‌هایی که در گزینش مقالات مد نظر بوده است، موضوع هدف‌شناسی امام حسین (ع) است؛ درباره این موضوع حساس و مختلف فیه، چند مقاله ارزنده، با گرایشهای متفاوت، گزینش شده است.

■ برای نمونه برخی از مقاله‌هایی که با موضوع هدف‌شناسی امام حسین (ع) است را نام ببرید.

تنزیه ابو عبد الله الحسین (ع)، از سید مرتضی علم الهدی؛ حکمت شهادت سیدالشهدا، از علامه مجلسی؛ چند قرائت از قیام امام حسین (ع) از دکتر حمید عنایت؛ در شناخت هدف امام، از استاد علی اکبر غفاری و سه نظر در هدف امام، از حجت الاسلام سید علی فرحی.

■ آیا از مقالات اساتید دانشگاه‌ها نیز در این مجموعه استفاده شده است؟
در گزینش مقالات، عمد بوده است که در



پست جواب قبول

نیازی به چسباندن تمبر ندارند

هزینه پست بر اساس قرار داد شماره ۳۷-۳۷۱۸۴ پر پرداخت شده است.

صندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

تلفن دفتر تهران: ۸۸۹۳۴۹۷۰-۲۱

تلفن دفتر قم: ۷۷۵۱۴۲۳-۴-۲۵۱

ما به عاشقان سیدالشهدا اعتماد داریم

مشخصات فرستنده: نام و نام خانوادگی:

استان: شهرستان:

آدرس دقیق پستی:

.....

.....

تلفن: کد / صندوق پستی:

شماره و تاریخ قبض و ابریز:

فرم اشتراک

هزینه اشتراک ماهیانه خیمه

پست سفارشی **پست عادی**

شش شماره ۷۵۰۰۰ ریال شش شماره ۱۰۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۱۵۶۰۰۰ ریال دوازده شماره ۲۰۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را مطابق جدول بالا به شماره حساب سیمپا (بانک ملی) ۰۱۰۱۳۸۹۵۵۴۰۰۱ به نام مرتضی وافی، قابل پرداخت در کلیه شعب سراسر کشور واریز نمایید. فرم اشتراک را دقیقاً تکمیل نموده، و به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال نمایید.

تلفن دفتر تهران: ۸۸۹۳۴۹۷۰-۲۱

تلفن دفتر قم: ۷۷۵۱۴۲۳-۴-۲۵۱

کنار نام رجال بزرگ حوزوی و مراجع روحانی، از مقالات شخصیت‌های دانشگاهی نیز استفاده شود.

بدین منظور، مقالاتی یافت شد که نویسندگان آنها در شمار زبده‌ترین استادان دانشگاهی و نویسندگان نام‌آور بودند؛ که می‌توان به محمد جعفر محجوب، دکتر حمید عنایت، دکتر مهدی محقق و دکتر محمد مهدی رکنی اشاره کرد.

شاید معدودی بدانند که پروفیسور زریاب و دکتر مشایخ فریدونی، که از قله‌های علمی در عصر حاضر هستند - یک مقاله مشترک درباره امام حسین (ع) دارند که شاهکار است و ماندنی برای آن یافت نمی‌شود.

همچنین بسیاری نمی‌دانند که دکتر محمد جعفر محجوب - که بزرگ‌ترین متخصص فولکور در ایران معاصر است - دو مقاله ارزنده درباره امام حسین (ع) در فرهنگ فولکور دارد و یا دکتر رکنی، در موضوع گریه برای امام حسین (ع) تک‌نگاری مهمی دارد که شایان عنایت است.

آیا تمام این مقالات به زبان فارسی است؟

بخشی از مقالات این مجموعه، به زبان عربی و مشتمل بر «ترجمه و مقتل» امام حسین (ع) است؛ این مقالات در شمار منابع دست اول است و از قرن هشتم تجاوز نکرده است.

قدیمی‌ترین آنها مقتل ابن سعد (۱۶۸ - ۲۳۰) و مقتل ابن عبد ربّه (۳۲۸) است و سپس، قرن به قرن را شامل می‌شود؛ این بخش از کتاب، در حدود پانصد صفحه است و اگر مجالی موسع در نظر گرفته شود، حجم آن را می‌توان تا هزار صفحه افزایش داد و آن را در دو جلد مستقل، ذیل عنوان «موسوعه مقتل الحسین من ثراث المتقدمین» منتشر ساخت.

بخش مزبور برای جهان عرب بسیار سودمند و کار آمد است و می‌توان آن را همزمان در عراق و لبنان به چاپ سپرد.

و حرف آخر؟

در پایان به اطلاع می‌رساند که تاکنون بیش از هفتاد کتابشناسی امام حسین (ع) منتشر شده است و اینک نیز شماری از نهادها و اشخاص در حال تدوین کتابشناسیهایی دیگر هستند و تکرار در تکرار ملاحظه می‌شود؛ اما تاکنون یک مجموعه که شامل گزیده مهم‌ترین مقالات علمی درباره امام حسین (ع) باشد، فراهم نیامده است.

با انتشار این کتاب، محققان به مجموعه‌ای دسترسی پیدا می‌کند که مشتمل است بر:

الف) گزیده نصوص اولیه درباره ترجمه و مقتل امام حسین (ع)

ب) گزیده مقالات تحلیلی درباره حیات و قیام آن حضرت.

با انتشار این کتاب، عده‌ای از بسیاری از کتابها مستغنی می‌شوند؛ عده‌ای به مقالات و رساله‌های نایاب دسترسی پیدا می‌کنند؛ عده‌ای آن را مجموعه‌ای می‌یابند که جامع و کامل است.

انتشارات خیمه منتشر خواهد کرد:

■ دانشنامه امام حسین (ع): گزیده نصوص اولیه درباره ترجمه و مقتل امام حسین (ع)، گزیده مقالات تحلیلی درباره حیات و قیام آن حضرت.

■ چهل منزل تا اربعین: مجموعه سخنرانی‌های سلسله نشست‌های عاشورا پژوهی چهل منزل تا اربعین که سال گذشته توسط مرکز مطالعات راهبردی خیمه برگزار شد.

■ عاشورا پژوهی: شیوه‌نامه تحقیق در حوزه‌های عاشورایی، مقدمات و ملزومات.

انتشارات خیمه به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های مرکز مطالعات راهبردی خیمه فعالیت خود را از تابستان سال ۸۷ آغاز کرده است. و در حال حاضر انتشار ۸ عنوان کتاب را تا پایان سال ۸۷ در دستور کار خود دارد. تلفن اطلاعات بیشتر: ۷۷۵۱۴۲۳-۴-۲۵۱

دومین سوگواران هنری

مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری برگزار می کند
2nd annual Poster Ashoora
Iranian Artists' Forum / 12 - 24 Jan 2008



سومین سوگواران هنری از نیمه نخست دی ماه هم زمان در نگارخانه های حوزه هنری، خانه هنرمندان و سی استان کشور برپا می شود. این سوگواره در کنار موضوع عمومی خود که به «حماسه کربلا» اختصاص دارد در هر دوره، پوستره های خاص یکی از شهدا و ایثارگران واقعه کربلا را به عنوان موضوع ویژه ارائه می کند که امسال این موضوع ویژه به حضرت ابوالفضل (ع) اختصاص یافته است. تصویر فوق، پوستر سال گذشته این همایش بوده است.

شماره ۴۷ و ۴۸ ماهنامه خیمه، ویژه نامه محرم، هفته اول دی ماه منتشر خواهد شد. در این شماره خواهیم خواند:

پرونده های ویژه:

- تاثیر متقابل انقلاب اسلامی و فرهنگ عاشورا
- سفر به عتبات عالیات
- فلسفه، تعریف و آداب زیارت

گفتگوهای ویژه:

- میزگرد برداشت عقلانی و احساسی از واقعه عاشورا با حضور دکتر سید یحیی یثربی و دکتر محمد مهدی جعفری
- گفتگو با دکتر مرضیه محمدزاده پیرامون دانشنامه شعر عاشورایی
- گفتگو با دکتر فخر روحانی پیرامون فرهنگ عاشورا در سایر کشور

های جهان

- میزگرد بررسی ادبیات عاشورا پس از انقلاب
- میزگرد بررسی تلویزیون و سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی

و ...

خیمه

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی خیمه

ماهنامه خیمه با حمایت مرکز مطالعات راهبردی خیمه با رویکرد مذهبی، علمی، توصیفی، ترویجی، فرهنگی، و با موضوع تخصصی امام حسین (ع)، عاشورا و مناسک آیینی و کلیه ی موضوعات مرتبط انتشار می یابد.

مخاطبین: کلیه علاقمندان به مباحث عاشورایی بالخصوص: محققین، پژوهشگران، نویسندگان عرصه عاشورا، مدیران و مسئولین تشکلهای دینی، واعظ، منبری ها، مداحان، مدیران و مسئولین فرهنگی کشور

آدرس:

تهران، صندوق پستی: ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵، تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷

قم، صندوق پستی: ۴۴۹-۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۳۳-۴

